(التدقيق في سير الطريق)

از دقیقه هشتم

وجود ضمیمه دقیقه نهم

بسم الله الرحمن الرحیم

دقیقهٔ ثامن

شرح دوشنبه یازدهم ربیع الثانی

دقیقهٔ ثامن در شرح وقایع یومیّه از روز اعادهٔ رجعت از آستان ملائک پاسبان حضرت رضا
تا روز ورود دار الخلافهٔ باهره طهران

شرح دوشنبه یازدهم بیست و دو روز از برج سنبله مرور نموده هوا در نهایت اعتدال است امشب در دروازه
شهر محض حرکت ما فراشباشی سفارش نموده ساعت پنج بسته نشود شبانی دیگر ساعتی از شب گذشته
راه تردد شده بود صلاح چنان شد سه ساعت از شب گذشته با هزار کوته الف روضهٔ منوره را وداع
کرده عتبهٔ عالیه را بوسیده از شهر بیرون شده برابر قبرستان بربریها فرود آمده شب را
در میان بادیه بیتوته نموده پس از طلوع آفتاب شب یعین را وداع کرده حرکت نموده حاجی شیخ علی
محلاتی از بمبئی به عتبه بوسی حضرت مشرف آمده در عرض راه ملاقات شد کوهسارستان را تا
اینجا توقف داشته باشد دو ساعت از دسته رفته به طرق رسیده برابر رباط در میان انهار جاریه
و اشجار عالیه منزل کردیم نان و گوشت در رباط طرق یافت نمیشود باید از شهر گرفت
برابر رباط طرق راه دو شاخه میشود رشتهٔ به شهر میرود و رشتهٔ دیگر که از دو طرف شارع
آن دو نهر وسیع جاری یافته و اشجار بید در لب انهار کشته شده بسوی آن نیم فرسنگ مسافت
بوده که به طرق منتهی میشود امشب در خارج شهر هوا از پاییز سرد بوده شنیدیم در شهر نیز بسیار سرد شده

شرح سه شنبه دوازدهم امشب شام صرف نموده حرکت کردیم حاجی شیخ قاسم مرزوق
تا اینجا مشایعت آمده قبل از طلوع آفتاب تشریف آباد رسیده در قلعهٔ نایب مواظب

مواظب رباط نظام الدوله فرود آمده نسبت به بیوت دیگر خانه نظیف پاکیزه محسوب میشود

چهارشنبه هفدهم

شرح چهارشنبه هفدهم   پس از فریضه عشا حرکت کرده ساعتی پس از طلوع
آفتاب وارد قدمگاه شده در صفه از بقعه فرود آمده فرشی برای آن بقعهٔ مبارکه
تهیه دیده بودم تقدیم نموده امشب در فخرداود لقوام نظام برادرزاده مرحوم میرزا ابراهیم
وزیر نظام بر جرده بمشهد میروند

پنجشنبه هیجدهم

شرح پنجشنبه هیجدهم   ساعتی از شب گذشته حرکت نموده مقارن طلوع آفتاب
پشت باروی شهر نیشابور وارد از دور شهر گذشته برباط قرب دروازه
عراق رسیده در رباط مزبور از کثرت عابر و مسافر محل اقامت نبوده درکن
آمده در سرای آقا غلامرضای پوست فروش منزل کردیم

جمعه نوزدهم

شرح جمعه نوزدهم   دو ساعت از شب گذشته حرکت کرده پس از طلوع
آفتاب بشورآب رسیده در ایوان رباط ست الملک فرود آمدیم حمام
رعیتی در شورآب هست

شنبه بیستم

شرح شنبه بیستم   پس از ادای فریضه حرکت نموده قبل از طلوع آفتاب
بزعفرانیه رسیده در مهمانخانه حسام السلطنه فرود آمده مهمانخانه
ضابط قریه حسب امر حسام السلطنه در دولتخانی مخارج تمام کرده

یکشنبه بیست و یکم

شرح یکشنبه بیست و یکم   پس از فریضه عشا حرکت نموده مقارن طلوع



طلوع آفتاب بسبزوار رسیده در سر قبر آقا منزل نمودم ساعت ورود آقا میرزا صادق تاجر
خرازی فروش بملاقات آمد زعفران از در سبزوار منی بتبریز سی تومان میفروشند

دوشنبه بیست و دوم

شرح دوشنبه بیست و دوم   رفع خستگی امروز در سبزوار اتراق میشود   جناب آقا
عبدالقیوم فرزند مرحوم غفران مآب حاجی ملا هادی طاب ثراه از ما دیدن فرمود
مرحوم حاجی در وقت وفات سه فرزند ذکور داشته و چهار فرزند اناث بیادگار گذاشته
اکبر آنها آخوند ملا محمد در سال هزار و دویست و نود و دو پس از شصت سال زندگانی درگذشت
ملا عبدالله و ملا جلال فرزندان او هستند در سبزوار آنها را دیدم پسر دوم آقا ملا اسمعیل
بوده در پنج سال قبل وفات نموده دو فرزند از او باقی شهاب الدین و عماد الدین
هر دو در طهران مشغول تحصیل هستند فرزند سوم جناب آقا عبدالقیوم است تقریباً
چهل سال از مراحل زندگانی پیموده غالب ایام در مدرسه فصیحیه مشغول افاده تدریس میشوند

سه‌شنبه بیست و سیم

شرح سه‌شنبه بیست و سیم   محض اصلاح امور حاجی موسی مکاری امروز باز
توقف نموده از جناب آقا عبدالقیوم باز دیدن شد کتاب هدایة الطالبین
در اثبات نبوت و امامت و کتاب جواب سؤال مسائل مشکله حکمت از تصانیف
جلیل مرحوم حاجی بنگارنده هدیه فرمود   جواب و سؤال مزبور عبارت
از هشت رساله از قرار ذیل است سؤالات شیخ محمد ابراهیم طهرانی و سؤالات
رضوی نجف مبارک مؤلف و سؤالات فاضل تبتی و سؤالات فاضل

چهارشنبه بیست و چهارم

پنجشنبه بیست و پنجم

فاضل اسفراینی و سؤالات بعض القمیین و سؤالات فاضل سمنانی و سؤال
گرگانی و سؤالات فاضل بجنوردی میرزا عبدالکریم طبیب از تلامذهٔ مرحوم حاجی
شرح چهارشنبه بیست و چهارم آقا شیخ حسین تا بسبزوار مشایعت از ما فرموده دو ساعت
از شب گذشته از او وداع نموده حرکت کرده قبل از طلوع آفتاب بر بید رسیده
درخانهٔ میرزا محمد فرود آمده در سبزوار تلگرافی از میرزا عباسخان بوده جواب داده شد
شرح پنجشنبه بیست و پنجم چهار از شب گذشته حرکت نموده ساعتی قبل از آفتاب
بصدخرو رسیده درخانهٔ کربلائی یوسف فرود آمده سید رضا نامی در آن خانه
تبرعاً نشسته خانهٔ مزبور در موقع مشهور بپا چنار واقع چنار کهن سالی در آن
حوالی است از دانایان قریه شنیدم در شمال صدخرو کوهی است در کمر آن
کوه اطاقی مربع از سنگ تراشیده شده قرآنی بس وزین در آنجا است
در ایام سلف اشرار ترکمان قرآن را بسرقت برده باز بمحل خود عودت
داده مزرعهٔ موسوم بآهو در دامنهٔ آنکوه است از صدخرو تا آنجا دو
فرسنگ میشود و مشهور است آثار غار اصحاب کهف در آن کوه
پیدا و دو فرسنگ جنوب صدخرو آثار خرابهٔ شهر بزرگی هویدا است
مردم میگویند شهر دقیانوس همین جا بوده آن موضع حال بیاد توس مشهور
است گنبد خرابه ئی در آنجا است آثار مقبره در آن گنبد موجود قریهٔ نزدیک



جمعه بیست و ششم

شنبه بیست و هفتم

نزدیک آن موضع خسروآباد و برزج و تشام و بروغند و عفیصه و عین الشب آفتاب برج میزان تحویل نمود
شرح جمعه بیست و ششم پنج ساعت از شب گذشته حرکت نموده وقت حرکت قاطر آبدار
مفقود شده پس از ساعتی تجسس آبدار را بجا گذاشته روانه شد دو بار در جستن از نهر آب
قاطر کجاوه رو رفت و مرا انداخت و با کثرت بیم صدمه زیاد نرسانید ساعتی پس از طلوع
آفتاب بمزینان رسیده در سر در رباط فرود آمده ساعتی پس از ما آبدار مال را پیدا نموده آمد
لیث رباط در مزینان قدیم قریب مسجد جامع شخصی از رعایا فینی از کاه و گل ساخته از وسط
فین نهر آب را جریان داده در میان فضا انواع لاله عباسی سبز نموده مسافر را
اقامت در این خالی از صفا و نزهت نیست
شرح شنبه بیست و هفتم مقارن غروب آفتاب حرکت کرده قبل از طلوع بعباس
آباد رسیده درخانهٔ نوروز علی فرود آمده خانهٔ ممتاز پاکیزه است سرایدار خانه یحیی
ترکمان مشهور است شش سال اسیر ترکمان بوده چون ترکمانان گرفتار مقهور دولت
روس شدند حسین دختر ارباب خود بسرقت برده بوطن مألوف خود مراجعت
کرده دختر را بحبالهٔ نکاح درآورده بار اول دختر بچهار فرزند ذکور بارور شد
نام دختر در قبیلهٔ خود تته و نام مادرش همه و پدرش زبان بوده جمعیت عباس آباد
صد خانوار میشوند سالیانه هشتاد و پنج خروار جنس و پنجاه و شش تومان نقد از دیوانی
با آنها میرسد از مشهد تا بریبد قرانی بیست و هشت شاهی بوده از ریبد در کل

یکشنبه بیست و هشتم

در کل منازل سی شاهی داد و ستد میشود

شرح یکشنبه بیست و هشتم    دو ساعت از شب گذشته حرکت نموده قبل از طلوع بمیان
دشت رسیده در خلوت رباط فرود آمده فرج الله بیک چاپارچی و کلانتر میان دشت
است پنجاه نفر سرائه پرداز در میان دشت هست حسنیه جاریه حبشیه پس از شصت
و هفت سال زندگانی و چهل و هفت سال حمل رنج و تعب در خانه ما و پانزده روز
طول داشته از مرض تب ناخوشی محرقه امشب بجوار رحمت حق پیوست جنازه را
حمل بمیامی نموده

اگر صد سال مانی ور یکی روز    بباید رفت ازین کاخ دل افروز

والده ماجد مرا دو فرزند از آن جاریه بوده هر دو در ایام رضاع درگذشتند

دوشنبه بیست و نهم

شرح دوشنبه بیست و نهم    دو ساعت از شب گذشته حرکت نموده نیم ساعت
قبل از طلوع افتاب بمیامی رسیده در قافله سید اسمعیل فرود آمده در وسط
قبرستان کنار شارع شاهرود دو گنبد مخروطی الشکل از سنگ ریزه و گل ساخته
شده تقریبًا ده زرع فاصله آنها از یکدیگر میشود در گنبد جانب قبر آثار قبر
هست در دیوار روبروی باب گنبد سنگ سیاهی منصوب در او نوشته شده

عالم فاضل جمال دین و ملت اصفیا    رهروان راه حق را پیشوای و مقتدا
زینت بزم طریقت نام زین العابدین    آنکه بودند از طریق حق گدای رهنما



یکهزار و دو مایه با یک سنه از هجرت    حضرت ختم النبیین رفته بود اندر مضا
در ثمان عشر شهر صوم یوم اربعا    روح پاکش رفت از دار فنا سوی بقا
مدت تاریخ عمرش گر تو می خواهی کنون    بین سبعین و ثمانین اتفاق افتاد حا

در گنبد دیگر آثار دو قبر پیدا و در دیوار آن سنگ سیاهی منصوب و در آن بعد از بسمله
حمدیه مرقوم است

سه شنبه سلخ ربیع الثانی

صاحب این بقعه شریف یوسف همدانی در سنه نهصد و شصت و در ذیل آن صورت بعضی موقوفات نوشته شده
شرح سه شنبه سلخ ربیع الثانی    ساعتی قبل از دخول شب حرکت نموده دو ساعت از شب گذشته
بشاهرود رسیده در رباط برابر دروازه بازار فرود آمده رباط مزبور را از جانب شهر شش حجره
در طبقه فوقانی هست که اینجانب در حجره در شاهرود ده ماهی است نواب محمد تقی میرزا رکن الدوله والی ایالت
خراسان سه روز است وارد شاهرود شده دو روز دیگر جانب مشهد حرکت میکند امروز بحمام رفتم حمام مزبور
مشهور است بحمام بیرون از ابنیه حاجی قاسم و جدید البنا است در میان بازار بود در خارج بلد
واقع اشعار آتیه از محمد حسن کارکن حمام شنیده شد از دیگران نقل میشود سجع مهر سالار مدعی
سلطنت در بدو دولت سلطان شهید طاب الله ثراه

سکه بر زر میزند سالار دین    یاورش بادا امام هشتمین

مایهٔ اصل و نسب از گردش دوران نیست    متصل خون میخورد تیغی که صاحب جوهر است
ناکس از بالای دست کس نشیند عیب نیست    روی دریا خس نشیند قعر دریا گوهر است

دو دو اگر با بلا رود عیبی نباشد معشوقه را    جای چشم ابرو نگیرد هرچه او بالاتر است
در لباس فقر میکردم که بی دردسر است    آستین هرچند کوتاه است جنبش کمتر است

چون از طهران بمشهد میرفتم استاد غلام کارگر حمام خانلوشهر بمشهد میرفت در عرض راه زاد
و راحله او را دزدان بسرقت برده تحصیل معاش در همین حمام کارگر شده بود

چهارشنبه غره جمادی الاولی

شرح چهارشنبه غره جمادی الاولی   امروز رفع خستگی در شاهرود استراق ملفوظ رویت
هلال بمیمنت نموده از آقا محمد حسن ملاقات کردم از اهالی شاهرود و از تجار معتبر
و تقریبا چهل سال روز گذاشته بیچاره گرفتار داء الثعلب شده نزد میرزا صالح حافظ
الصحه دولتی معالجه میکند عطار مشهور معتبر شاهرود کربلائی محمد ابراهیم است پدرش از یزد
بشاهرود مهاجرت کرده دکان او قریب بسر بازار واقع غالبا پسرش محمد اسماعیل در
دکان مشغول است دستهٔ زوار محول حاجی موسی مکاری ما هشت روز قبل از ما از
مشهد حرکت کرده و در شاهرود ورود ما را انتظار برده و روز شده حال منازل باقیه
با یکدیگر اسیم چون از میامی فرسنگی جانب شاهرود طی کنند تا بشیرین کودرانی
رسند موسوم است بآب مرجان قهوه خانه آنجا است از عباس آباد تا شاهرود تنها
هوا زیاد سرد بوده و برودت داشته

پنجشنبه دویم

شرح پنجشنبه دویم   امشب ساعتی از دسته باقی حرکت کرده و ساعت چهار
از روز برده ملا رسیده در الکورستانی فرود آمده کنار نهر آب و اشجار توت منزل



منزل گرفتیم الکورستان مزبور از مغروسات محمود نایب است حال در تصرف اسمعیل و محمد
باقر پسران او است سید جواد خادم حرم مطهر حضرت امیر در کاروان ما بعتبات مراجعت
میکند از ما دیدن نموده

جمعه سیم

شرح جمعه سیم   سه ساعت از شب گذشته حرکت نموده تقریبا ده میل راه پست و بلند زیاد
داشته و بسیار سخت بوده مالی از کاروان فرار کرده حاجی موسی دنبال مال رفت و صدمه
زیاد از بودن او بکاروان رسید چهار ساعت از روز گذشته بشهر دامغان رسیده در خانه کربلائی
محمد قریب امامزاده جعفر فرود آمده در فضا خانه الکورستان با صفائی است شبی یکهزار
کرایه میگیرد امروز از سید جواد بازدید کرده و بزیارت امامزاده جعفر و امامزاده نور الله
نایل آمده چون در بازار خارج شوند خواهند برباط روند در دهن بازار بقعهٔ امامزاده نور الله
رسند بقعه مزبور تنها عبارت از گنبد مخروطی الشکل جدید البنائی است در مدخل گنبد
امامزاده جعفر تا بحد کتیبه تمام کاشیهای دو طرف ایوان باقی است آنچه مرحوم اعتماد السلطنه
در کتاب مطلع الشمس در خصوص آن کاشیها نوشته چنانکه نیست تمام آنها ساده و ملون بالوان سبز و منقش است

شنبه چهارم

شرح شنبه چهارم   چون از طهران حرکت کردم از قوشه بدامغان آمدم در قوشه نباید گذشت
از حیثیت منزل وغیره در مراجعت قرار دادم با میرآباد روند از دامغان تا میرآباد چهار فرسنگ و قوشه
شش فرسنگ است هفت ساعت از شب گذشته حرکت نموده راه امشب صاف و هموار
بوده پس از سه فرسنگ بقریهٔ قدرت آباد رسیده قهوه خانه بوضع طهران و رباط وسیع

وسیع محکم نیکوئی فرج الله خان سرهنگ احداث نموده رباط هنوز تمام نیست سرهنگ از مردم دولت آباد است دو سیدان با میر آباد رسیده بقریه صید آباد سیر سند شارع ابهمان قریه میکلاز دو ساعتی از شب گذشته وارد منزل شده در خانه سپهسالار فرود آمده قریه امیر آباد و سلیمان آباد و درّه قریب یکدیگر واقع از املاک میرزا محمد خان سپهسالار بوده ورثه آن مرحوم در بیست و پنجهزار تومان بسید جعفر لاهیجی فروخته سید از ساکنین طهران و پدرش سید آقا بزرگ در قراء مزبوره ساکن دو دستگاه خانه ملوکانه و حمامی چون حمامات شهر از ابنیه سپهسالار نیز بانها منتقل شده آن ابنیه در خارج قلعه واقع رباطی از محدثات آن مرحوم نصف تمام بوده حال سید جعفر مشغول اتمام آنست مسافت از قدرت آباد بامیر آباد در صفا و لطافت هوا مشهور و در ذهاب و ایاب راه ارض اقدس مواضع قلیل با آن لطف و لطافت هوا و عذوبت میاه دیده شد تمام سرایدار خانه سکونت مشهدی عبدالله بوده

یکشنبه پنجم

شرح یکشنبه پنجم سه ساعت از شب گذشته حرکت نموده پس از دو فرسنگ بقوشه رسیده سه ساعت از روز گذشته وارد آهوان شده در خانه مشهدی قنبر فرود آمده تنها همین خانه رعیتی دراهوان است امروز و امشب هوا اندکی سرد بود

دوشنبه ششم

شرح دوشنبه ششم چهار ساعت از شب گذشته حرکت نموده ساعتی پس از طلوع آفتاب بلده سمنان رسیده در قرین باغ ضیاء الدوله اقامت کردم تلگرافی از سید نعمت الله بوده



بوده جواب داده شد تلگرافی برکن التجار و میرزا عباس خان کردم خط فراق آمیز مشتاقانه میرزا جهانگیر خان زور کنا جانب قزوین نوشته بود رسید

سه شنبه هفتم

شرح سه شنبه هفتم رفع خستگی امروز اتراق نمودم سید جواد و خادم نزد ما آمده امروز ببازار و تلگرافخانه رفتم روز گذشته و امروز بعد از نهار ریاح شدید و نیل گرفت سه ساعت طول کشیده امروز چند دقیقه باران آمده هوا را لطیف نمود ایام توقف در اینجا در صحبت میرزا حبیب مشتاق گذرانیدم آنچه از منظومات خود و دیگران برین فرد خوانده ثبت میشود

### از مشتاق در مدیحه صدر اعظم در ایام انفصال از صدارت

یارب زوال دولت صدر جهان مخواه — در ابر تیره شمس صدارت نهان مخواه

صدری که بود مسند او خویش شهود و چپ — سود شهود و غیب بدل [illegible]

صدری که خاک [illegible] آفتاب و ماه — جز هفتم آسمان علاش آستان مخواه

صدری که ماه و ماهی از او مستفیض و شاد — ناشادیش ز جزای عمل یکزمان مخواه

صدری که شرق و غرب از او در رفاه و امن — سلب رفاه و امن از این خاکدان مخواه

دستی که است صدیم و کانش در آستین — آلوده‌اش ز ارزانی غنم توأمان مخواه

آن گلبنی که مایهٔ تفریح عالم است — در صرصر حوادث دوران خزان مخواه

روئی که لاله را بدل از رشک اوست داغ — آن رو ز پیراش به بار زعفران مخواه

ماهی که شاه مسند مصر دلایت است — چون یوسف عزیز بچاهش مکان مخواه

گر چشم اختری نگرد بد بجاه او — رنجش کن از سپهر و بجز خشنش مخواه

آن داوری که خسرو آزادگان بود    در بند کید و فتنه حیلت گران مخواه
عنقای قاف قرب ملک بقای قدر    فانی ز قاف فتنهٔ دون همتان مخواه
کیهان خدایگان و جهان دادخواه را    جز آستان شاه بلند آسمان مخواه
بر جان حاسدان و بداندیش شخص او    همواره جز شرارهٔ برق یمان مخواه
گرگان بیمروت و انصاف و رحم را    از بهر پاس گله هرگز شبان مخواه
بیمغز تارکان گدا طبع و خوی را    بر سر طراز افسر و تاج کیان مخواه
بر رغم دوست کام دل دشمنان مده    بر چشم دشمنان تعب دوستان مخواه
تأثیر از طبیعت مهتاب وا مگیر    اجرام مه فدان جز شبه کتان مخواه
شمشیر برق طبع روان سوز خصم را    جاوید در قراب عذاب اقتران مخواه
در کام مار رشحهٔ نیسان مسو فکن    در جام یار سم ستم جاودان مخواه
بهرام را لگدخور هر گور خر مکن    ضرغام را جفاکش جرک سگان مخواه
شهباز را بلانهٔ مور آشیان مده    عصفور را ز بال هما سایبان مخواه
طاوس را بحبس قفس بال و پر مبند    زاغ و زغن بباغ جنان پرفشان مخواه
یارب باسم اعظم و عرش معظمت    مه را ز مهر دور بدور زمان مخواه
تفریق عهد آصف و جم بیش ازین مکن    بوزرج را جدا ز انوشیران مخواه
تا منتظر بحجت موعود روزگار    یارش بغیر مهدی صاحب زمان مخواه



هر دل که شد تهی ز تولای حضرتش    او را بجز نشانهٔ تیر و کمان مخواه
مشتاق را اگر هوس مدح غیر اوست    در خاک خواه و پیش کسی مدح خوان مخواه
افکن شبان قبر دانش در آتشش    وز کلک او نگارش نعت حال مخواه
گر تشنه ز چشمهٔ حیوان ننوش آب    وز جوع شو هلاک و بدریوزه نان مخواه
ختم ثنا بمدح شهنشه کنم همی    یارب بعید قرین شه صاحبقران مخواه
لعلش سواد ز بوسهٔ شیرین لبان مکن    دستش رها ز طرهٔ عنبرفشان مخواه
بر فرق ملک ظل شهنشاه مستدام    فرق عدوش جز بفراز سنان مخواه
روشن رواق اقدس شاهنشه جهان    الا ز نور جبهه قدوسیان مخواه
ماه زمین مظفر دین شاه جم خدم    از حضرتش زمین و زمان سرگران مخواه

از مشتاق در استقبال غزل مشهور مولانا ظهوری

چو برقع برفکند آن مه قمر در آسمان گم شد    چو گیسو برفشاند آن شه شکیب انس و جان گم شد
مگر عنقای لاهوتی بود جعد پریرویان    که در وی عاشقان را طایر عرش آشیان گم شد
منه پا در بیابان جنون گر نیستی مجنون    در این لیلی طلب وادی هزاران کاروان گم شد
اگر شد ماه کنعانی اسیر چاه ظلمانی    در آنچاه زنخدان بس دل و دین و توان گم شد
ندانستم بتیر غمزه خونم ریخت یا مژگان    دو صف بر یکدگر خوردند قاتل از میان گم شد
شبی در خواب میدیدم که شد محمل نشین یارم    ز بی اشکی روان کردم که ره بر ساربان گم شد

از مشتاق در استقبال غزل مشهور مولانا ظهوری

طریق ظلمت غم را چه پوئی سکندر سا — نشان چشمهٔ حیوان از آن نوشین دهان کند

بیایش ارمغان نقد روانی داشت دل آنهم — ز دست حوریش از بی پا ره دل نقد روان کشد

چنان افروخت جانم را شرار آتشین روئی — که از دود درونم قیروان تا قیروان گم شد

حدیث فتنهٔ آخر زمان را از که میجوئی — گران چشمان فتان فتنهٔ آخر زمان کشد

بدل مشتاق را نبود دگر اندیشهٔ محشر — ز بالای بلا خیزش قیامت را نشان کشد

از غزلیات بدایعه مشتاق

از غزلیات بدیعه مشتاق

مدام چشم من و لعل یار گرید و خندد — چو ابر و رعد که در نوبهار گرید و خندد

سبو بمیکده و جام باده در کف ساقی — بروزگار من و عیش یار گرید و خندد

ز سوز عشق شکر خنده شاهدان پر نوش — روان بپیکر من شمع وار گرید و خندد

ز من بجو غم مجنون و شادمانی لیلی — چو سیب و نار که بر شاخسار گرید و خندد

صبا ز یوسف مصری شمیم وصل بیاور — که پیر کنعان بی اختیار گرید و خندد

شب فراق بویران و صبح وصل بگلشن — چو عندلیب دل بیقرار گرید و خندد

ز نامرادی فرهاد و کامرانی خسرو — هزار حسرت دگر روزگار گرید و خندد

سپند خال بطرف جمال یار تو گوئی — همان خجسته خلیل است و نار گرید و خندد

همیشه دیدهٔ مشتاق و نوک غمزهٔ خوبان — چنانکه بیژن و اسفندیار گرید و خندد

ایضاً از مشتاق



ایضاً از مشتاق

ای روح روان راحت جان آفت دیده — دیدار تو بس پردهٔ ناموس دریده

ماه فلک حسنی و شاه سپه ناز — در پای تو دل ماهی در خاک طپیده

غیر از قلم صنع که زد نقش ابروت — بر گو دو کمان را که بیکدست کشیده

لغیره

لغیره

آدمی را که بخت بر گردد — عاقبت نوکر قجر گردد

سیزده نوجیره اش بدهند — چارده سال دربدر گردد

[illegible]

از مشتاق در استقبال غزل آیت

صبحدم ببین بر جو ز دست باده نوشی — ماه نو کمانداری مشک تر زره پوشی

سنبلش سلاسل ساز کاکلش کمند انداز — از غرور و کبر و ناز تافتی سیاوشی

دل ز دست بربائی غم ز سینه بزدائی — که بناز گوئی که که بقهر خاموشی

جان صد زلیخا را بی کرشمه بستانی — صد هزار یوسف را بی کلافه بفروشی

حال دل اگر خواهی با سپاه مژگانش — حال صومعه چون شد با قبیلهٔ قوشی

تا چناغ جان بازی دل کشید با مهرش — او بیاد خونریزی من ز خود فراموشی

از افکار زینت خانم

باده نوشی جان کش شد خون عاشقان نوشی — بعد از این چو می بادی میتوان زدن جوشی

از نتایج طبع عالی فاطمه خانم

ساکن کنشتم کرد کافر سیه پوشی / کعبه را زیادم برد دلسیاه می نوشی

مطلع غزل جناب حاجی میرزا حسن صفی علیشاه

برده عقل و هوش از من دلبر قدح نوشی / ریز کسی زبردستی چابکی قباپوشی

غزل مصنوعه

از غزلیات مصنوعه مشتاق

بادام دو چشم یار با دام نبود / بادام کسی شنیده که با دام بود

ما دام بگردن از خم زلف تو ایم / بر گردن ما دام تو مادام بود

ما را که آرام دل از جام خوریم / آن دم که دل آرام بما رام بود

رباعی مصنوعه

رباعی از مشتاق ابن استاد در حضور نگارنده انشاد نموده است

شد آهوی چشم شیرگیرش بیمار / از آهوی چشم شیرگیرش بیم آر

بیماری او دو بار گیسویش بین / کز فرط فسون نمی شکیبد بیمار

مطلع یغما

از نوادر ابیات مطلع یغما

دانی از بهر چه جرعه فشانند بخاک / تا بهوش آید و مستانه کند هستی تاک

لغیره

هر بد که میکنی تو مپندار کان بدی / گردون فرو گذارد و دوران رها کند

قرض است فعلهای تو در نزد روزگار / در هر کدام روز که خواهد ادا کند



شرح چهارشنبه هشتم

شرح چهارشنبه هشتم سه ساعت از شب گذشته حرکت نموده قبل از طلوع آفتاب بالاسجرد رسیده در قهوه خانه مهدی حبیب الله فرود آمده امشب مسافت دراز از راه بد و دشوار و فراز و نشیب بسیار داشته تقریباً ربع فرسخ آن سنگلاخ و اصعب از باقی بوده شنیدم در سوابق ایام دوازده من ابار در آنجا بگوران فروش میرفت حال چون زیاد دارزان شده به من رسید

پنجشنبه نهم

شرح پنجشنبه نهم چهار ساعت از شب گذشته حرکت نموده کاروان چون از آبادانی قریه خارج شود شارع میان تنگ افتد بسیر در تنگ از میان آن باید گذشت فراز و نشیب بسیار و گردنه صعب المرور باید طی نموده و عرض تنگ متفاوت است و دو راه در تنگ هست راه گردنه دار محل عبور قوافل است و راه دیگر مهجور است تا به ده نمک بدو ساعت از دسته گذشته بده نمک رسیده در دو حجره پشت بام قهوه خانه فرود آمده در منازل عرض راه ارض اقدس غیر از میان دشت و ده نمک تمام را آب شیرین و گوارا هست آنکه میان دشت عفن و ناگوار و آب آنجا بدمزه و شور است آب انبار اینجا که از رقبات پر میشود زیاد عمیق است بالا رونده را خسته میکند

جمعه دهم

شرح جمعه دهم سه ساعت از شب گذشته حرکت کرده مقارن طلوع آفتاب بقشلاق رسیده در خلوت رباط شمس الدوله فرود آمده نان سنگک سفید خوبی در قشلاق است نان اینجا احسن از کل منازل است تمام مردم خوار از تعدیات حکمران خود ابوتراب میرزا حسام الممالک شکایت داشته

شنبه یازدهم

شرح شنبه یازدهم نصف شب حرکت نموده بصعوبت تمام از دره خوار گذشته سه ساعت

سه ساعت از شب رفته بایوان کیف رسیده در خانه کربلائی شاه حیدر فرود آمده
از سید نعمت الله تلگرافچی دیدن نموده ماهی پنج تومان و نیم مواجب رایت و هفت تومان
مواجب دو فراش و سالیانه بیست تومان کرایه منزل از دولت دریافت میکند خود
خانه در ایوان کیف ساخته پدرش سید علی اکبر نیز با اوست چون از ده نمک بقشلاق
آیند نصف راه تو قشلاق تمام باید از گل و باتلاق و پل وجوی گذشت عصائی
چوبین سید نعمت الله هدیه نموده از شاهرود تا بقشلاق قران بیست و هشت و پنج
ونه از ایوان کیف تا بطهران چهل شاهی صرف میشود

شرح یکشنبه دوازدهم

شرح یکشنبه دوازدهم    نصف شب حرکت کرده طلوع آفتاب بشریف آباد رسیده
درباغ نایب فرود آمده خداداد باغبان مشغول خدمات شده از مشهد تا بطهران تسعیر
ارزاق در کل منازل از قرار قبل بوده بتفاوت اندک تلگرافچی در ایوان کیف از میرزا
عباس خان آمده جواب داده شد سید جواد خادم از ما دیدن نموده

دوشنبه سیزدهم

شرح دوشنبه سیزدهم    امروز بتوفیق الهی وارد طهران میشوم ساعتی از شب گذشته
حرکت نموده پس از سه فرسنگ بخاتون آباد رسیده پس از پنج فرسنگ راه دو رشته شد شتر بطهران و رشته بحضرت عبدالعظیم
منتهی میشود ما از رشته دوم آمدیم نیم فرسنگی طهران جناب عضد الملک باغی تازه احداث نموده هنوز تمام نیست ساعتی
پس از طلوع آفتاب وارد طهران شده در خانه مرحوم حاجی میرزا شفیع متوفی موقتاً اقامت کردیم
تمت دقیقه الثامنه بید اقل العباد ولی الله اردبیلی فی ماه شهر جمیدی الآخره سنه هزار و سیصد و یازده

دار السیاده

...نچه در صدر کتاب وعده دادم آنچه از احوال روضهٔ منوّره در کتاب مستطاب مطلع الشمس نیامده در
...نجام دقیقهٔ اهتمم بنگارم حال با یجاز وعده شروع میشود

دار السیاده

...شرق آن دار الحفاظ و مسجد بالا سر در مغرب آن مدرسهٔ بالا سر و مدرسهٔ پریزاد و در جنوب آن ایوان
...سجد گوهرشاد و در شمال آن راهرو سقاخانه واقع و ایوان حسام السلطنه در دار السیاده است از جانب شرق
...ز آن ایوان بواسطهٔ دروازهٔ نقره بدار الحفاظ میروند در ایوان برابر آن از جانب مغرب مقبرهٔ
...سپهسالار ثانی میرزا حسین خان مشیر الدوله و لوح مزار آن مرحوم در صدر ایوان منصوب در انجام لوح ابیات آتیه

مرحوم سپهسالار ایران ازجهان رفت (که ناید باز چون تیر از کمان رفت)
...لی شمشیر سرتاپای گوهر (ز دست خسرو صاحب قران رفت)
...بی تاریخ سالش گفت ناصر (سپهسالار ایران ازجهان رفت)

در دست راست سپهسالار ثانی مدفن برادران مرحوم آقای یحیی خان مشیر الدوله و توفی فی عشرین جمیدی الآخره
در سال هزار و سیصد و نه و شصت و دو سال زندگانی داشته جنب مشیر الدوله ثانی مدفن پرویز میرزا
...نیر الدوله پسر خاقان مبرور فتحعلیشاه است در لوح مزار شاهزاده بعد از منثورات ابیات آتیه مندرج

...پور خاقان نیر الدوله چراغ انجمن (نام او پرویز لیکن خلقت و خلقش حسن)
...رفته از هجرت هزار و سیصد و پنج آنزمان (ماهرا جا در اسد خورشید در ثورش وطن)
...غسل جمعه کرده آمرزش همی جست از خدا (در نو داغش سوخت جان دودمان از مرد و زن)

ا

هشتم شعبان ترکی آن سنه سیچقان ئیل    روز آدینه بحکم کردگار ذو المنن ؛
مرغ روحش کان همای آسمان قدر بود    شد سوی دار بهشت از این سرای پر محن

جنب نیر الدوله زوجه آن مرحوم زینب خانم ملقبه بزینت الحاجیه دختر حاجی محمد باقر خان بگلربگی قاجار مدفون است توفت در بیست ششم ذیقعده سال هزار و سیصد و ده

و بپهلوی زینت الحاجیه زوجه دیگر نیر الدوله بی بی خانم ملقبه بشمس السلطنه دختر حاجی فرهاد میرزا معتمد الدوله در خاک خفته توفت در ربیع الثانی سنه هزار و سیصد و نه در انجام لوح مزار شمس السلطنه بیتین آتیه نوشته شده

بد سیتی که بیرون کنم خاری از پا    نه پائی که بیرون گذارم بصحرا
تماشای گل خوش بمرغان گلشن    که بستند ما را نظر از تماشا

در دست چپ سپهسالار ثانی قهرمان خان سرتیپ اول نایب الحکومه قوچان پسر نجفقلی خان زعفرانلو مدفون توفی فی شهر ذالحجه سال هزار و سیصد و شش

در ستون شمالی ایوان مزبور از جانب فضاء دار السیاده لوح مزار حاجی محمد حسین پسر حاجی عبد ال تاجر قره باغی منصوب است سال هزار و سیصد و ده وفات نموده

در ستون جنوبی لوح سرقد حاجی آقا هبة الله طباطبائی است توفی فی شهر صفر سال هزار و سیصد سیزده در انجام لوح ابیات عربیه چند مرقوم است تاریخیه آن نوشته میشود

حیث وافی الرضا فارخت فیه    جاء ضیف مجاور ابن موسی



جنب آن لوح مزار زین العابدین خان پسر نجفقلی خان نوه محمد امین خان کروسی و خود سالها حکومت کروس داشته در انجام لوح صورت وقف نامچه قریه رضائیه وغیره نوشته شده و توفی در سال هزار و سیصد و ده

صفه شمالی ایوان مقبره سپهسالار از مساجد روضه منوره و از مستعمرات حاجی قاسم ملک التجار محسوب میشود ترمیم و آذین آن در حکومت سلطان مراد میرزا حسام السلطنه در سال هزار و دویست و هشتاد و هفت بوده دور ازاره بخط ثلث ابیات عربیه مسطوره در در طلای پائین های مبارک مرقوم بیتی از آن نوشته میشود

نظم العبد قوام لهم    صلوات المعت کالفرقدین

در ازاره صدر مسجد فرود ابیات عربیه بیت و یک بیت فارسی بخط شکسته منقور بیت تاریخ آن نوشته میشود

چه گشت این کار خیر ختم بمینا بهر تاریخش    خرد کفتا الله او باد این اثر جاوید در این در

در صفه جنوبی مقبره سپهسالار مضجع میرزا محمد رضا مؤتمن السلطنه پسر میرزا محمد ابراهیم است توفی فی شهر جمیدی الآخره سال هزار و سیصد و هشت دور ازاره در کتابه مرمر منقور است

آنجا که جای این مقام رضا بود    ما را بر آستان رضا التجا بود
آری محل امن و مقام رضای جان    جز آستان زاده موسی کجا بود
آن خسروی که گوهر پاکش هر آینه    در چشم عقل آینه حق نما بود
شمس هدا ولی خدا حضرت رضا    کز جان و دل مطاوع حکمش قضا بود

بر دامن ولایت او هر که چنگ زد | دامان او ز چنگ حوادث رها بود
هر کس بخاک درگه او میبرد پناه | آسوده جاودان به پناه خدا بود
چون جای امن است همایون حریم او | جبریل سر درش بتمنای جا بود
زان روی خواجه مؤتمن برگزیده بهر خویش | در این بدیع صفه که کان صفا بود
در عهد شاه ناصر دین شمسهٔ ملوک | کز گوهرش سریر شهی با بها بود
در دوره که ملک خراسان بهشت وار | از فر رکن دولت شه دلکشا بود
فرمان روای مشرق و دارای دولت | کز رکن دین و دولت کامش روا بود
این صفه را چو خاطر خود کرد آینه | صدری که در بدوره(?) مجد و علا بود
کهف زمانه مؤتمن السلطنه که شمس | در جنب رای روشن او چون سها بود
کافی وزیر ملک خراسان فخار مشرق | با ذل رضا که منبع حلم و حیا بود
از نور عقل چون دل حکمت پژوه او | داند جهان محل زوال و فنا بود
جائی ذخیره کرد در این آستان قدس | کان بهترین ذخیرهٔ دار بقا بود
جائی که از مجاورت روضهٔ رضا | زانجای دست جور فلک نارسا بود
هم در مقام کعبهٔ حاجات جن و انس | هم ز احترام قبلهٔ اهل دعا بود
ملک صفا وسیع تر است از همه جهان | تسلیم هر که گشت در او پادشا بود
چون خواجهٔ فرشته فر پاک اعتقاد | باید کسی که پاک ز روی ریا بود



تا در حیات خویش برای ممات خویش | در اهتمام خوابگهی جان فزا بود
هر نامی(?) چنین سزد الحق که ایمنی | جان را ز هول محشر و روز جزا بود
آئین رحمت ملک اکبرش بود شان(?) | ز آئینه ایش که چشم فلک را جلا بود
روزی که خواجه رو به سوی جهان(?) | رضوان بخلد زاین حرمش رهنما بود
آری کسی که جا بمقام رضا گرفت | خلدش جزا و رضوان الله سزا بود
القصه چون مقام رضا کرد اختیار | در حضرت رضا که بهشت اقتضا بود
کلک صبوری از پی تاریخ سال آن | بنوشت جای امن مقام رضا بود

در هر زاویه از زوایا نامی از نامهای باری تعالی و در زاویه باهتمام عالیجاه عمدة السادات میرزا ابو القاسم خان امین کل آستانه تزئین این بیت شریف شد نوشته شده در صدر صفهٔ مزبور لوح مرقد مؤتمن السلطنه منصوب و لوح مزبور پس از وفات ساخته شده و لوح مرقوم در مطلع الشمس در نزد کافی مؤتمن السلطنه منصوب(?) پس از ممات لوح را تغییر داده بیان عبارات لوحین مغایرت بسیار موجود در ستون جنوبی صفهٔ مزبور برابر لوح مزار متولی باشی قم لوحی منصوب و صورت موقوفات مقبره در آن مرقوم مؤتمن السلطنه در شصت و هفت سالگی وفات نموده

در صفهٔ برابر صفه مؤتمن السلطنه مقبرهٔ حاجی شیخ محمد تقی است و فراز رخان و دور ازارهٔ صفه ابیات آتیه نوشته شده

هر آن عاقل که دارد نور تقوی در دل او | سوی برزن رود گرچه ره مستکرای(?) دارد

چو خان بهبقی حاجی فرامرز آنکه چون موسی | به آن خضر در هر جا رفیق همرهی دارد
ده سر قد ساخت در کوی شه دین فرقه ای آب | خوش آنکو جای در کوی چنین شاه شهی دارد
یکی بهر خود و دیگر برای شیخ دین پرور | نقی کز عالم ایقان ضمیر آگهی دارد
نو آئین کرد زان پس این صفه عالی | که در روی ام چو جنت عاقبت خفتن گهی دارد
چه این صفه مصفا شد صبوری بهر تاریخش | بگفت اینصفه عالی سوی جنت رهی دارد

و در دو گوشه صفه نوشته شده عمل استاد محمد نقی ناظم تعمیرات آستانه مبارکه سنه هزار و سیصد

خاک روب آستان قدس محمد علی

دروازه میان مسجد گوهرشاد و دار السیاده از نقره و از موقوفات انیس الدوله و از بس ردیف دو فراز شکسته شده دروازه از جانب ایوان از هر جانبی تقریبا هفت کره اوراق طلا کوبیده شده در حین در فراز اوراق برگ

بعهد خسرو جم جاه غازی | شهنشه ناصر الدین شاه قاجار
انیس الدوله خاتون خواتین | ز سیم و زر بهشت آئین بر این دار
سپس بنیاد تاریخ او گفت | بود این باب در درگاه عرش دادار

و در دروازه قصیده مرتسم مصرع تاریخ آنرا مؤلف مطلع الشمس فرموده محو و مطموس شده حال آنکه به پاکیزگی قرائت میشود و هی هذا

خانزاد بوالحسن بنای تاریخ گفت | تا دعای شه کند روح الامین کاین در را

عدد آن هزار و دویست و هشتاد و چهار است



میان دار السیاده و راهرو سقاخانه صفه و در صفه مزبور دو دروازه منصوب و دروازه جانب دار السیاده از نقره از موقوفات امین اقدس و در تاریخ مصراعین در ورق طلا در پشت آئینه مرقوم

چون به درگاه رضا در دولت شه ناصر الدین | کرد این در را مهین بانوی عظمی نقره آگین
بهر تاریخش یکی آمد فراز از عرش گفتا | از امین اقدس این درب مقدس یافت آئین

سال هزار و سیصد و نه میشود قبل از دروازه نقره مزبوره دروازه از چوب منبت منصوب بوده ذکر آن در مطلع الشمس آمده

در ایوان حسام السلطنه از جانب جنوب قرب دروازه نقره در سنگ ازاره منقور است

هو الباقی هذا مرقد شریف مرحوم شریعتمدار آقای آقا شیخ مهدی مجتهد حضرت عبد العظیم علیه السلام توفی بتاریخ شهر جمادی الاول سال هزار و سیصد و هشت

دار الحفاظ

## دار الحفاظ

در جنوب آن راهرو شرقی ایوان مسجد گوهرشاد و در شمال آن حرم مطهر و در مغرب آن دار السیاده و در شرق آن تحویل خانه مبارکه و رواق پائین پا واقع چون از دار السیاده بواسطه دروازه نقره حسام السلطنه وارد دار الحفاظ شوند فرود عتبه دروازه مزبور از جانب راست نگاه کنند دو لوح از بر در ازاره منصوب بینند در لوح نخست در قسمت نخستین آن منقور

هذا مرقد المرحوم المبرور المغفور الجناب المستطاب تبیان الجلالة والنبالة معیار الکرامه

الکرام میرزا محمد ابراهیم مستوفی دیوان اعلی ابن المرحوم المغفور میرزا حسن مستوفی طاب الله ثراهما
وجعل الجنة مثواهما وهو توفی فی هزار و دویست و پنجاه و دو فی شهر ربیع الاوّل
در قسمت ثانویه آن نوشته شده

هو توفیت المرحومة المبروره المغفوره حاجیه علیه خانم زوجه المرحوم المبرور المغفور جناب
میرزا محمد ابراهیم مستوفی طاب الله ثراهما فی سنه هزار و دویست و هفتاد و سه راقم
در لوح ثانی در قسمت تحت لوح مرقوم

هو مرقد المرحوم المغفور المبرور الجناب المستطاب العلامه شیخ مرتضی طاب الله ثراه ابن الجناب
الاجل الاکرم مؤتمن السلطنه وزیر شوری دربار اعظم پیشکار مملکت خراسان و سیستان
ادام الله ظله العالی توفی فی شهر شوال المکرم فی سنه هزار و سیصد و شش
در قسمت دوم لوح نوشته شده

هو توفی المرحوم المغفور المبرور الجناب المستطاب میرزا علی رضا مستوفی دیوان اعلی ابن المرحوم المغفور
جناب میرزا محمد ابراهیم مستوفی طاب الله ثراهما فی شهر ذیقعده الحرام ۱۲۹۸ راقم
در صفه جنوبی دار الحفاظ مرحوم عباس میرزا ولیعهد مدفون از آن صفه رو برا هر و شرقی ایوان
مسجد گوهرشاد پنجره منصوب و مدفن در صدر صفه پایین پنجره مزبور واقع دو را زاره
در کتایب مرمر سراسر ابیات آتیه منقور



در زمان دولت خاقان قیصر پاسبان … شاه افریدون خدم دارای اسکندر غلام
ظل حق دارای دوران ناصر الدین پادشاه … خسرو کسری نشان سلطان جمشید احتشام
آنکه از روز ازل کتاب دیوان قضا … نامه کیهان خدائی را نوشتندش تمام
این همایون صفه کش بر فلک باشد شرف … در میان آستان پیشوای خاص و عام
ملتجای خلقت و دلیل قدرت پروردگار … ملجاء امت سلیل حضرت خیر الانام
چون شه خلد آشیان عباس شاه نامدار … آنکه از اعدای دین دایم کشیدی انتقام
حق خطاب ارجعی فرمود و او لبیک گفت … وان سعادتمند را این خاک که آمد منام
بهترین فرزند دانشمند او سلطان مراد … کش بود ملک خراسان را بدست انتظام
چون عنب رفتن دیرینه را بنشاند و داد … ملک و ملت را بتیغ تیز خونریز انتظام
آن همایون زاده آزاده وانفرخ خلف … کرد در زیب مقام و مرقد باب اهتمام
… همچو فرهاد این نقوش نغز شیرین در رخام
الغرض چون کار این فرخ بنای نقش نقش … زاهتمام عم شاهنشاه دوران شد تمام
کلک خرم از پی تاریخ سالش زد رقم … زیب از شهزاده جست این روضه والا مقام
در انجام ابیات نوشته شده

بمباشری غلام خانزاد حاجی یوسف گرجی انجام یافت سنه هزار و دویست و هشتاد و یک
در ازاره شرقی صفه مزبور لوح مزار احمد میرزا معین الدوله پسر مرحوم عباس میرزا ولیعهد

بعضی فیض صلات ره نما که نیست
اولین مغفور خاقان صفوی را بهشتی ام

منصوب توفی فی سابع محرم سال هزار و سیصد و ده
در ستون شرقی صفه از جانب فضاء دار الحفاظ لوح مزار سید محمود پسر سید محمد حافظ
تبریزی ملقب بسلطان القراء متولی مقبره ولیعهد مزبور نصب است
در صفه مغرب جنوبی مقبره سلطان مراد میرزا حسام السلطنه و هو توفی در دویم
جمیدی الآخره سال هزار و سیصد و لوح مزار آن مرحوم را بیش از قامت انسان
ارتفاع و در ازاره جنوبی صفه مزبور منصوب و در ازاره صفه ابیات آتیه
کتیبه شده

بعهد خسرو قاجار ناصر الدین شاه — که نصرت است و ظفر برکابش ملصق
خدیو عادل و باذل که ذات مسعودش — چو مصدر است از او فضل و مکرمت مشتق
ببذل و همت او خاص و عام مستظهر — بنام و نعمت او شیخ و شاب مستوثق
خجسته عم همایون شه که در عهدش — بهیچ دل نتوان یافتن نشان قلق
حسام سلطنه سلطان مراد که بُد — رسیده رایت او بر آسمان سنجق
سترگ والی خاورستان که خنجر او — بفرق شاه کند فرق فرقدان را شق
گشوده ملک مخالف کجا بسته کمر — ببسته دست اعادی کجا گشوده بحق

دو بیت دیگر در عقب لوح پوشیده و پنهان است
در صفه مغرب شمالی مقبره جلال الدوله فرزند شاه شهید ابیات لوح



لوح مزار شاهزاده در مطلع الشمس مرقوم ولی مطلع آن از قلم مؤلف مزبور افتاده حال نوشته میشود

دریغا کز جفا و کینه ابنای زمین — که با انسان بود پیوسته کار و کیدشان فن ۲ شیدش

و در دور ازاره ابیات آتیه مرقوم

بعهد خسرو جم جاه ناصر الدین شاه — که پاسبان در او هست صد چو اسکندر
خجسته عم جوان بخت شاه ملکستان — ستوده والی والای خطه خاور
جهان جاه ملکزاده فرشته خصال — حسام سلطنه سلطان مراد نام آور
بعزم آنکه کمر خدمتی کند بسزا — بشاه کشور دین پیشوای جن و بشر
امام ثامن ضامن علی بن موسی — شفیع امت عاصی بعرصه محشر
مثال داد کز آئینه باید این ایوان — بسان چرخ مقرنس شود ضیا گستر
در آن زمان که در این آستان خلد نشان — بحاجی عضد الملک بود مستظهر
وثیقت خامه خرم برای تاریخش — حسام سلطنه داده است طاق را زیور
عرض ز صفحه آئینه این همایون طاق

مصرع دیگر در عقب لوح مرقد پوشیده شده در انجام کتیبه نوشته شد کتبه الحقیر الفقیر
محمد حسین للاصفهانی هزار و دویست و هشتاد و سه
در صفه مشرق جنوبی مقبره میرزا جعفر خان مشیر الدوله است و در ازاره جنوبی آن صفه
لوح مزار شمس جهان خانم دختر سلیمان خان صاحب اختیار زوجه محمد تقی میرزا

میرزا رکن الدوله منصوب و توفت فی شهر ذی الحجه سال هزار و سیصد و شش و در ازاره صفه مزبوره ابیات آتیه مرقوم است

فزود زینت و آذین برا ین بهین مشکو

رواق محترم هشتمین امام امم    که نه سپهر بکاخش کم از یکی جوزق

بهین سلاله موسی که روح اقدس او    به بحر رحمت پروردگار مستغرق

مهین نتیجه احمد که در شب معراج    بعرش راند براق و در اندرون بیدق

رضاش نام و رضا داده بر قضای خدا    بقای بهط و فنا گشت در حقیقت حق

غرض با مر ملکزاده این رواق رفیع    چو یافت زآینه آیین باین نظام و نسق

بهمت عضد الملک پادشه که عقل    کفایت از کف و از کلک او گرفته سبق

برای گفتن تاریخ سال حیران بود    که ناگهان همی از طرف طارم ازرق

یکی فرشته سر اندر میان نهاده و گفت    که عم سلطان داد این رواق را رونق

ابیات سطوره بقیه ابیات ازاره مقبره حسام السلطنه است

در صفه مشرق شمالی مقبره فریدون میرزا فرمانفرما است و در دور ازاره ابیات آتیه نوشته شده

دارای ملک بخش فریدون شه آنکه بود    شاهنشه جهان را از جان و دل غلام

رخت از جهان بعالم باقی کشید و کرد    در آستان خسرو دنیا و دین مقام

سلطان هشتمین که در چرخ هفتمین    کیوان بپاسبانی او میکند قیام



دانای سر حق که شهادت دهم بحق    از شبر برده مظهر آیات آن امام

سبط رسول زاده موسی ع که عرش    هر لحظه میکند ز درش کسب احترام

آورده چون پناه بر این عرش آستان    زان روی یافت فیض و این روضه اش مقام

در آن زمان که حاجب این پاک آستان    گشت از عطای شه عضد الملک نیکنام

خرم نوشته از پی تاریخ رحلتش    بنهاده روی عجز بخاک در امام

در هذه السنه ممر خزانه در مقبره حسام السلطنه و ممر تحویلخانه در مقبره مشیر الدوله و در هنگام تالیف مطلع الشمس ممر خزانه در مقبره مشیر الدوله و ممر تحویلخانه در مقبره حسام السلطنه واقع بوده فرش دار الحفاظ از کاشی بسیار ممتاز و در میان فرش مزبور لوح مزاری هم گذاشته و در آن نوشته شده

کشتی جسم پاک ابراهیم    شد به بحر فنا تباه دریغ

آه و درد اکزین مصیبت شد    روز روشن چه شب سیاه دریغ

آنکه بودی پناه مرد و ملا    رفت و خلقند بی پناه دریغ

آنکه جایش بعرق گردون بود    کرده در خاک تکیه گاه دریغ

وز پی ضبط سال تاریخش    زد رقم کلک من که آه دریغ

و در سر لوح مزبور نوشته شده

قد دفن بمرقد جده المرحوم خادم باشی الثانی سنه هزار و سیصد و چهارده

نام خادم باشی مزبور میرزا عبد الله نوه میرزا ابراهیم بوده وهرد و در مرقد واحد مدفون
در زاویه از دار الحفاظ منبری از خاتم گذاشته و در بغل آن منبر مرقوم است

این منبر خاتم که در ایوان رضا — هاشم بیکش بنهاده بهر شهدا
تاریخ بنایش گشته صابر جاوید — از آه و فغان و ناله ها پیدا

دار السعاده

دار السعاده

در جانب شرق آن ایوان طلای صحن جدید و در مغرب آن گنبد حاتم خان در جنوب آن کتاب خانه مبارکه و در شمال آن گنبد الله وردی خان واقع از دار السعاده بواسطه دروازه نقره وارد ایوان طلا میشوند در ازاره جنوبی دروازه مزبور از (درونی) دار السعاده لوح مزار میرزا محمد یوسف مجتهد پسر میرزا محمد باقر نوه میرزا محمد تقی فاضل طباطبائی تبریزی منصوب توفی فی شهر صفر سال هزار وسیصد و ده

در صفه جنوبی دار السعاده بمقبره امین السلطان و لوح مزار آن مرحوم در صدر صفه منصوب در وسط لوح عبارات نثریه و از دو جانب ابیات آتیه نوشته شده

کرده اندر حرم قدس مقام ابراهیم — زانکه شد در کنف قرب شه طوس مقیم
آفتاب فلک مجد امین السلطان — کز رخش بود جهان چون چمن ابراهیم
بود در زیر قدم قدر ورا هفت اختر — بود در زیر قلم جاه ورا هفت اقلیم
بکرم کرد فزون رونق شرع و اسلام — بهنر کرد عیان حشمت تخت و دیهیم



عز دنیاش مسلم بد و نیز از ره لطف — عز عقباش کرم کرد خداوند کریم
کرد آهنگ زمین بوس در قبله طوس — با دل خسته و جانی دژم و جسم سقیم
شد بطوس از ری و در عرض ره از عالم تن — برد او را سوی عالم جان حی قدیم
جانش بگرفت ره عرش و ببردند تنش — اندران خاک که زنده شود عظم رمیم
خفت اندر کنف قرب شه طوس و یافت — دولت سرمد و فیض ابد و فوز عظیم
اندران خاک مطهر شد و زآلایش دهر — رخ ابد ام فرو شست با آب تسنیم
کنج تسلیم و رضا گشت نصیبش که همی — کرده در راه رضا جان گرامی تسلیم
زانکه خوشنود از او بود و چه خلاق و چه خلق — داد عز دو جهان ایزدش از لطف عمیم
حالی از قربت آن ضامن آهو ارم — برد از تربت او مشک باطراف نسیم
الغرض مسند او را چه فرا گستردند — زیر طوبی و لب کوثر و در خلد نعیم
کلک در باش بقا از پی تاریخ نگاشت — شد گلستان بقا بر نکهه ابراهیم

شرقی لوح مزبور در همین ازاره لوح مزار میرزا عبد الله خان پسر محمد باقر خان سعد السلطنه منصوب توفی در هیجدهم ماه ذی قعدة الحرام سال هزار وسیصد و نه دور لوح مزبور

ای دل غلام شاه جهان باش شاه باش — الی آخر نوشته شده

در ازاره مغربی ایوان مزبور لوحی منصوب و در آن منقور است

از خزان عمر شاهان در بهار روزگار — لاله را دل سوخته بلبینه و نرگس را سقیم

ای دریغ از آفتاب آسمان سلطنت　　کآسمان دارد ندم تا گشت خاک آن ندیم
شاه شهزاده ملک قاسم که بودی ملک را　　چون پدر فیروز دین و دولتش بر در مقیم
مملکت داری عالم را وفائی چون ندید　　شد دلش مایل بسوی مالک الملک الکریم
باندای ارجعی زین خاکدان رحلت نمود　　در جوار رحمت حق از صراط المستقیم
آه خلقانش بماتم زد زمین تا آسمان　　نور ایمانش عطا از خالق عرش عظیم

در ایوان شمالی دار السعاده مقبره میرزا سعید خان مؤتمن الملک و در صدر ایوان در ازاره لوح مزار آن مرحوم منصوب و توفی در جمادی الاولی سال هزار و سیصد و یک و مقبره در سال هزار و دویست و هشتاد و هشت اتمام یافته

وصل بلوح مزار مزبور لوح مرقد میر عطاء الله خان ایلخانی ایل تیموری پسر میر عبدالله خان منصوب توفی در سنه هزار و سیصد و نه در شرق ایوان مزبور در ازاره لوح مرقد سید محمد باقر مجتهد جرفادقانی منصوب توفی فی شهر ذی الحجه سال هزار و سیصد و نه و در ستون شمالی صفه مابین دار السعاده و گنبد حاتم خان در خود سنگ ازاره لوح مزار حاجی ملا محمد قاری منقور توفی فی شهر شعبان سال هزار و سیصد و هفت فرود لوح مزبور لوح مرقد محمد هاشم خان قزلباشی منصوب و هو توفی فی رمضان سال هزار و دویست و هشتاد و هفت

گنبد حاتم خان



گنبد حاتم خان

## گنبد حاتم خان

در شرق آن دار السعاده و در غرب آن حرم مطهر واقع از دار السعاده بواسطه صفه وارد گنبد مزبور میشود در صفه جنوب شرقی مقبره میر علم خان حشمة الملک امیر تومان حکمران قهستان و سیستان و بلوچستان و هو توفی در سال هزار و سیصد و نه و در دور ازاره آن صفه ابیات آتیه مرقوم

ای دریغا کز هبوب شد باد حادثات　　اوفتاد از گلشن دولت درختی بس عظیم
ای دریغ و درد کز زلزال اهوال انگیز مرگ　　از خراسان منهدم گردید رکنی بس قویم
میر دریا دل علم خان حشمت الملک آنکه بود　　همچو نام خود علم در عالم از طبع کریم
آنکه پیش طبع رادش بود یکسان سنگ و زر　　در بر دست جوادش بود همسر خاک و سیم
استخوان او اصیل و جسم و جان او نبیل　　دودمان او بزرگ و خاندان او قدیم
سوی طوس آمد پی تقبیل این دربار قدس　　باز چون گردید در طی طریق آمد سقیم
از خطاب ارجعی برگشت زین آب و گل　　یعنی آمد در باغ رضوان سوی رحمن رحیم
آفرین بر جسم و جان او که اندر آن مقام　　جسم او آسوده جانش در بهشت آمد مقیم
حکم فرمای قهستان بود و ملک نیمروز　　روز او چون شد تمام از غصه دلها شد دو نیم
بهر تاریخش صبوری از ادب بنهاد سر　　گفت حاجی حشمت الملک آمده دار النعیم

و لوح مزار حشمت الملک در ازاره مغربی صفه منصوب و در صدر صفه دروازه ایست که بکتابخانه باز میشود

در صفهٔ شمال شرقی مقبرهٔ مرحوم حمزه میرزا حشمة الدوله است در ازارهٔ مغربی صفه لوح مزار حشمة الدوله منصوب بقیهٔ لوح مزبور در لوح دیگر منقور و در ازارهٔ شمالی نصب شده و در یک فرش صفه برابر دو لوح مزبور لوح مزار حاجیه خانم مادر حشمت الدوله منقوش است

و در ازارهٔ شرقی صفه لوح مرقد فتح علیخان صاحب دیوان منصوب هو توفی فی شهر رمضان سال هزار و سیصد و چهارده

و در دو ازاره صفهٔ مزبور ابیات آتیه در کتایب مرمر منقور

هر که میداند که از چنگ قضا نبود مفر | از سر تسلیم در کوی رضا جوید مقر
آری از چنگ قضا کس را نمی باشد گریز | جز بدرگاه رضا بنهادن از تسلیم سر
آستان او بهشت عدن باشد در صفا | آنکه در این آستان چون خواجه جوید مستقر
صاحب دیوان سرانجام آورا فتح علی | والی ملک خراسان پادشه را نامور
اندران دوران که با فر و فخار دولت | مرزبان شرق بود این خواجهٔ فرخ سیر
دید چون حق دلبشر را از حوادث ملجائی | نیست الا آستان زاده خیر البشر
در حیات خویشتن بهر ممات خویشتن | خوابگاهی ساخت در این روضهٔ فردوس فر
مرقدی فرخنده هم چون فرقد چرخ اثیر | مضجعی تابنده هم چون مطلع شمس و قمر
خواجه مهمان است و مهمان دار او سلطان دین | رحمت و فضل خداوند کریمش ما حضر
الغرض داد ار از این کار توفیقش دهاد | باد با طول بقا در این جهان مختصر



چون بعالم عدل و دادش در خور مدح است | باد خلق عالمش همچون صنوبری مدحگر

در ستون جنوبی صفهٔ میان دار السعاده و گنبد مزبور لوحی منصوب و در آن منقور است

هو الحی الذی لا یموت وفات مرحومه مغفوره سرکار عظمت و جلالت مدار شوکت و عصمت و طهارت انتشار نواب خورشید احتجاب کیوان قباب علیه صبیه مرضیه جنت مکان خلد آشیان امیر الامراء العظام شرف طوایف عرب امیر اسدالله خان عرب خزیمه الملقب بحسام الدوله العلیه طیب الله مضجعها حکمران ممالک فسیحه قاینات و تون و سیستان نتیجه طاهر ذو الیمینین والی مملکت خراسان و ترکستان و امّا من اولاد سلطان جلال الدین الحسینی پادشاه هندوستان توفی فی غرهٔ شهر رمضان المبارک سنه هزار و سیصد و سیزده

در یمین و یسار دروازهٔ طلای پایین پای مبارک رو به گنبد مزبور دو لوح مرمر در ستون منصوب در لوح شمالی بخط نستعلیق خوشی مرقوم است

الحمد لله تعالی بمقتضای مثل اهل بیتی کمثل سفینة نوح راقم حروف شرمساری حسن ابن حسین شاملو با وجود شغلهای سلطنت و بنا باقتضای معاصی عنفوان شباب و جوانی توفیق اراده قرب جوار آستانهٔ مقدسه یافته در لباس حیات مستعار بمضمون موتوا قبل ان تموتوا توسل نموده و با میدواری شفاعت حضرت دودمان رسالت لوح غبار وجود بی بود خود را باین مکان مقدس کشیده که ولسوف یعطیک ربک فترضی و مناسب حال این بیچاره

در این کاروانی است دنباله | همه پیش از یکدگر رفته ایم

و در لوح جنوبی بعد از زیارت اجازهٔ دخول نوشته شده در عهد پادشاه جم جاه ناصر الدین شاه
قاجار عالیجاه محمد علی بیک افشار اقدام نموده بازاره درد و با اهتمام
بقیهٔ لوح مزبور در سنگ فرش فضا مستور است
از صفهٔ شمال مغربی آن گنبد بگنبد الله وردی خان میروند
و از صفهٔ جنوبی برواق پائین پا داخل میشوند

گنبد الله وردی خان

## گنبد الله وردیخان

در صفهٔ میان دو گنبد در میان سنگ فرش صفهٔ مزبور لوح مزار حاجی تیمور خان بیگلربیگی مرو دم توفی
فی غرهٔ رمضان المبارک سال هزار و صد و یک
و لوح مرقد صفی قلیخان استاجلو بگلربیگی سابق مرو هم توفی فی سال هزار و صد و شش گذاشته شده
در صفهٔ جنوبی گنبد مزبور در ازاره لوح مرقد بانی الله وردیخان بگلربیگ فارس و لار و کوه
گیلویه منصوب توفی فی شهر ربیع الثانی سال هزار و بیست و دو

رواق پائین پا

## رواق پائین پا

در شمال آن گنبد حاتم خانی و در جنوب آن تحویل خانهٔ مبارکه و در شرق آن [illegible] کشیک خانه
و در مغرب آن دار الحفاظ واقع ازارهٔ آن از کاشی [illegible] سیاه رنگ و در دور ازاره
قصیده در کتابه مرمر منقور و چند بیت آن نوشته میشود

زهی رواق همایون که چرخ آینه فام    طراز و آئین ز آینه‌اش ستاند وام



روا است کعبه در این آستان بسجود آید    که پیشگاه امامت و سجده گاه انام
بهین سلاله احمد علی بن موسی    ولی بار خدا ذو الجلال والاکرام
بعهد دولت شاهنشه سپهر سریر    مدیر خسرو جم افسر ستاره غلام
ابو المظفر و منصور ناصر الدین شاه    که آب ملک فزوده بآبگون صمصام
ام آنرخانه که با تولیت امالیت را    رشاه در کف شهزاده مؤتمن زمام مهام
زادپشه جم جاه رکن دولت شاه    تقی که حرز حوادث است ملک را الحسام
زوجه فاضل موقوفه ز آینه روشن    طراز و آئین گرفت این بدیع مقام
غرض چو گشت تمام از برای تاریخش    اشاره شد بصبوری که هست از خدام
بطوع با ادب در میان نظم و سرود    گرفته ز آینه آئین سپهر آینه فام

سنه هزار و سیصد و شش

دروازهٔ رو بکشیک خانه از چوب شمشاد و دروازهٔ رو بدار الحفاظ از نقره و فولاد در لوزه کوچک
تحویل خانه در لقیهٔ مرمر کتبه العبد الاقل الاحقر محمد الموسوی الحیدری عمل حسین مبت کار
در ستون شمالی دروازهٔ کشیکخانه لوحی از مرمر منصوب و در آن نوشته شده

هو الملک القدیم

حبذا زاین بقعهٔ اسکندری کز فرط قدر    سجده بر خاک درش از جان و دل دارا برد
مدفن شاهنشه دین زاده موسی رضا    آنکه دست معجزش دست از ید بیضا برد

در زمان ناصرالدین شه شه دریا نوال — کز دل بخشنده آب دجله و دریا ببرد
اندران عهدی که رکن الدوله از رای بلند — تولیت را با ایالت پایه بر جوزا ببرد
حکم او داد این روضه را آئینی از آئینه داد — آینه چونانکه ضوء از بیضهٔ بیضا ببرد
الغرض چون زآینه آئین و زیب تازه یافت — لقعه گردی حسد این گنبد مینا ببرد
از پی تاریخ او کلک سرائی زد رقم — بقعهٔ روشن سنا زر سینهٔ سینا ببرد

الواح مراقد منقوره در احجار ازاره رواق از قرار ذیل

حاجی ملا حسین تربتی سال هزار و سیصد و پنج وفات نموده میرزا محمد ابراهیم پسر میرزا علی اکبر مستوفی خاصه در سنه هزار و صد و چهل و دو رضا قلی بیک پسر آقور کونه بیک از اولاد امیر گونه خان در سال هزار و نود و پنج.

محمد باقرخان قرائی در سال هزار و صد و هفتاد و پنج ملا محمد علی پیشنماز محلهٔ سراب پسر ملا عباس در سال هزار و دویست و نود میرزا مؤمن کلانتر سبزواری تحویلدار حضرت صلوات الله علیه در سال هزار و دویست و هشتاد و هفت صبیهٔ مرتضی قلی بیک در سال هزار و هشتاد و نه صبیهٔ عباسقلیخان بیگلربیگی

عباسقلیخان قاجار بیگلربیگی جعفور سعد در سال هزار و هفتاد و شش حسیده حاجیه عالم افروز بیگم در سال هزار و صد و بیست و یک صفی قلیخان پسر او بیستان حاکم جرجی در سال هزار و هشتاد و هشت



فاطمه بیگم در سال هزار و صد و بیست و هشت آقا الماس خواجه گل دسته در سال هزار و صد و بیست و پنج رستم بیک پسر حاجی محمد بیک قرائی در سال هزار و دویست و بیست و پنج

عبدالله بیک پسر حیدر بیک فاطمه خانم صبیهٔ رضا قلیخان همشیره عبدالله خان کرمانی در سال هزار و دویست و چهل و سه یحیی خان پسر یوسف خان بختیاری در سال هزار و سی و یک آقا علی عسکر پسر مشهدی علی نقی در سال هزار و دویست و چهل و نه بی بی خاور صبیهٔ میرزا علینقی حسینی میرزا سید احمد طبیب سرکار خاصه در سال هزار و صد و سی و چهار مرتضی قلی سلطان آقا ریحان غلام خاصه در سال هزار و صد و پانزده مادر عبد الرشید خان کرمانی در سال هزار و دویست و چهل و یک

محمد شفیع بیک کلیددار پسر محمد صالح بیک ملک التجار در سال هزار و صد و شانزده خواجه محرم غلام خاصه در سال هزار و صد و سیزده عبدالله خان حاکم درون پسر باباداده بیک در سال هزار و هشتاد و شش وفات نموده

الواح مراقد منقوره در سنگ فرش رواق مزبور از قرار ذیل نوشته میشود

خیرالنساء خانم دختر آقا بیک در سال هزار و دویست و شصت و دو وفات نموده دختر لطفعلی خان بخاری سرخسی حاکم صفی آباد زوجهٔ شجاع الدوله ایلخانی در سال هزار و دویست و هفتاد و دو و پدر و فرزند هر دو در مرقد واحد مدفون

حاجی ملا بخشعلی در سال هزار و دویست و نود و سه

حاجی حسین علی کرمانی مشهور بعرب پسر حاجی محمد باقر در سال هزار و سیصد و شش در گذشته
برابر دروازهٔ تحویل خانه سنگی از مرمر در میان سنگ فرش گذاشته شده و در حاشیه آن مرقوم است

هر گل که بباغ زندگانی بشکفت   گلچین خزان مرگ در خاک نهفت
هر سرو که قد کشید در باغ جهان   از تیشه جور چرخ در خاک آن خفت
در عصر و زمان آنکه در اقلیم وجود   بس غنچه معدلت بباغش بشکفت
فردوس مکان رضا قلیخان قاجار   کز جود و سخا نداشت در عالم جفت
در دهر بزرگی و سخا و کرمش   چشمی بجهان ندید و گوشی نشنفت
کز کینه سموم اجل اوراقش رفت

در متن لوح در میان ابیات مزبوره ابیات آتیه نوشته شده

چون شد ز جهان رضا قلیخان ناگاه   گردید از این واقعه حیران آگاه
با خامهٔ آه بهر تاریخ نوشت   یعنی جبل الجنة مثواه الله
ای دریغ از رضا قلیخان کو   باده از دست مرگ پیموده
در جوانی گل امید بهار   از خزان گشت دست فرسوده
آنکه از بیم تیغ او بهرام   در فلک یکنفس نیاسوده
ای دریغا که شهباز اجل   پنجه از بهر صید بگشوده
آه کان هدهد سلیمان را   ناگهان از میانه بربوده



از غم آن سلالهٔ قاجار   زهره خون دیدگان بپالوده
شه محمد حسن ز خلد بجوان   بهر فرزند چهره آلوده
آه از آن معدن سخی که چه او   کس ندیده سخی بشنوده
در جوانمردی و شجاعت و جود   آسمان بارهاش بستوده
حیف از آن آفتاب برج جلال   که حوادث غروب بنموده
آنکه چشمش بکام و دل بکام   بفراش زمانه نغنوده
تکیه بر متکای استبرق   کرد در جنت و شد آسوده
گوهر ارجعی الی ربک   باز هاتف بگوشش بنموده
رفت زنگ تعلقات جهان   از ضمیر منیر بزدوده
بود حیران ز بهر تاریخش   فکر بر روی فکر افزوده
ناگهان آسمان ملیک رنگ   عقده اش را ز چهره بگشوده
کرد اشارت . . . بهر   رضی الله عنه فرموده
سنه هزار و دویست و هفت

لوح دیگر از مرمر پایین آن لوح گذاشته شده و در حاشیه آن مرقوم است

سپهرا از ستمهای تو فریاد   ز بیداد تو ای بیدادگر داد
در این بستان سرای محنت اندوز   که آن یکره نکرد خاطری شاد

سهی سروی بیزدوسی که ناگاه　　بباداش اجل از پا بیفتاد

کنون کز گلشن شاهی نهالی　　در افکندی ز پا چون سرو آزاد

ازین پس کو دگر گلبن بخندد　　وزین پس کو دگر سنبل مرویاد

میارا کو دگر رخساره نسرین　　مزن سر طره دیگر شاخ شمشاد

و در پشت لوح ابیات آتیه منقورست

آه ازآن شمع سراپرده شاهی که نهاد　　جان چو شمعش ز سراپرده تن پا بیرون

حیف ازآن تازه نهال چمن جاه که شد　　نونهال قدش از صرصر ایام نگون

حیف ازآن گوهر گنجینه شاهی که شدش　　تن چو یکدانه در اندر صدف خاک درون

طعم شیر از لب همچون شکرش نارفته　　دایه دهر ز زهر اجلش داد افیون

آن سرافراز نهال چمن شاهی را　　شد چو دهقان قضا سوی جنان راه نمون

مظهر زار گرین غصه برخ جاری داشت　　هردم از دیده بیک چشم نه آن صد جیحون

سال تاریخ وی از پیر خرد کرد سؤال　　گفت کز باغ شهی رفت نهالی بیرون

سنه هزار و دویست و بیست و دو

برابر لوح مزبور لوح مزار عباس خان پسر نجفقلی خان قرائی است و هو توفی فی شهر محرم الحرام

سال هزار و دویست و بیست و دو

ایضاً در میان سنگ فرش برابر دروازه دار الحفاظ لوحی از مرمر افتاده و در آن



نوشته شده

آه ازآن یکتا دُرِ گنجینه عصمت که جای　　آخر اندر درج خاک از گنج سلطانی گرفت

حیف ازآن نادیده کام از عمر کز طوفان مرگ　　تا کهش بنیاد هستی رنگ ویرانی گرفت

آنکه از بیم نهیب پرده دار عصمتش　　دایم در دهلیز تن جان همچو زندانی گرفت

از بیابان دامان هستی عاقبت افشاند پای　　در بهشت جاودان زین عالم فانی گرفت

را التفات تن که دل کندن ازان کاریست صعب　　کند دل ناکام و جان در جسم روحانی گرفت

آن فروغ کاخ عصمت چون بصد وجد و سرور　　جای در قصر جنان از فضل سبحانی گرفت

کلک مظهر زد پی تاریخ سال رحلتش　　زد رقم جا در جنان از الطاف یزدانی گرفت

سال هزار و دویست بیست و دو

از رواق مزبور چون بکشیک خانه روند در سر کشیکی نه لوحی است لوحی در ستون منصوب

ببینند و در آن نوشته یابند

ایدریغا کز جفای آسمان و جور انجم　　از جهان بی وفا نادیده کام آخر روان شد

ستیه والا گهر سبط علی آن که چو نخله　　تا درخشان گشت در ابر اجل ناگه نهان شد

طایری تا بال و پر بگشود در این آشیانه　　مرغ روحش در جنان با قدسیان هم آشیان شد

شاهزاده جان پاک این چنین کز حسن طینت　　جبهه کش خاک درگاه امام انس و جان شد

بوالحسن سلطان دین شاه ولایت کز جلالت　　آسمان در آستان اقدس او پاسبان شد

الغرض با چشم بینش تا جهان را دید فانی ... ملک باقی جست و گیسو در بهشت جلوه افشد
از پی تاریخ سال رحلتش گفت صبوری ... از جهان ناخسته کام این نوجوان سوی جنان شد
سال هزار دویست و هشت

مسجد بالا سر

از جانب شرق بواسطه صفه بحرم مطهر رضویه متصل میشود و در مغرب آن دار السیاده و پنجره از نقره میان آن و دار السیاده منصوب و از جانب شمال بواسطه صفه بمسجد پشت سر میرسند در ستون مغربی صفه مزبور لوح مزار محمد ولی میرزا منصوب در میان ستون مزبور و طاق صفه در پشت آینه نوشته شده

مسجد بالا سر

این طاق که دارد شرف بر طاق نیلگون از همت مقرب الخاقان میرپنجه عباسقلی خان نیکو با آینه تزئین یافته در سنه هزار و دویست و شصت و شش

در ستون شرقی صفه مزبور لوح مزار حاجی میرزا ابو القاسم مجتهد منصوب توفی فی یوم الاثنین تاسع شهر صفر سنه هزار و دویست و نود و هشت

در صفه میان حرم مطهر و مسجد مزبور محراب از کاشی برجسته چینی مانند بسیار ممتاز ساخته شده

محراب مسجد نیز از همان کاشی و بهمان وضع است و در شرقی محراب مزبور در دور ازاره نوشته شده است



در عهد شهنشاه جهان فتحعلی شاه ... کز شرم درش خم شده این برشده طارم
شهزاده محمد ولی دین مسجد عالی ... کز قرب حرم یافته بر کعبه تقدم
چون برحرم افزود خرد گفت در آمد ... مسجد بجوار حرم قبله هفتم
سال هزار و دویست و بیست و نه

از جانب راست محراب در دور ازاره مرقوم است

با مهر محمد ولی میرزا ... ظفر پیشه شهزاده جم حشم
پذیرفت چون با حرم اتصال ... با قبال این مسجد محترم
بتاریخ آن بنده عابد نوشت ... که مسجد شده متصل با حرم

رواق پشت سر

رواق پشت سر

از جانب جنوب بواسطه صفه شاه طهماسبی بحرم مطهر میپیوندد و در مغرب آن مسجد پشت سر و در شرق آن مسجد زنانه و در جانب شمال پنجره ایست و پیش پنجره دروازه چوبی منصوب که بتوحیدخانه باز میشود

ازاره رواق مزبور تمام منبت شده و نیکو منبت شده در سنگ ازاره شرقی صفه متصل بتوحیدخانه الواح مراقد حاجی آقا ابو محمد و رضاقلی خان و امیرگونه خان منصوب و در میان لوح رضاقلی خان و امیرگونه خان لوحی از مرمر منصوب و عبارت لوح مزار امیرگونه خان در آن تکرار یافته و در سر لوح آن نوشته شده

هو الباقی مرقد امیر الامراء العظام قواماً للمجد والشوکة والاحترام امیر حسین خان شجاع الدوله ایلخانی زعفرانلو طاب ثراه در سال هزار و سیصد و یازده بتعمیر سنگ و نصب بد بود در هزار و سیصد و شش در ازارهٔ مغربی آن صفه در سنگ ازاره برابر الواح مزبوره الواح مزار میرزا عبد الجواد و میرزا داود منقور است

در دور ازاره رواق قصیدهٔ قافیهٔ قاآنی در کتاب ... منقور و فراز قصیدهٔ مزبور قصیدهٔ دیگر در پشت آینه نوشته شده چند بیت آن مرقوم میشود

این کدامین بقعه کز وی فرّ یزدان آشکار / وین کدامین روضه کز وی نور رضوان متعار
شهریار خاورستان کز وجود اقدسش / خاک خاور اشرف آمد بر این نیلی حصار
زائران حضرتش را قدسیان فرمان برند / خادمان خرگهش را خسروان خدمتگزار
در زمان دولت دارای بهرام احتشام / در اوان شوکت جمشید خورشید اقتدار
در جهان دوران فرخ داور فرخنده پی / میر شیر اوژن شجاع الدوله ضیغم شکار
در خراسان هست اما صولتش در کاشغر / در خبوشان هست اما هیبتش در قندهار
کیست کز مرگش نباشد در خبوشان با خروش / کیست کز سوکش نباشد در خراسان سوگوار
داعی حق را چه لبیک اجابت گفت خفته / چون نیاکان در جوار رحمت پروردگار
بر فراز مدفن فرخنده اش بنیاد کرد / این علامت را که تا محشر بماند پایدار
بستش از آینه آئین دادش از زر زیوری / کامد از بس زیب و زینت جفت طاق زرنگار



از نو آئین نقشهای کلک آقا خان که هست / خطهٔ خطا انجا در حضر و با اقتدار
خامهٔ سرخوش برای سال تاریخش نوشت / کز شجاع دولت آن آئین بماند یادگار

مسجد پشت سر

مسجد پشت سر

جانب جنوب آن مسجد بالاسر جانب شمال آن توحید خانه مبارکه در شرق آن صفه مقبرهٔ میرزا موسی خان که از آن صفه برواق پشت سر میروند و در مغرب آن راهرو و سقاخانه واقع میان مسجد و راهرو سقاخانه سه درگاه است درگاه وسط بزرگتر و در آن درگاه از

۲ اردزونی درگاه

جانب راه رو بحجره و از جانب مسجد چهار چوبی لوازم منصوب در جنوبی بحجره لوح مزار حاجی سید محمد نصب شده و هو توفی فی اربع محرم الحرام سال هزار و دویست و پنجاه دو در لوح مزبور ابیات شش گانه عربیه مرقوم بیت مقطع آن نوشته میشود

فقال خلیل سلی بتاریخ فوته / بموت محمد حق شرع محمد

در ازارهٔ شمالی مسجد در میان لوح مزار میر علیم خان خزیمه و جان محمد خان قاجار لوحی کوچک منصوب و در آن نوشته شده

جهان شرف خان با عز و تمکین / که چون او نپرورد گردون گردان
محمد علی خان قاجار آنکو / که سر دفتر آمد بخانان ایران
غنوده در این آستان با برادر / که نامش سمعیل خانی بد زیرزدان
بهین دورش حاجی علی خان بر آمد / باظهار غم و پدر او بدین سان

که تزئین این طاق سبکو نماید — بطرزی که جفتش بدید است دوران
بتاریخ فوت پدر گشت جو یا — ز انصاف آن را د مرد سخندان
بمینو روان محمد علی خان

در مشرق ازاره مزبور درگاهی است قوام الملک و حاجی میرزا شفیع مستوفی در آن درگاه مدفونند — مسجد زنانه

مسجد زنانه

در جانب جنوب آن گنبد حاتم خان و در شمال آن توحید خانه مبارکه و در مشرق آن گنبد الله وردی خان و در مغرب آن رواق پشت سر واقع

نام مسجد زنانه مسجد ریاض و در صفه که از رواق پشت سر بواسطه آن وارد مسجد مزبور میشوند در ستون جنوبی آن صفه لوح مزار عباسقلی خان منصوب در ستون مزبور در میان سنگ لوح مزار حاجی مرتضی قلی تاجر بادکوبه پیر آقا قدر منصوب و هو توفی در سال هزار و دویست و نود و شش

و در ستون شمالی صفه مزبور لوح مزار مریم خانم حبیبه خاقان و زوجه آصف الدوله و مادر سالار منصوب در انجام لوح مرقوم است کتبه اخوها ایرج و هی توفیت در بیستم جمادی الاولی سال هزار و دویست و شصت و پنج

و در همین ستون در میان سنگ ازاره لوح مزار اسحق خان سردار قرائی منصوب توفی در سال هزار و دویست و سی و یک



در صفه مشرقی که در آن صفه حجره رو بگنبد الله وردی خان باز میشود لوح مزار میرزا فضل الله خان وزیر نظام نصب شده و هو توفی در سال هزار و دویست و هشتاد و نه در ماه ربیع الثانی در ازاره جنوبی تماماً و در نصف ازاره مشرقی ابیات چند در کاشی مرقوم و چند بیت آن نوشته میشود

بیفزود این زمین را در حریم حرمت شاهی — که شاهان را نشیمن در زمین کمتر علام آمد
فروغ دیده موسی بن جعفر شافع محشر — که اندر رتبه هفتم قبله و هشتم امام آمد
بجست از عقل تاریخ بنای سال او گفتا — که این مسجد ز اتصال حرم جیب حرام آمد

در ازاره شرقی هر قدر ابیات مزبور در سنگ ازاره لوح مزار حاجی عبد الوهاب و لوح مزار حاجی عبد الرزاق منقور است

در محراب از جانبی دریچه منصوب بین دریچه نوشته شده این آستان دریچه ایست رخنت گشوده شد بره اقل السادات عبد الوهاب سنه هزار و دویست و شصت و دو — الواح معلقه در مسجد بالاسر
و از جانب دیگر لوح مرقد سید عبد الوهاب مشرف است و هو توفی در سال هزار و دویست و هفتاد و هشت و در لوح نسب سید مزبور نوشته شده

الواح معلقه در مسجد بالاسر

قصیده قسطنطیه از میرزا مصطفی افتخار العلماء پسر حاجی میرزا حسن آشتیانی بخط نستعلیق نوشته شده در چهار چوب آیینه کرده و در انجام آن کاتبه ابو الحسن البهائی الکلپایگانی فی عشرین ربیع المولود سال هزار و سیصد و چهارده مرقوم دو بند آن مسمط نوشته میشود

هلال نور سواری رکاب خنگ تو باشد　　کلید عفو الهی بچنگ تو باشد

قدر بامر تو پوید قضا خدنگ تو باشد　　سبک سپهر مدور به پیش سنگ تو باشد

ز قهر تو کسی ار دور از آب تنگ تو باشد

هراس خصم گرفتار قهر آتش کین شد

مدا بمن تو توسل نموده خسته روانی　　قدیم سال غلامی ذلیل آستانی

بدل بهی بودش صد هزار درد نهانی　　خدا بداند و من دانم و تو جمله بدانی

امید هست که مأیوسم از کرم تو نرانی

به بند کعبه چه صهبا همیشه خاک نشین شد

مسمط دیگر از افتخار العلماء در مدحت حضرت رضا بهمان وضع و نسق مکتوب و معلق وده

بند از آن نوشته میشود

امروز مرا جز تو دگر دادرسی نیست　　چون دادرس اندر دو جهان جز تو کسی نیست

ما را بجز از دوستی تو هوسی نیست　　پوییم براهی که در آن ره عسسی نیست

کی ل تو بود شه و گدا بیش و کمی نیست

انجا که درت کحل بصر سوده امین را

صهبا که دل افسرده و هم خسته روانست　　کی در خور مداحیت ای شاه جهانست

اوصاف ترا مدح سرا ختمی جانست　　خوش گفته سراو دیده هنوزم نگرانست



آنجا که عیان است چه حاجت به بیانست　　یارب بکمل از کف من حبل متین را

رباعی آیه را الخط نستعلیق منقش درشت خوشی نوشته و در انجام بخط ریزه رقم نموده کتبه العبد الفاحر الی عنایت الخالق محمد صادق ابن الحاج محمد باقر بردی الشهیر بالقمی فی شهر ربیع الثانیه من شهور سنه هزار و سیصد و چهارده و در چهارچوب آیینه گذاشته شده

الا ای علی ابن موسی بن جعفر　　ولی خدائی وصی پیمبر

ز ابنا بمهدی ز آبا بحیدر　　زهی در شرف رتبه الله اکبر

در پارچه مشکی زیارت بالا سر حضرت را با کلابتون نوشته و خوش نوشته و در آیینه گرفته و در انجام چنین رقم نموده عمل کمینه کنیز آستان ملایک پاسبان کوکب الحسینی بنت معتمد السلطان حاجی میرزا سید حسین مستوفی

در لوح چوبین بسیار بزرگی زیارت جامعه کبیره مرقوم و در انجام آن رقم شده شرف بکتابتها کلب آستان شاه ولایت محمود نوزی مستوفی نظام فی شهر شوال المکرم سنه هزار و دویست و نود و دو سه ابیات آیه در سه جانب لوح نوشته شده

حبذا روضه بهشت آئین　　که خیل ملک در است خدم

از بلندی طاق ایوانش　　کله از سر نهاده چرخ دژم

گنبد نیلگون چرخ سپهر　　کرده در پیش گنبدش قد خم

آرایش خشت زرین که　　نیل و زنگار رضوان زند دم

وه عجب بقعه که گرد بین نیز    ره کند شک ز ازدحام بهم
گسترانیده شهپر جبریل    زائران را تمام زیر قدم
پادشاهان رخ نیاز ز عجز    سوده بر خاک درگهش چه حشم
مضجع شاه دین امام رضا    پیشوا آنکه بد بجیل امم
آنکه بر انس و جان امامت کرد    بلکه اصناف قدسیان را هم
گرد محمود خان مستوفی    آنکه اندر نظام گشته علم
بهر تعلیم زائران مقام    لوحی آراسته ز نوک قلم
واضع از این مقوله شد در خط    وضع نیکو نهاد در عالم
کی بدین گونه وضع کرد اساس    کاندرین جا دگر خطی اهم
کلک طغرا پی سال تاریخش    گفت هفت از هزار و سیصد کم

در لوح دیگر بهمان وضع و سیاق زیارت جوادیه نوشته شده پس از اتمام زیارت کاتب مرقوم داشته شرف یکتا تنها کلب آستان شاه ولایت محمود نوری مشیر نظام و رئیس دفتر لشکر آذربایجان و در دور لوح ابیات چند مکتوب جنب (الی) نگاشته میشود

ای شاه مکه ماه مدینه عرش طوس    ای خاک طوس را ز تو بر کیمیا فسوس
ای ثامن ائمه و ای ضامن غزال    ای مهبط ملائکه ای گنج گنج طوس



ای قرصه ز خوان تو این قرص آفتاب    وی مطبخ سرای تو این چرخ آبنوس
شمس آورد بلبشه ایوان تو سجود    عرش آورد بعرش در درگه تو بوس
کروبیان کشند ابر خاک تو جباه    پیغمبران نهند ابر پای تو رؤوس
هر قطره در ولای تو صد نیل موج زن    هر پشه در هوای تو صد پیل منگلوس
کمتر غلام خیل تو کاوس و کیقباد    کهتر مبارز سپهت رستم است و طوس
در پیش تاجداریت ای شاه هر دو کون    شاهان روزگار کم از هدهد و خروس

صحن جدید

ه

صحن جدید

ایوان طلای ناصری در مغرب صحن مزبور واقع تو اسطهٔ دو کفشکن وارد آن ایوان شوند و از آن ایوان بدار السعاده روند

۲ تمام آئینه نموده

کفشکن جنوبی ایوان بکفشکن هندی مشهور است جدرانی مشرق و مغرب و سقف (آن ۲) و در حاشیهٔ سقف در لب آینه نوشته شده

پس از حج چهارم چون جهانگیر    مقیم کعبهٔ کوی رضا شد
پی آمرزش اخوان دینی    براین در چند روزی جبهه سا شد
بهندی کفشکن میسود رخ را    که دایم دردش از اندر دوا شد
خیالش از پی آیینه کاریش    لبان آیینه در انجلا شد
غرض توفیق او را گشت رهبر    که تا انجام این فرخ بنا شد

بسی تعمیر چون این درره حج | از او درگاه ظهیر و کر بلا شد

پی تاریخ سال و نصب در آن | بگوش گوهری تا که ندا شد

که بر گو از پی اعمال مجنون | که بود از صدق مقبول خدا شد

بجدّ و جهد حاجی سید مهدی | ضیاء افزای ایوان طلا شد

بیتین آتیه دنبال ابیات مزبوره نگارش یافته

چو این آینه کاری کفشکن را ز نکوئی | شد بانی جهانگیر و جهان بخش بجا رائی

بال و بکهزار و سیصد و واحد عشر آمد | چه نجم اندر فلک ثابت بر آئینه بزیبائی

کتابه ازاره کفشکن شمال ایوان تازه تمام شده و هنوز نصب نشده اند ابیات آتیه

نوشته میشود

حبذا از این همیون کفشکن کز بهر سرش | چشم سوی فرش بینی عرش حی ذوالمنن را

گرد کفشهای زوّاری که بر خاکش نهد سر | سرمه چشم است خورشید و مه پرتو فکن را

آری آری این همایون کفشکن بهر نعالی | کامندان جبریل خواهد کفشهای خویشتن را

آن مقام قدس باشد مضجع شاهی که دایم | هست مرجع آستانش راستان ممتحن را

قبلهٔ هفتم رضا نوباده موسی بن جعفر | کز ضیا مانند رواقش هشتمین چرخ کهن را

مظهر حق بضعه احمد فروغ چشم زهرا | کز دل زوّار وی بیرون کند یزدان حزن را

داخل خلد برین سازد ع نور خرابیش | هر که بنماید زیارت آن امام مؤتمن را



ده چه خوش فرمود فرزندش تقی کاظم | جز خواص شیعه ننماید زیارت باب من را

پس با برودی محمد صادق معمار باشی | کو بود استاد استادان این فرخنده فن را

این دو ایوان کفشکن را ایجاد آئینه آئین | کرد کز سیرش ببینی سیر چشم مرد و زن را

کاتب خطش چو سر شوق است بهر خوشنویسان | شد صنیع التولیه کو نیک دانستی سنن را

الغرض چون حاج سید مهدی بن کاظم آنکو

خواست تا می هم زدی باقی در این درگه بماند | تا نگردد فانیش نام از نظر اهل و طن را

عازم آن شد که در این آستان از جان نماید | خدمتی شایان و بیرون از دلش سازد محن را

زینت این کفشکن را روز و شب کوشید ساعی | از پی اتمام و کور از خویش راهی ذوالمنن را

اختر طوسی بدیهه از پی تاریخ سالش | گفت نصر الله آئینه مجدد این کفشکن را

سنه هزار و سی صد و چهارده میشود

حدود صحن مبارک از جانب مغرب بروضهٔ مطهره و از طرف مشرق ببازار کلاهدوزها

و از جانب شمال بخیابان سفلی و بازار زرگران و از طرف جنوب بشربت خانهٔ

حضرت و مقبره شیخ بهائی پیوسته چون از دروازه برابر مقبره شیخ بهائی وارد

مقبرهٔ جودی

صحن جدید شوند حجره دست راست مقبرهٔ جودی شاعر معروف و حجره دست

چپ مقبره حاجی ابوالحسن است

در صفه برابر حجره مقبرهٔ جودی دو ازاره ابیات آتیه نوشته شده

قبول حضرت معبود طاعت جودی | که بود شیوهٔ چرخ کبود اطاعت جودی
بشیر برک زیارت بپنجه کرد بقوت | وگرنه بود قوی بازوی شجاعت جودی
شدی بطبع توانکر هر آن فقیر که برد | مشام دل بجهان بوئی از قناعت جودی
| اگر زبان بکشودی پی شفاعت جودی

بمدح شاه و بقدح وزیر صرف بکیتی | شد از عمر گرانمایه نیم ساعت جودی
درین سراچهٔ دنیا حرامت مزرع عقبی | کسی نکرد زراعت به ارز زراعت جودی

ازانجا سه بیت از مسوده وقت نگارش موجود نبوده

شهی که پرورا داده بود مادر دوران | بجای شیر زپستان دم رضاعت جودی
غرض بصحن جدید سلیل موسی جعفر | چه شد بخاک لحد هشته روی طاعت جودی
بگفت از پی تاریخ سالش اختر طوسی | کند حسین بروز جزا شفاعت جودی

سنه هزار و سیصد و دو میشود در سر در حجره نوشته شده

بعد مردن گر شکافی قبر جودی را ببینی | سر بزانوی مصیبت تا صف محشر نشسته

کتبه محمد الموسوی کتیبه نویس آستانه مقدسه

مقبرهٔ حاجی ابوالحسن

لوح مزار حاجی ابوالحسن در ازاره صفهٔ بیرون حجره منصوب بود و در زندگانی خود در سال
هزار و دویست و هشتاد و هشت تمام نموده و نسب خود تا بحضرت موسی کاظم در آن
گنجانیده در انجام لوح کتبه الراجی الی الله عبد الوهاب مرقوم و توفی سید المزار



المزبور فی شهر رمضان سال هزار و سیصد و سه و در دور ازارهٔ آن صفه ابیات آتیه نوشته شده

بحمد الله که بر این سرفراز از جان گذر کردم | بنام ایزد عجب فالی بکام دل بسر کردم
غبار آستانش را بجاروب مژه رفتم | پس از بهر ضیاء دیده بس کحل بصر کردم
نه دادم تن بهجران تا ندادم جان رایگان | ز کوی او نرفتم تا بسوی او سفر کردم
ز شام تیره من صد شکر در صبح کهن خفتم | تعالی الله شب هجری بوصل آخر سحر کردم
گشودم تا برویش چشم چشم از غیر بستم | جمالش دیده تا دید از جهان قطع نظر کردم
فدای یار باقی شد مرآن جان تن فانی | بعین مدعا بودم ره و ترک اثر کردم
شفائی تا براین در حقیقت ام چو کلیم باطل | بعالم خویشتن را در وفاداری سمر کردم

توحید خانه مبارکه

توحید خانه مبارکه

در جانب جنوب آن رواق پشت سر و مسجد پشت سر در شمال آن صحن عتیق و در
مغرب آن ایوان طلای نادری و در مشرق آن گنبد الله وردی خان واقع است
در دیوار سمت گنبد مزبور لوحی منصوب و در آن نوشته شده

منت خدایرا که بنی خانی براه دین | بسپرده جان و پیرو پیغمبر آمده
جنگ آوری که درگه نبرد دشمن کین | سر تیپ فوج خسرو دین پرور آمده
شهای صفکران همه مالیده بر زمین | در معرضی که بازره و مغفر آمده
صد پشه ضیغم دژبرد و منهزم شده | در بیشه که شعله رنجش بر آمده

کر خوانده چرخ فتنه عهدش بعید نیست — کاندر مصاف آفت هر صفدر آمده

اندر دلیل مردیش این یک هزار بست — کاندر شباب مدت عمرش سر آمده

هم تشنه کام کشته شده از پی جهاد — هم روح پاک او لبوی کوثر آمده

امروز کشته کشته و فردای رستخیز — سر سبز و سرخ رو بصف محشر آمده

کردون ز پا فکنده یلی را که زور کین — برقی از و بخرمن هفت اختر آمده

کر طرفی طوس مدفن او شد غریب نیست — کز جان محب سلسله حیدر آمده

جستم ز عقل سال هلاکش بکریه گفت — این بیت را که خنده زن کوهر آمده

کر با نبی نیامده محشور در بهشت — تاریخ قتل او ز چه پیغمبر آمده

چون در رواق پشت سر وارد توحید خانه شوند سنکی از مرمر سفید در میان فرش منصوب کنند
و در آن نوشته یابند

شد ز دار غرور دار فنا — برای سرور دار البقا

آن جنابی که شهره آفاق — بود در علم و حلم و جود و سخا

آنکه در فضل و عقل بی مانند — آنکه در زهد و عدل بی همتا

شیخ اسلام و قاضی احکام — حامی شرع و ملت بیضا

کف او در عطا چو ابر مطیر — دل او کاه بذل چون دریا

متنعم ز خوان نعمت او — جمله خلق از غنی و کدا



داده آئین شرع را رونق — کرده احکام شرع را اجرا

در فصاحت قرینه سحبان — در بلاغت سر آمد بلغا

کرد در فوت او سپهر کبود — در بر خویشتن لباس عزا

شد رضائی اعتقاد ضمیر — دفن در روضه امام رضا

سال تاریخ فوت او حسرت — پس طلب کرد از حروف هجا

هاتفی کفت بهر ضبط بکو — منبع فضل کان جود و عطا

سنهٔ هزار و دویست و چهل و دو

در لوح دیگر معروش میان سنک فرش بیت آتیه نوشته شده

منزل بهبود خان باد بقصر جنان — باد بقصر جنان منزل بهبود خان

سنه هزار و سیصد

تمت تذییل دقیقة السابعة من کتاب التدقیق فی سیر الطریق
بامر مؤلفها فی رابع شهر جمیدی الآخره من
شهور سنة خمسة عشر و ثلاثه
مائة بعد الالف
و انا اضعف
العباد ولی الله
الشکینی الاردبیلی
سنه ۱۳۱۵

بسم الله الرحمن الرحیم

حقیقه سادس از یوم حرکت از طهران بجانب ارض اقدس رضویه شروع میشود

چهارشنبه ششم صفر

شرح چهارشنبه ششم صفر الخیر چنانچه در شرح روز قبل مرقوم آمد از شهر ساعتی قبل از مغرب کوچ
نموده در حالت رکوب بخانهٔ جناب نایب السلطنه و رئیس الطاق تجزیت رفتم وداع کردم دو از شب
گذشته وارد حضرت عبدالعظیم شده خانهٔ حاجی ابوالحسن معمار در بستی هفت هزار و ده شاهی اجاره کرده
منزل کردیم خانهٔ مزبور قریب بازارچه و بازارچه نزدیک حرم واقع است پس از نهار نصرالله خان میر تومان ثانی
زنبورکچی باشی از شهر آمده مذکور داشتند نزد جناب امین الدوله رئیس الوزرا مخصوص عرض کرده
مخارج دولتی حسینیه مسقط که بتوسط حضرات داده میشود بمصارف آن نمیرسانند و رئیس الوزرا
امر بتوقیف آن فرموده محض رفع اشتباه لازم آمد مراجعت بشهر نمایم باتفاق زنبورکچی باشی بشهر رفته
از میرزا محمد علیخان مستوفی خطهٔ فارس پسر میرزا محمد کرکانی وزیر سابق طهران ملاقات نموده

پنجشنبه هفتم

شرح پنجشنبه هفتم ارض وفات حضرت حسن مجتبی در مدینه در سال چهل و نه در عمر چهل و هفت
و ولادت ابوابراهیم حضرت موسی در قریهٔ ابوا در سال صد و بیست و هشت [illegible]
ابوا بباء موحده میان مکهٔ معظمه و مدینه واقع است امشب بیتوته منزل زنبورکچی باشی بودم
بامداد بملاقات میرزا جهانگیرخان در خانهٔ مسیب خان رفتم خانهٔ مزبور در خیابان ناصریه
برابر دواخانهٔ شوربن المانی واقع از آنجا بحضرت عبدالعظیم معاودت نموده پس از نهار
باز بشهر مراجعت کردم

**جمعه هشتم**

شرح جمعه هشتم امشب باز شام و بیتوته منزل زنبورکچی باشی بودیم با مراد بشمیران منزل جناب
نظام السلطنه رفته نهار آنجا بوده

**شنبه نهم**

شرح شنبه نهم جنگ صفین میان حضرت ولایت پناهی و معویه امروز در سنه
عمار یاسر و خزیمه پسر ثابت مشهور بذوالشهادتین لسان وقعه شهادت یافتند هر دو از
صحابه بوده حضرت رسول درباره عمار یاسر فرمایند یا عمار تقتلک الفئة الباغیة امشب و امروز
در شمیران بوده شام و بیتوته منزل سلطان مجید میرزا ناصر الدوله بودیم در دزآشوب خانه
منتصر السلطنه پسر جناب نصر السلطنه سه ماه در صد و پنجاه تومان اجاره نموده قبل از نهار منزل
جناب نظام السلطنه رفته صرف نهار نموده منزل جناب نصر السلطنه آمده و بشهر مراجعت نمودم امروز
موکب همایون ملوکانه جانب ییلاقات دوردست حرکت فرموده

**یکشنبه دهم**

شرح یکشنبه دهم شام و بیتوته را در شهر منزل میرزا حبیب الله خان سرتیپ بوده با مراد منزل
جناب نظام السلطنه رفته کتاب مفاتیح الادب از تالیفات خود تقدیم نموده پنجاه تومان انعام مرحمت فرمودند نهار
در بازار صرف و از جناب آقا محمود و حاجی میرزا حبیب الله و آقا محمد رحیم و ارباب جمشید و حاجی محمد مشهور بمغلبند
وداع کرده و بمقتضی المرام بحضرت عبدالعظیم مراجعت نمودم امروز [illegible] قدیم داشته

**دوشنبه یازدهم**

شرح دوشنبه یازدهم امروز اول تموز ماه رومی و اول ماه روسی نوشته جناب [illegible]
السلطنه امشب منزل ها بیتوته نموده میرزا حبیب الله خان نهار منزل ها بوده میرزا جهانگیر خان سرتیپ
است منزل ما است خطوط پست فارس امروز رسید جهت خلایقانی خط رکن التجار و آقا



و آقا سید حسین و محمد ابراهیم خان و ناخدا رجب و صبیه شیخ حسین خان و شاه محمد و سید طه
و آقا محمد پسر آقا محمود و حاجی شیخ حسن و حاجی عبدالرسول بلبنانی و حاجی غلامحسین رودانی جهة
نگارنده خط آقا سید حسین و رکن التجار و ناخدا رجب و محمد حسن خان و جناب معتقد علیشاه
بوده خطوط بر جا نوشته شد خدایقانی باقتدار السلطان و میرزا محمد باقر خان و رکن التجار و آقا سید
حسن و ناخدا رجب نوشته نگارنده بر کمیع التجار و آقا سید حسین و آقا میرزا عبدالوهاب خان و آقا غلامرضا
و جناب معتقد علیشاه و شیخ عبدالنبی و محمد حسن خان نوشتم

**احوال بقعه متبرکه حضرت عبدالعظیم**

امامزاده واجب التعظیم حضرت عبدالعظیم از ابنای حضرت حسن مجتبی است احادیث متعدده
در فضیلت زیارت آن حضرت از معصوم وارد شده از آن جمله حدیث آتیه است
که من زار عبد العظیم فی الری کمن زار الحسین فی الکربلاء حالت آن حضرت در کتاب
مستطاب روضات الجنات مشروحاً مرقوم است اکابر سلف و بزرگان خلف آنچه
در حضور شئون آن حضرت از قبیل گنبد و ایوان مذهب و ابواب نقره و ارسی آینه
شده و غیره از خود بیادگار گذاشته صحن روضه مبارکه عبارت است از سه صحن
از جانب مغرب بقعه مطهره صحنین موسوم بصحن ولیعهد و صحن امامزاده حمزه و از جانب
مشرق صحن دیگر است متصل بمدرسه مخصوصه آن حضرت مستقله امامزاده طاهر از اولاد
حضرت سجاد در شمال صحن مشرق واقع رواق و گنبد از ابنا حضرت
اشرف والد سلطان مسعود میرزا ظل السلطان بنا نموده ابیات آتیه در کاشی فراز

فراز ایوان بقعه مرقوم

در عهد جهانبانی دارای زمان    سلطان زمان ناصردین شاه جهان
شهزاده فرخنده سلطان مسعود    فرزند رشید شاه ظل السلطان
فرمود سراج ملک راکن بعتیه    این روضه که رضوان شش بید ربانی
وصاف بیکمصرع گفت این تاریخ    بنیاد نو نهاد ظل السلطان

اطاق کوچکی متوصل برواق امامزاده طاهر دروازه آن از خاتم از موقوفات میرزا محمد خان سپهسالار حال مندرس شده

امامزاده حمزه از فرزندان حضرت موسی کاظم ع جانب راست بقعه حضرت عبدالعظیم و آن را مرحوم میرزا ابراهیم امین السلطان در صحن حضرت عبدالعظیم تعمیرات زیاد نموده در وسط ازاره کریاس ایوان شرقی حضرت عبدالعظیم فراز سنگ منقور است

چاکر خاص شاه ناصردین    میر دانش پژوه ابراهیم
خازن پادشاه آنکه بود    سرشت و بطبع و قلب سلیم
چون قدم زد براستی زنخست    رتبه قدر او فزود کریم
از تفقد امین سلطان شد    جست ازهم کنان خود تقدیم
چونکه توفیق حق رفیقش شد    گشت خادم شاه عبدالعظیم
بست ازجان کمر بتعمیرش    هم بیفزود بر بنای قدیم



می برافراشت صحن وایوان را    از حجر بس ستونهای عظیم
ساخت درجنب صحن مدرسه    که دراو اهل علم گشته مقیم
گفتم از بهر سال تاریخش    کرد تعمیر کعبه ابراهیم

کبار مدفونین بقعه مطهره محمود خان ناصرالملک و میرزا موسی وزیر لشکر و میرزا عبدالوهاب خان آصف الدوله و میرزا عباسخان قوام الدوله و حیران خانم و حاجی ملاعلی کنی وغیره مقبره شاه سرور شهید ناصرالدین شاه طاب الله ثراه در صحن ولیعهد ساخته میشود محمد حسن خان قاجار از مدفونین آن روضه مطهره است ولی مقبره او مشهود نیست

شرح سه شنبه دوازدهم    دمشب بتوفیق الهی بار رحیل بسته که از شب گذشته یاران را وداع کرده حرکت نمودیم منزل امروز خاتون آباد است مسافت چهار فرسخ ساعت نه بمنزل رسیده در کاروانسرا منزل کرده خاتون آباد قریه ایست صاحب پنجاه خانوار جمعیت و از توابع ورامین و از املاک خالصه و از دست جرات علامه خان امین همایون وسالیانه در دولت پنجاه تومان نقد و دویست و پنجاه خروار جنس از دیوان اجاره نموده و از رعیت معادل هردویست و پنج چهارصد دریافت میکند در قریه حمامی است غالب اوقات زنانه میشود مشروب مردم و زراعت اینجا از رود خانه جاجرود است و عمده زراعت اینجا جو گندم است مسافتی مغربی قریه امامزاده است موسوم بحمزه پسر حضرت رضا ع گنبد گلین وضریح چوبین اولیی محقر و قبرستان اهالی جنوب امامزاده واقع سنگ مزار منقور

منقور در هزار و دویست و دوازده در آنجا دیدیم وصل بگنبد اطاقی است فراز باب اطاق
و کتیبه مرقوم است وفات نوجهان در سنه هزار و صد و بیست و پنج اما کاروانسرا از
ابنیهٔ حاجی ملا علی کنی رحمه الله تعالی است و سی سال میشود ساخته شده شمال قریه واقع میرزا عبد الصمد
مستأجر خانه عباسعلی گمرکچی در حضرت عبد العظیم کاروانسرا را سالیانه در صد و بیست تومان
اجاره نموده دو باغ بیرون کاروانسرا کنار نهر واقع است کاه من تبریز دویست دینار جو ده شاهی
هیزم سیصد دینار گوشت دو هزار و ده شاهی نان یکهزار ذغال سنگ شاهی میفروختند خان
جان بیگ پسر یحیی خان چاپارچی سابق سفارت انگلیسها از آشنایان قدیم حالت سرکشی الله
خود تا خاتون آباد آمده از ما دیدن نموده

چهارشنبه سیزدهم

شرح چهارشنبه سیزدهم منزل امروز شریف آباد میگویند مسافت دو فرسنگ ولی
سه فرسخ میشود در حوالی خاتون آباد قراء چند پیدا بوده محمود آباد و چیتو و
کبود گنبد و قلعه جور خلاصه پنج از شب رفته حرکت نموده پس از فرسنگی مسافت
بقریه شاه پسند رسیده از مستغلات خاقان شهید کاروانسرائی آنجا ساخته
شده کنار رودخانه بلبیان یافته ساعت نه منزل رسیده در باغ نایب
فرود آمده دو باغ برابر یکدیگر از مستحدثات حاجی مصطفی قلی بیگ نایب اصطبل اعلی است
خداداد نامی در پنجاه و پنج دو تومان اجاره کرده چند اطاق در آنها برای اقامت
ساخته شده میوه جات آنها هنوز نرسیده لوقمون متعدد در باغ دیدیم اینجا



اینجا پرورش داده و بطهران برای نایب میفرستند شریف آباد از توابع ورامین و پنجاه خانوار جمعیت میشوند
شرب آنها از رود جاجرود و عمدهٔ زراعت آنها جو و گندم و اقسام میوه جات اینجاست سالیانه هشت
خروار جنس و سی تومان نقد مالیات میدهند چهار دانگ و نیم ده مالکی رعیت و دو دانگ و نیم ملک نایب مزبور
است حمامی و مسجدی مخروبه و دو سه کاروانسرا اینجاست دور از ده امامزادهٔ مدفون است
نان من تبریز یکهزار جو ده شاهی کاه صد و پنجاه دینار هیمه چهار صد دینار پنیر شش هزار مرغ قطعه دو هزار میفروختند

پنجشنبه چهاردهم

شرح پنجشنبه چهاردهم منزل امروز ایوان کیف مسافت پنج فرسخ است سه از شب گذشته
حرکت نموده ساعت نه منزل رسیده در خانه کربلائی شاه حیدر فرود آمده آخر قصبه واقع بود
ایوان کیف گویا ایوان کی بوده آثار خرابه ایام خالیه زیاد در حوالی آن دیده میشود طلا
شویان اشیاء عتیقه زیاد در آن مطمورها میابند رودخانه از میان قصبه گذشته و بدو قسمت قصبه را
تقسیم میکند عمدهٔ معموره جانب مغرب رود افتاده فراز رود پلی ساخته شده حالا رو بانهدام
نهاده چند کاروانسرا و حمام و مسجد و سه امامزاده در دو یخچال و دکاکین متعدد در قصبه است
سالیانه سیصد تومان نقد سیصد خروار جنس مالیات اینجاست ایوان کیف تیول غلام حسین خان
امین خلوت وزیر دربار است میرزا علیخان میرپنجه برادر زن امین خلوت اینجا حکومت
میکند تلگرافخانه دولتی اینجاست اسعار از قرار منزل قبل میفروختند بعینه سیم تلگرافچی از ملاقات نمود

جمعه پانزدهم

شرح جمعه پانزدهم منزل امروز قشلاق است مسافت پنج فرسخ است سه از شب رفته حرکت
نموده فرسنگی تمام راه مسطح و هموار بوده پس از آن راه میان دره و کوه افتاد فراز و نشیب زیاد داشته

پس از دو فرسنگ باز راه خوب هموار شده ساعت ده بمنزل رسیده در باغ شمس الدوله فرود آمده چادر زدیم
قشلاق از توابع خوار است قریه آباد و معتبر است آب آنجا شور مزه حمام و آب انبار و دکاکین چندانی است
کاروانسرائی قریب بده بوده قهوه خانه ... و کاروانسرا واقع است سرکار شاهزاده شمس الدوله صبیه سلطان احمد
میرزا عضدالدوله زوجه خاقان شهید کاروانسرا را در سیصد تومان باغ را در هفتاد تومان اجاره داده
حکومت خوار با صدیق الممالک است از جانب ... میرزا ... الممالک نیابت آنجا را میکند

شنبه سیزدهم

شرح شنبه سیزدهم منزل امروز ده نمک است مسافت هفت فرسخ است ساعت دو حرکت
نموده دو فرسخ میان باتلاق میرفتیم دو ساعت پس از آفتاب بمنزل رسیده در اطاق تمیز بالای
فراز بام قهوه خانه بوده در آنجا فرود آمدیم کاروانسرای از ابنیه شاه عباس معروف بمنزل است ده
و آب انبار شرقی واقع آب انبار آنجا چهل و چهار پایه و از آب قنات پر میشود سه چهار رشته
قنات مشروب مردم و زراعت اینجا است چاپار خانه برابر ده واقع است ... قورخانه
حضرت ... امروز نوشتن مطبع جدیدی در هندوستان در سال هزار و سیصد و سه سوخته باز
آنرا تجدید نموده ... بکسر زیاد شور بوده نان من ... تبریزی ... گوشت ... جو ... کاه ... مالیات ...
قطعه الف ... میفروشند

یکشنبه چهاردهم

شرح یکشنبه چهاردهم منزل امروز لاسجرد است مسافت هفت یا هشت فرسخ ساعت
دو حرکت نموده ساعتی پس از طلوع آفتاب بمنزل رسیده در خانه مشهدی ... فرود آمده لاسجرد
به ... معجزه نیز مشهور است گویا اصل آن ... بوده در ایام ... از اشرار و سارقین



و سارقین ترکستان فراز کوهی بلند اهالی قریه اقامت میکردند خود را محافظت مینمودند چند سال است که ترکمانها
دولت بهیه روس تادیب کرده مردم را آسوده کرده قلعه را گذاشته شمالی آنکوه خانها آراسته
و سکونت میکنند ده حمام و دو مسجد و حسینیه و باغات زیاد و چند آب انبار در ده است دو گنبد
مشرقی قلعه قدیم است گنبد قریب قلعه متروک و مخروبه شده مدفون آن معلوم نبوده ...
در دیوار آن اشعار زیاد نوشته انتخاب آن دو بیت آتیه است

شنیدستم ز صیادان دانا — که ماهی را بدام و شست گیرند
جوانمردان عالم را چه نقصان — ز پا افتاده را دست گیرند

گنبد دیگر که تازه تعمیر یافته دو سید آنجا مدفونند سید محمد رضا و سید علی اکبر ضریح هر دو
چوبین است محمدعلی نام شاهرودی در سال هزار و دویست و هفتاد و دو انداخته تاریخ
اتمام ... در ضریح منقور است دروازه از درون گنبد سنگ مزاری منصوب در آن
نوشته شده وفات ملا ابراهیم در سنه ۱۲۷۹ مسافران وارده بر در و دیوار گنبد بیتها
و سرگذشتها نوشته انتخاب آن مرقوم میشود

ملک گفت نقاشان چینی — که تا بر دامن حشر که نویسند
بدان را دوست دارید ای عزیزان — که خوبان هر کجا هستند عزیزند
همتی بدرقه راه کن ای طایر قدس — که دراز است ره مقصد و من نوسفرم
نزلنا ههنا ثم ... تحللنا — کذا الدنیا نزول وارتحال

تاریخ مرقومات در و دیوار امامزاده از هزار و دویست هشتاد و نه تجاوز نموده کاروانسرائی
محکم از ابنیهٔ شاه عباس شمال امامزاده برپا حوالی امامزاده قبرستان اهالی است لاسجرد
از موقوفات حضرت حق است سالیانه هزار تومان نقد و پانصد خروار جنس محصول حضرت
است مردم اینجا سرانه بدیوان میدهند تنی یکتومان و دویست نفر هستند آب اینجا از
چشمه گرفته میشود میرزا عبدالوهاب خان از جانب حکومت سمنان ضابط اینجا است گوشت
من تبریزی [illegible] نان [illegible] هیمه [illegible] ذغال [illegible] کاه [illegible] جو [illegible] میفروختند
شرح دوشنبه هجدهم    امروز وارد سمنان میشوم مسافت شش فرسخ دو از شب گذشته
حرکت نموده پس از دو فرسخ بقریهٔ سرخه رسیدیم از آنجا تا بمقبرهٔ علاءالدوله سمنانی
یک فرسخ میشود مقارن دسته وارد منزل شده فاتحه از بلده در باغ شاهزاده ابوالنصر
میرزا ضیاءالدوله پسر بهمن میرزا اقامت کردیم شاهزاده در ایام حکومت خود
در حدود هزار و سیصد باغ را احداث نموده حوضخانه و سردر ملوکانه در باغ ساخته
دو کاروانسرا و قهوه خانه و آسیائی از مستغلات شاهزاده میان باغ و شهر
واقع باغ و املاک مزبور سالیانه در هفتصد و پنجاه تومان اجاره داده باغ از عمارت
مجدده خود شاهزاده سیراب و نیم فرسنگ آب آن میشود میان باغ و شهر میدان
اسبی بیش نیست میرزا علی اصغر خان سرتیپ رئیس تلگرافخانه از ما دیدن کرده [illegible] یافته
شرح سه شنبه نوزدهم    رفع خستگی امروز در اینجا اتراق کرده و از میرزا علی اصغر خان

دوشنبه هجدهم
سرخه [illegible]
[illegible]
[illegible]
سرخه

سه شنبه نوزدهم



علی اصغر خان بازدید نمودم بلده سمنان از بلاد معظمه بشمار آید سی هزار نفر جمعیت آن میشود غالب در
طریقهٔ اخباریین هستند سه حمام و چهار دروازه و دو مسجد معتبر مسجد جامع و مسجد شاه و ارک حکومتی
مفصل اینجا هست مسجد جامع یعنی میگویند در حدود هشتصد ساخته شده از کردی شنیدم حضرت
امام حسن مجتبی ع در آن اقامت صلوة بسته آنچه از کتاب معلوم میشود در سلطنت صفویه
برپا بوده در هزار و پنجاه و نه مرمت یافته مسجد شاه را سید حسن نامی از متمولین اینجا ساخته
بنام خاقان مغفور تمام نموده مصرع مزبور در ستون ایوان فراز کاشی مرقوم است
شد از فتحعلی شه اسم بسمنان کعبه برپا    اتمام بنا در هزار و دویست چهل و دو بوده قصیده
روی سنگ مرمر منقور است فراز طاق دروازه منصوب است مطلع آن مرقوم میشود
چه باشد آنکه معنی چه باشد فتنه دریا    کف بخشنده خاقان دل رخشنده دارا
مسجد مزبور از جمله مشهور و معتبر دنیا است امثال او معدود است درباره او گویند
حیف از این مسجد که در سمنان بود    یوسفی ماند که در زندان بود
هر دو مسجد قریب یکدیگرند هذه السنه کیومرث میرزا عمیدالدوله پسر جهانبانی میرزا حکومت
اینجا میکند حاجی ملا [illegible] امام جمعه اینجا است در مشرب اخباریین است قطعهٔ سه
مشهوره اینجا آیا نخته فقیر که می باید رسید الخ در هجو سید حسن بانی مسجد شاه
و تاریخ اتمام بنا گفتگان مسجد ساخته شد همین بنا که کردی سبب بلکی رفت
مصرع تاریخ آنست هزار و دویست و پنجاه و سه میشود شرب زراعت اینجا از آب رودخانه

رود خانه و محصول آنجا جو و گندم و تنباکو و پنبه و تریاک و غیره

چهارشنبه بیستم

شرح چهارشنبه بیستم بمناسبت آنکه امروز اربعین بوده ما ز استراق نموده میرزا علی اصغر خان برای موادعه و میرزا محمد هادی بملاقات آمده میرزا محمد هادی از بزرگزادگان بلده کازران و سالها نزد ما استخدام داشته حالا در دستگاه شاهزاده رکن الدوله مستخدم حالا در رکاب رضا قلی میرزا رفعت الدوله به تربت میرود

حالت مشتاق سمنانی

میرزا حسین از اهالی بلده سمنان از ادباء آن شهر محسوب میشود سی و هشت سال از زندگانی او گذشته و تاکنون الفر لقب و مشتاق تخلص اوست پدرش از زرازان آن دیار بوده در ایام طفولیت مشتاق در گذشت چندگاهی نزد عم خود بکسب مشغول عاقبت از علو طبع دست از آن کسب و کار کشید و خود را در زمره ادبا کشانید ~~ایام توقف~~ نگارنده ایام توقف در سمنان است و مجالست او روز گذاشت هرچه از ابیات نادره از خود و دیگران بر من خود خواند نوشته میشود

از مشتاق

اشعار مشتاق

زچشم مور ضعیف است شکتر دهنش | بحیرتم که برآید چه سان زلب سخنش
مرا کفن ز غمش آید بدیده خواهد شد | چه کرم پیله که گردد لعاب او کفنش
آب دانی زچه گریان شده در فصل بهار | پس برافلاک شد از خاک بخار من و تو
خیز کز برده دل زار بنالیم چو تار | عنقریب آنکه نبود است و ستار من و تو



باده باید زکدوی سر جمشید خوریم | تا شود شیر فلک طرفه شکار من و تو
کس حکم بر قیام قیامت نمیکند | این حل مشکل از تو بقد رسا کنی
مار گیسوی تو چون ماهی از لطف نسیم | میکند در یم حسن تو شناه عجبی

ایزدی

از شیخ محمد خان ایزدی کازرانی

بزرگی وجهی و کاردانی | بنازند از نظام الملک ثانی
ولی دانند دانایان اسرار | که موسی ناگزیر است از شبانی

شوکت

از میرزا اسحق خان شوکت منشی سفارت عثمانی

ببال ای تخت جم تاج کیانی | که ذوالقرنین شد دارای ثانی

حاجب

حاجب میرزا حیدر علی از اهل فضل شیراز و از پیروان طریقه ذهبیه سالها در بوشهر و دشتی روزگار برده چند سال میشود که در طهران سکونت اختیار نموده از اوست

دختر رز صد مسیح از یک شکم بی شوهر زاد | تا نگوئی این اثر با دخت عمران است و بس

غارت

غارت ابوالقاسم خان از سلسله جلیله قاجار از عزلت گزینان روزگار بوده از اوست

آمد از باز وای بر من و دل | میرود باز وای بر من و دل
یکدو خشت از سر خم جوشش گنداخت بچرخ | نام بنوشت منجم بغلط مهر و مهش

فخری

از مرحوم غفران مآب حاجی میرزا آقاسی صدر اعظم فخری تخلص

صبح شد باز وای بر من و دل | طی نشد راز وای بر من و دل

سرائی

سرائی شیرازی چندگاه در مشهد سکونت داشته باز بوطن برگشته هنوز در آن بلده زیست میکند

آنچه با عمان عطای صدر اعظم میکند — کافرم گر آفتاب آن را شبنم میکند

اشعار متفرقه

## اشعار متفرقه

درویش تو خضری و دوات ظلمات — ماهی قلم و مرکبت آب حیات

اسکندر ملک هفت اقلیم خطی — چون ختم پیمبران بخطت صلوات

بحیرتم که فلاطون ز خجلت آب نشد — بخم نشیند (بگو که) گشت و فلاطون شد شراب نشد

ای سلسله مو دستی بر طره پرخم زن — یک سلسله مو بکش صد سلسله بر هم زن

سر کوی دلبر من بحریم کعبه ماند — که ز هر طرف درآئی بتوان نماز کردن

در سلاطین صفویه

## در سلاطین صفویه

این خط جاده که بصحرا نوشته اند — مردان رفته با قلم پا نوشته اند

لوح مزارها همه سربسته نامهاست — کز آخرت بمردم دنیا نوشته اند

شاهزاده ضیاء الدوله بنا کننده باغ وفین سکونت داشتند زندگانی اش بهفتاد و پنج رسیده و در بلده دار الخلافه طهران بار اقامت کشیده دو بقعه از دو امامزاده واجب التعظیم در بلده سمنان موجود تسعیر اسعار از قرار ذیل است برنج من تبریز دو هزار دینار و گوشت دو هزار دینار نان دو شاهی روغن نه هزار جو دو شاهی فروش میرود خطوط چند بآقا میرزا جهانگیر خان و جناب



و جناب فرصت و میرزا عباس خان و رکن التجار و آقا سید حسین و آقا غلامرضا و معتقه نوشته بمیرزا مشتاق سپرده روانه کند

پنجشنبه بیست و یکم

شرح پنجشنبه بیست و یکم منزل امروز آهوان و مسافت شش فرسنگ است مقارن غروب آفتاب حرکت نموده دو فرسنگ از راه مسطح و هموار بوده چهار فرسخ دیگر تمام میان جبال و دره و نیز ازار باید رفت ساعتی پس از طلوع آفتاب بمنزل رسیده کنار رجو و اشجار بید چادر زدم کاروانسرائی مخروبه در برابر بوده از عهد دو هزار و چهل و نه الی هزار و دویست و پنجاه و چهار تاریخ نوشته جات مسافران در در و دیوار او دیده میشود برابر او کاروانسرای جدید البنا برپا میان دو کاروانسرا چاپارخانه ساخته شده چشمه آب گوارائی پنجاه قدم دور از کاروانسرا جوشیده قلیل آب آن مشروب مردم است فرسنگی شمال کاروانسرا قدمگاه حضرت امام رضا علیه السلام است حکایت مشهور و منسوب بآن حضرت و آهو در آن مقام بوده چند نفر از مردم کرمانشاه آنجا دیدم

[illegible] کتیرا

بگرفتن کتیرا مشغول بودند تمام مرز دور تجارند تپه است شبیه بکنگر نخست دور آن تپه را از خاک خالی نموده پس از آن ساق تپه را تیغ زده پس از سه روز میروند آنچه کتیرا از شکاف تیغ بیرون آمده جمع میکنند پس از سه روز دیگر باز میروند از هر تپه سه چهار بار کتیرا میگیرند کتیرای آهوان را در دویست تومان اجاره کرده و دوازده خروار از آن اراضی کتیرا جمع نموده میگفتند تا سه سال دیگر تپه

تهاء تیغ زده کتیبه امید هند شنیدم هرگاه بته را از ابرو ساقی را تیغ زنند کتیبه امید دهد

جمعه بیست و دوم

شرح جمعه بیست و دوم منزل امروز قوشه و مسافت شش فرسنگ تمام سرازیب باید رفت پس از نماز مغرب حرکت نموده مقارن طلوع آفتاب وارد و در سردر کاروانسرا منزل کردیم دکان علاف و بقال و خباز و قهوه خانه و آب انبار و اصطخر آب و چاپارخانه برابر کاروانسرا و قلعه که رعایا در آنجا هستند از عقب کاروانسرا افتاده سنگی در طاق دروازهٔ کاروانسرا منصوب و فقرات آن منقول است

بسم الله تعالی بانی بر تجدید تعمیر این بنیاد که خیرات ابدی بنیاد شد برید توفیق آثار جناب اشرف الحاج والتجار حاجی میرزا علی نقی تاجر کاشانی جار بکردید سنه ۱۲۷۶

داوری از مردم ده ملا چند بیت از خود در سنه ۱۲۹۷ در ازاره اطاق سردر نوشته مرقوم میشود

اگر از ظالم نالم نکن منعم که حق دارم | کسی از بهر دلجوئی سلام ما نمی آید
بمسجد جمع اهل مذهب بمعنی اقتدا کردم | صف ما بسته شد اما امام ما نمی آید
تو تا کی بر در این باغ باشی زار و سرگردان | برون بار دگر قائم مقام ما نمی آید
مدامی منزلی ای داوری میجوئی زین منزل | که آخر کوچ باید کرد مقام ما نمی آید

ایضاً منه

ز چشم زلف یار بی ترسم | بیدلم من ز ماری ترسم



نام داوری اسمعیل بوده آنجا نان من تبریز هفتصد و پنجاه دینار جو یکقران کاه سه شاهی هیمه دویست دینار مرغ قطعه دو هزار سیفر و فلشد ق امروز اول برج اسد نوشته

شنبه بیست و سیم

شرح شنبه بیست و سیم امروز بدامغان میرویم مسافت شش فرسنگ است دو از شب گذشته حرکت نموده مقارن طلوع آفتاب وارد در خانه سید زین العابدین متولی امامزاده جعفر فرود آمدیم خانه سید متصل به بقاع امامزادگان آقا و شاهزاده محمد بقعه امامزاده جعفر پسر حضرت سجاد بنا و گنبد و بارگاه در سلطنت گورکانیه و آنچه کاشی در اینجا بکار رفته تمام شکسته و برده اند تنها دو جانب ایوان مدخل بقعه کاشی آن باقی است در میان کاشیها دو سنگ برابر یکدیگر منصوب و در یکی از آن دو فرمان سیورغال دامغان بسید رضی الدین علی و رفع بعضی عوارض دیوانی از آن بلده منقور و در دیگری صورت وقف نامچه نصف قریه دهو منقوش است وقف نامچه مورخه غرهٔ محرم سال هشتصد و یازده است در آستانه بقعه مقبرهٔ شاه طاهر نامی است فراز قبر آن صندوقی از سنگ گذاشته ابیات چند هم از آن سنگ نوشته شده بیتی از آن نوشته میشود

۹۶۷

چه موت شاه طاهر گشت ظاهر | شد تاریخ موت شاه طاهر

در ازاره از درون بقعه الواح چند مرتسم اسامی صاحب الواح و تاریخ وفات آنان نوشته میشود مرتضی علی سلطان سال هزار صد و شصت

صد شصت و شش صابر علی سال هزار و دویست شصت محمد ابراهیم بیک پسر نخفف خان تاریخ فوت
دخل الجنة سال هزار و صد هیجده عباسقلی خان سال هزار و صد شصت و شش جهر
الله خانم دختر میرزا محمد کاظم اشتهار در سال هزار و صد و پنجاه و یک وصل با یوان و تا
قی است معلوم نیست چه بوده فراز دروازهٔ آن بکاشی مرقوم است بنا هذه العماره فی ایام
دولة السلطان الاعظم شاهرخ بهادر خلد الله ملکه در در و دیوار امامزاده روندگان یادگار
زیاد از ابیات وغیره نوشته انتخاب آن نوشته میشود

پیدا چو گهر ز قطره آب شدیم | وانگاه نهان چه در نایاب شدیم
بودیم بخواب در شبستان عدم | بیدار شدیم باز در خواب شدیم
در مرتبه علی نه چون هست و نه چند | در خانهٔ حق زاده باقبال بلند
پیغمبر که خانوادهٔ دارد | شک نیست که باشدش بجای فرزند
بر چرخ مکن تکیه که لطفش قهر است | مستان کفش باده که نوشش زهر است
داماد عروس چرخ بر مهر مباش | کین فاحشه را خون عزیزان مهر است
شرمنده مشوی زبرم ای اجل برو | ما بی رضای دوست بکس جان نداده‌ایم
مرا بروز قیامت غمی که هست این است | که روی مردم عالم دوباره باید دید
اجل کجاست که بر هم زنیم سلسله را | رها کنیم حریف نابمعامله را
درون دیده تو خجم تو مردمان هستند | که در میان حرم میزنند قافله را



غزلی از یغما پسرش میرزا ابراهیم دستان نوشته مطلع و مقطع آن نگارش یافت

ما خراب غم و خم خانه ز می آباد است | ما صحیح از باده سخن کن که نصیحت باد است
هر که یغما شنود ناله گرم گوید | آهن سرد چه کوبی دلش از پولاد است

ضریح امامزاده همان ضریح چوبین قدیم است مغربی صحن بقعهٔ امامزاده محمد است میگویند پسر حضرت
موسی است تاریخ نگارشات مردم در مزار امامزاده محمد در سال هزار و صد و هفده قرن ترندیم
شمال بقعه امام زاده جعفر بقعه بوده هنوز بهمان آثار قدیم باقیست و دروازه آن را متولی سنگ گرفته
میگویند مقبره فرزندان امیر تیمور است دامغان از بلاد معظمه قدیم بوده حال مخروبه و بایر است خدا امراده
دیگر آنجا مدفونند ع قاسم وغیره رودخانه از کنار شهر میگذرد و در کنار آن پل مخلص بسته شد تاراج
والا محمد باقر آذری و شیخ مهدی مخلص تخلص از شعراء عالیه دامغان هستند آذری گوید

آذری گوید

خیل الم زد بر دل شبخون | از دیدگان موج خیزد چه جیحون
چون مرغ بسمل در خون طپیده | شهد شهادت از جان چشیده
از ما سوی الله دامن کشیده | بر چهره‌اش از نکبت ده دیده

تاراج فرماید

تاراج فرماید

شها زعفت آدم و حوا گزید | کرامت و شوکت جمله اشیاء گزید
یکسر همه پنهان گزید و پیدا گزید | چرخ فلک و این توده غبرا گزید
گل گزید و بلبل گزید و مینا گزید | مه گزید و گردون گزید و بیضا گزید

یکشنبه بیست و چهارم

شرح یکشنبه بیست و چهارم منزل امروز ده ملا و مسافت شش فرسنگ پس از نماز مغرب
حرکت نموده پس از دو فرسنگ بقریهٔ مهمان دوست و طلوع آفتاب بمنزل رسیدیم باغ باقر
نام فرود آمدیم ده ملا را قریهٔ معتبر و آباد دیدم یخچال و حمام و تکیه و تمام مایلزم معموره
آنجا هست یخ من تبریز دو شاهی گوشت دهزار دو شاهی نان هفتصد دینار میفروشند
میان قوشه و دامغان دو قریهٔ معتبر امیرآباد و دولت آباد دیده میشود

شرح دوشنبه بیست و پنجم

شرح دوشنبه بیست و پنجم امروز وارد شاهرود میشویم مسافت چهار فرسنگ و سه از شب
رفته حرکت نموده قبل از طلوع آفتاب بمنزل رسیده در کاروانسرای باغ کربعلی اکبر فرود
آمده بیرون شهر مسافت اندک واقع آقاحاجی علیمراد تجار همدانی بزیارت مشهد رفته در شاهرود
گرفتار اسهال شده اطراق نموده در همین کاروانسرا مقیم است میرزا صالح معالجهٔ او
میکند طبیب دولتی است

۲ در راه حجة مسعود شد بخوبی از حرکت ندرود تکلا گفته

شرح سه شنبه بیست و ششم

شرح سه شنبه بیست و ششم رفع خستگی امروز در شاهرود اطراق نموده از آقا محمد حسن پسر
حاجی اسمعیل از تجار شاهرود در سرای حاجی طالب حجرهٔ اوست ملاقات کردم

شرح چهارشنبه بیست و هفتم

شرح چهارشنبه بیست و هفتم امروز ساعت نه از شاهرود حرکت نموده منزل میامی
مسافت ده فرسنگ در شاهرود گوشت من تبریز دوهزار نان ده شاهی یخ هفت شاهی قند
دو عباسی هیمه دویست دینار جو دو شاهی کاه صد دینار میفروشند جهانسوز میرزا پسر خاقان مغفور
فتحعلی شاه حکومت شاهرود را دارا گرفته از شاهرود تا بسطام فرسنگی بیش نیست از بندر جز تا

جز رودن کن



تا استرآباد هجده فرسنگ و سه منزل میشود

شرح پنجشنبه بیست و هشتم

شرح پنجشنبه بیست و هشتم پس از دو فرسنگ بقریهٔ خیرآباد رسیدیم سابق آباد بوده هجده رشته قنات
داشته تمام بایر و مخروبه شده در هزار و سیصد و اند مرحوم میرزا عبدالوهاب خان آصف الدوله آنجا را
مرمت نموده قنات مشهور بآصفیه شقیه کرده قهوه خانه و کاروانسرا و سه باغ و قلعه ساخته
سی خانوار جمعیت قلعه میشود قریهٔ حسن آباد به نیم فرسنگ از دست چپ پیداست پس از
پنج فرسنگ بقهوه خانه و آب انبار پس از نیم فرسنگ بقهوه خانه دیگر سه ازرو رفته منزل رسیدیم در خانه
میرزا باقر فرود آمدیم سه فرسنگ بمیامی نرسیده تا بمیامی از دست راست قراء چند پیدا

شرح حال مادام انگلیسی

میشود میرزا باقر صاحب منزل وفات یافته فرزندان متعدد از او باقی است سید اسمعیل
ارشد فرزندان اوست در ستون حجره از حجرات منزل ما خانم انگلیسیه بخط فارسی پاکیزه
شرح حال خود نوشته عین آن مرقوم میشود حالات کمینه اسم ویکتوریا در انگلستان معروف
بمادام انگل در اسلامبول مشهور بخانم اسلامبولی پدرم حیدر پاشا بودم در گذشته در سن
هفت سالگی در حالتیکه به سه زبان نطق میکردم مادرم به پدرم ملحق شد از بابت نزول پولیکه
پدرم در بانک انگلیس گذاشته بود هر روز چهل و پنج لیرهٔ انگلیسی میگرفتم در سن ده سالگی بخیال گردش
حرکت نموده از لندن بپایتخت ممالک حرکت در دو سال اکثر اروپ را گردش نموده
باسلامبول آمدم مشغول تحصیل ترکی و فارسی شدم سه سال تحصیل نموده فارغ التحصیل شدم
آوازهٔ حسنم اسلامبول را پر نمود شوهر اختیار نکرده بمصر حرکت نمودم در مصر خودم گرفتار

گرفتار شاهزاده گردم دو سال اغتشاش حوزه را بدل نموده تا بوصال رسیدیم یکسال هم خوش بودیم
آخر بیوفائی کرده من هم از طرف بشیراز و از شیراز بطهران آمدم دو ماه توقف نموده بخیال
سیاحت روسیه عازم خراسان تا باین منزل نزول اجلال شد از کثرت درد دل بقول
ما سر انتها الکفار درد خویش بدلدار میگویم الغرض که اغتشاش پدرم را تلف نموده همه روزه
پانزده لیره انگلیسی که چهار و پنج لیره عثمانی باشد از بانک دریافت میکنم بتمام فرزندان
آدم عرض میشود با هیچ کس بحد گرفتاری دوستی ننمائید ۱۳ ۱۸۹۲
شخصی در حاشیه خط خانم مزبور شرحی درج کرده در اختتام آن بیت آتیه را نوشته
از بهر نشانی همه کس نام نویسد    من گمشده عشق توام نام ندارم
کاروانسرا و چند خانه و چند دکان و چپرخانه میان منزل و قلعه واقع و فراز دروازه
کاروانسرا در حاشیه منقورست    در زمان دولت روزافزون و ابد مقرون پادشاه
جم جاه ملایک سپاه سلطان الاعظم خاقان المعظم مالک رقاب الامم ملک العرب و العجم السلطان
بن السلطان بن السلطان شاه عباس الثانی الصفوی الموسوی الحسینی بهادر خان خلد الله
ملکه و سلطانه فاض علی العالمین برّه و عدله و فانه بنده درگاه اغورلو امیر دیوان اعلی بانی
این بنیان خیر بنیاد شد فی سنة اسابع و ستین بعد الالف کتبه ... ق
رحلت حضرت رسول ص و شهادت حضرت امام حسن مجتبی ع امروز نوشته
شرح جمعه بیست و نهم    امروز در سیاحی الطراق نهار مهمان صاحب خانه

جمعه بیست و نهم



صاحب خانه بودیم آش رشته پاکیزه ساخته بودند
شرح شنبه سلخ صفر الخیر    منزل امروز میان دشت و مسافت شش فرسنگ مقارن غروب حرکت
نموده پس از فرسنگی بقهوه خانه پس از دو فرسنگ بده هنه رسیدند سابق اشرار ترکمان مردم را در همین مقام
تاراج و قتل و غارت مینمودند ساعت سه بمنزل رسیده در سر در کاروانسرا فرود آمده کاروان
سرا از ابنیه حسین خان نظام الدوله پدر علیرضا خان آصف الدوله عالیه و در سال هزار و دویست
نود بنیان نموده و ابیات چند فراز دروازه منقور مطلع و مقطع آن مرقوم میشود
منت آن ذات مقدس را که از صنعش جهان    جاودان بر پا بهفت اورنگ و چار ارکان بود
زد رقم کلک صبوری از پی تاریخ سال    از نظام الدوله این بنیاد جاویدان بود
ابیات آتیه در در و دیوار سر در رباط از رهروندگان نوشته
شاهان جهان که این جهان داشته اند    بنگر که از این جهان چه برداشته اند
هر تخم که در زمین ضمیر در وند    در روی زمین بدست خود کاشته اند
نوشتیم بر در و دیوار هر منزل غم عشقت    که شاید یکنفری روزی بیاد آرد ز غربت ما
رباط مزبور از حیثیت رصانت و حصانت و وسعت و فسحت نظیر آن نادرست
کاروانسرای قدیم برابر همین کاروانسرا و هنوز دایرست و رعایا در آن اقامت
میکنند در سال هزار و دویست نود و یک حاجی محمد نقی تاجر کاشانی مرمت آن نموده سنگ
تاریخ اتمام ترمیم در بغل دروازه منصوبست از حیثیت آب امروز بدگذشت

شنبه سلخ شهر صفر المظفر

اینجا چهار آب انبار ساخته شده که در تنگ آنها چشمهٔ آب جوشیده آنها پر میشود ولی
تلخ و ناگوار است تلگرافخانه و چاپارخانه مخروبه اینجا است جمعیت
تقریباً سی خانوار میشود گوشت منی دو هزار و دهشاهی و نان دهشاهی و جو دهشاهی
می فروشند

یکشنبه غرهٔ ربیع الاول

شرح یکشنبه غرهٔ شهر ربیع الاول منزل امروز عباس آباد مسافت پنج فرسنگ
است پس از نماز مغرب حرکت نموده قبل از طلوع آفتاب بمنزل رسیده در قلعهٔ
کوچکی نامی فرود آمده بد قلعه نیست شرب مردم از آب قنات است کاروان
سرا و آب انبار و حمامی از ابنیهٔ صفویه اینجا است هنوز دایر است چند خانوار جمعیت
اینجا میشود مشهور است شاه عباس صفوی آنها را از تفلیس کوچانیده اینجا اقامت
داده سالیانه پنجاه تومان نقد و هفتاد خروار جنس معاش آنها قرار داده
و هنوز از دیوان دریافت میکنند ضمناً وفات ابومحمد حسن عسکری در سال
دویست و شصت سنه هجرت حضرت رسول ص از بطحا بیثرب امروز نوشته
در دیوار اطاق سکونت خوانکانی در زیر آن ماده تاریخ مزبور نوشته و هر کس خواسته و تاریخی
و دری و قلب و تصحیف زلعی یار خوام چند شرقی آنرا حل نموده
دو نوشتم چند شرقی غربی است تصحیف او عربی قلب او ربیع دری او
بهار تصحیف او نهار و نهار را یوم گویند قلب یوم موی تازی او شعر قلب او



قلب او عش دری او خانه تازی او دار قلب او راد تصحیف او زاد دری او
توشه تصحیف او بوته میشود که از لب یار خواسته از عباس آباد بجوین دو منزل هشت فرسخ
است اشیاء مصنوعه از سنگ جوینی از قبیل تسبیح و غیره اینجا بسیار است و ارزان میفروشند
چاپارخانه اینجا است

شرح دوشنبه دوم منزل امروز مزینان و مسافت هفت فرسخ است یک از شب گذشته حرکت
نموده پس از دو فرسنگ بقهوه خانه پس از چهار فرسنگ بقریهٔ صدرآباد پس از پنج فرسنگ بقهوه
خانه دیگر رسیده از قریهٔ سویز و بهمن آباد گذشته ساعت ده منزل رسیدم در سر در رباط فرود
آمده میان قریتین مزبور و مزینان میدان اسبی بیش نیست رباط را در سال هزار و شصت
و چهار حاجی محمد پسر شمس الدین محمد اصفهانی بنا نموده حاجی علینقی تاجر کاشانی مرمت آن
کرده میان مزینان و بهمن آباد دو بقعه یکی مدفن حسین پسر رضا است بنای قدیم هنوز باقی
بقعهٔ دیگر مرمت یافته و مخروبه است لوح مزار منقور در سال نهصد و نود و دو بیرون
بقاع دیدم آثار بیوت مخروبه در حوالی بقاع زیاد است گوشت من تبریز دو هزار جو تبریزی
هزار کاه ده من یکقران نان منی دهشاهی هیمه شاهی قند یکهزار میفروشند مزینان
از توابع سبزوار است هادی خان تلگرافچی اینجا است مشهدی ابوالقاسم نامی در دهلیز رباط دکان بقالی داشته
شرح سه شنبه سیم منزل امروز صدخرو است مسافت چهار فرسنگ سه
از شب گذشته حرکت نموده در وسط راه برکه بوده ساعت نه منزل رسیده

منزل رسیده در خانهٔ سید رضا نامی فرود آمده شرب مردم و زراعت از آب رود است زراعت
آنجا جو و گندم و پنبه و مالیات از هر زوجی آن سی تومان و زنهای آنجا خود کرباس بافند و عبا کنند
مسجدی آنجا است از آثار قدیمه آن محراب و ایوانی با قیمت بقعه است شریفه نامی
الجاهر خونست مشهور است خواهر حضرت رضا است دو سنگ آسیاب دایر و آب انبار و حمامی
نیز است گوشت منی ده هزار دینار است جو سه من یک قران نان سه من دو هزار کاه ده من یک قران
میفروشند حاجی ملا رجب علی معین الشریعه شرعاً و عرفاً حکومت آنجا را میکند

چهارشنبه دهم

شرح چهارشنبه چهارم منزل امروز ریود و مسافت چهار فرسخ سه از شب گذشته حرکت کرده
ساعت نه منزل رسیده در باغ میر سیف الله فرود آمدیم امشب پس از فرسنگی بقریه مهر رسیده
کاروانسرای آنجا بوده غالب مسافرین در صدد خرو بنید اخته بمهر میروند و از مهر به سبزوار
رفته مشهدی محمد باقر مستاجر باغ مرد آراسته معقولیت باغ را در هفتاد تومان اجاره نموده
شرب اهالی آنجا از آب سوخانه و مالیات تقریباً هشتصد تومان ملیتو ریود در السنه
عوام بریوند مشهور است ف ولادت خاقان چین در سال هزار و هشتصد و هفتاد و دو
میلادی در هذه السنه مطابق دوم بهمن ماه نوشته

پنجشنبه پنجم

شرح پنجشنبه پنجم امروز وارد سبزوار میشویم مسافت چهار فرسنگ است سه ساعت
از شب رفته حرکت نموده پس از دو فرسنگ با آب انبار و قهوه خانه رسیده قریه سدیر برابر
قهوه خانه مسافت دو میدان اسب واقع فردوسی در شاهنامه محاربه رستم و سهراب



و سهراب در میدان همین قریه و ربیعه منزل روز گذشته نوشته پس از سه فرسنگ بقهوه
خانه دیگر رسیده مصطفی و منار آنجا بوده چند قدم فرود قهوه خانه بقعه بوده معلوم ننمایم
از کیست میدان اسبی دور از شهر بکاروانسرایی از ابنیه سالفه و قبرستان قدیم مردم سبزوار
رسیده از دروازه عراق درون شهر شده از بازار گذشته و از دروازه نیشابور از شهر خارج
و در سر قبرآقا فرود آمده منزل کردیم قبرآقا عبارت از مقبره مرحوم رئیس المتألهین
حاجی ملا هادی سبزواری طاب ثراه است تعریف مرحوم حاجی از قوهٔ نگارنده بیرون
و از طاقت بنده افزون است تألیفات منیف و تصانیف مفیدهٔ آن
مرحوم بر جلالت و شوکت آن بزرگوار دلیل کافی و گواه صادق است آثارنا تدل
علینا مقبره از ابنیه مرحوم مستوفی الممالک است در وسط گنبد مرحوم حاجی مدفون است
دور قبر ضریح چوبین ساخته شده شش حجره اطراف گنبد بطبقات یافته شهربانو زوجهٔ حاجی
حاجی فراز آن مرحوم و آخوند ملا محمد پسر آن مرحوم جانب جنوب از درون گنبد و محمد
اسماعیل پسر دیگر آن مرحوم پایین پا در حجره دیگر مدفون است مدفونین در قبر تمام
در سرداب مدفونند پسر میرزا علی خان صاحب دیوان جانب راست روضهٔ مرحوم
حاجی در زیر سه حجره مدفون لوح مزار آن از درون حجره در ستون منصوب
است اشعار برفور زیر آن منقور

فغان که رستم چرخ بر وقت جوانی     ندیده کام برفت از جهان حسینقلی خان

گل ریاض جلالت مه سپهر نبالت / سلیل مؤتمن الملک پور صاحب دیوان

نمی‌شکافته هرگز چه او ز مطلع دولت / گلی شکفته ز رضوان چه او ز روضهٔ رضوان

ز داغ لاله رویش که شد چو بکه نهفته / ز خاک با دل پر داغ رسته لالهٔ نعمان

مگر بنفشه خط دیده کرد غنچه نعلش / که غنچه تنگ دل آمد بنفشه سر بگریبان

ز هم نشینی اهل جهان ملول شد آخر / شد بباغ جنان هم نشین حور و غلمان

گرانبها گهرش بود گنج دولت و عزت / بلی که گنج از آن زیر خاک آمده پنهان

حیات بخش روان بد لب چو آب حیاتش / از آن ز چشم نهان شد بلی چو چشمهٔ حیوان

غرض چو رفت دل ناشکیب سلسله را / بلی سلسلهٔ زلف خویش کرد پریشان

برای سال وفاتش نوشت کلک صبوری / ندیده آه مراد از جهان حسین قلی خان

هزار و سیصد و ده ملشو فراز دروازه بقعه لوحی منصوب ربانی میرزا محمد کاظم

شیر تخلص از تلامذهٔ مرحوم حاجی در آن منقوش است

اسرار چو از جهان بدر شد / از عرش بعرش ناله بر شد

تاریخ وفات او چو پرسند / گویند که نمرد زنده‌تر شد

سال هزار و دویست و هشتاد و نه است / سید مهدی از چاکران مرحوم

حاجی بوده حال مقبرهٔ حاجی سپرده او است شنیدم مرحوم میرزا یوسف مستوفی الممالک خیال داشتند

دور مقبره حجرات چند بنا کنند و مدرسه نمایند و موقوفات آن را نیز معین فرمود ولی



ولی علمای سبزوار ممانعت نموده نگذاشتند آن خیال انجام گیرد آقا عبدالقیوم و چهار فرزند اناث از مرحوم

حاجی هنوز بیادگار هستند تخلص مرحوم حاجی اسرار بوده آنچه رونده کان از افکار خود و دیگران در در

و دیوار بقعه نوشته انتخاب آن مرحوم حیثو از میرزا ابوالقاسم مختار تخلص از مردم شیراز

سراج هدایت حکیم الهی / فلاطون نشان حاجی سبزواری

گرفته فتوحات منظومه او / بسیط جهان را چه ابر بهاری

ثریا و شعری ز نظم و ز نثرش / سر افکنده زیر از زره شرمساری

لغیره

هر کس آمد بجهان نقش خرابی دارد / در خرابات بپرسید که هشیار کجاست

لغیره

مرید پیر مغانم ز من مرنج ای شیخ / چرا که وعده تو کردی و او بجا آورد

از محمد حسن پسر محمد علی حسینی مرعشی شهرستانی حائری طوبی تخلص است

صد هزاران سر بسر اسرار حق بر دار شد / تا یکی خود مطلع اسرار و خود اسرار شد

گر بگویم چیست در این بقعه از اسرار غیب / باید منصور آسا بر فراز دار شد

بارک الله ای رواقی کز صفا حاکی است / توتیای مردم چشم اولی الابصار شد

ماهیان عشق را تا در حریمت گشت جای / طایران قدس را تا در ضریحت بار شد

بقعه‌ات فردوس خلد و فوقها الاکار گشت / روضه‌ات جنات تجری تحتها الانهار شد

خود کدا این جبه بکرفتی ببرای خاک پاک — کاستانت بحر فیض و مهبط انوار شد
هادی حق مقتدای خلق آن کز فیض او — شام ظلمت روشن و روز جهالت تار شد
خفتکان عشق را آواز حق جوش مدام — دیده بینا و زبان کویا و دل بیدار شد
نوری از مصباح حق در طور سینای وجود — جلوه کر بر خلق کشت و غایب از انظار شد
مرده اش هرکز مپندار آنکه کز نور عشق — خانه دل لیس فیها غیره دیار شد

لغیره

افسوس که این عمر باف نه کذشت — اندر هوس و هوای مستانه کذشت
ناکاه میخانه بر آید آواز — رو رو که ز تو کردش پیمانه کذشت
کو برود دامن آستین بخون جکر کوی — هرکه در این آستانه راه ندارد

فی المطایبه

در حرام حروس مرغ نر است — کوه قاف از نخود بزرگتر است
نمد سبزدار از پشم است — زیر ابروی آدمی چشم است
درخت بور کربه دم دارد — در بروجرد کاو سم دارد
آنکه در چشم میرود خواب است — آنچه در جوی میرود آب است

نصر الله خان ماکوئی اقبال السلطان و فرج الله خان اجلال السلطان نیز در وقت عبور نامی از خود نوشته بیادکار کذاشته اند



لوحی چوبینی زفراز ضریح آویخته و زیارت مرقد حاجی در آن مرقوم است

بسم الله الرحمن الرحیم السلام علیک یا بحر العلوم و کنزها و محی الرسوم و مروجها السلام علیک یا حافظ الدین و عون المؤمنین و مروج شریعت سید المرسلین و آله الائمة المعصومین علیه و علیهم افضل صلوة المصلین السلام علیک ایها الشیخ الهادی المهدی العالم العامل السلام علیک یا عضد الاسلام امین اهل البیت علیهم افضل الصلوة و السلام السلام علیک ایها العارف المؤید و العابد المسدد اشهد انک الامین علی الدین و الدنیا و انک قد بالغت فی احیاء الدین و جاهدت فی حفظ شریعت اشرف الاولین و الآخرین علیه و آله صلوة المصلین و اتبعت سنن الابرار و رویت عنهم الاخبار و علمت بما رویت و علمته و اشهد انک اظهرت الحق و ابطلت الباطل و سهلت السبیل و اوضحت الطریق و نصرت المؤمنین و جزاک الله من الایمان و اهله افضل جزاء التابعین و حشرک مع النبیین و الوصیین و الشهداء و الصالحین و حسن اولئک رفیقا اللهم املاء قبره نورا و روحا و ریحانا و اسکنه فی بحبوحة جنة النعیم برحمتک یا ارحم الراحمین شعر آتیه از افکار عبد الله خان تفنکدار باشی السلطنه در در دوره کنبد نوشته شده

شرح جبه ششم

غیر را ره بحریم تو نباشد اسرار — آشنایان تو بر سینه بیکانه زدند

شرح جبه ششم امروز در سبزوار الطراق مخده میرزا هادی فخر آزاده اصفهانی

ازما دیدن نموده حجره او در سرای با منار است از دور باز دید کردم شهر سبزوار از بلاد قدیم
و مداین معتبر ایران محسوب میشود محلات و مساجد و حمام و مدارس و بقاع مشهور آن از قرار ذیل است
محله نو آیش محله حکیم محله سر سنگ محله سر ریز محله سرده محله نو محله ارک محله شریعتمدار
محله کلاه فرنگی حمام کوزه گران حمام قیصریه حمام بازار حمام حاجی آقا حسن حمام شریعتمدار
حمام سرده حمام خانی حمام نو آیش حمام حکیم مسجد با منار از ابنیه قدیمه بوده در سال
هزار و سیصد و سیزده تعمیر یافته مسجد جامع الالواح چند که فرامین و ارقام معافی عوارض
دیوانی در او منقور است به بیرون دروازه منصوب اقدم آنها در سال هزار و یکصد و سی
و شش نوشته شده مدرسه حاجی میرزا ابراهیم و مدرسه قدیم و مدرسه فصیحیه از ابنیه حاجی
عبدالصانع محل تدریس مرحوم حاجی ملا هادی لوحی فراز دروازه آن منصوب
و در زیر آن منقور است لَقَدْ اسّس بنیانه علی التقوی من الله

این مدرسه که منزلت آمد چو بهشت　　از عنبر و زر شده مراد از گل و خشت
کو نی تو که کاتب قضا روز ازل　　این آیه برای سال تاریخ نوشت

در مقبره مرحوم حاجی فراز لوح مزار پسر صاحب دیوان قصیده از میرزا حبیب الله
اختر تخلص مرقوم سه بیت آن نوشته میشود

ز جور این فلک کجمدار داد و فغان　　نگشت یک دل از او شاد و یک لبی خندان
همیشه کار وی آمد فسردن دلها　　ز ابتدای جهان تا به انتهای جهان



هزار نو گل نوخط چه یوسف از یعقوب　　فکنده در چه زندان و برده از کنعان

امامزاده یحیی پسر حضرت موسی از مدفونین سبزوار است بقعه آن از ابنیه قدیم و تازه تعمیر
یافته گنبد دیگر وصل بگنبد او است مدفون او معلوم نیست دنبال بقعه امامزاده توحید خانه
ساخته شده شخصی در آنجا مدفون است در لوح مزار آن منقور مرقد مرحوم مغفور مبرور خلد آشیان
حاجی محمد تقی فرزند حاجی ملا حسن قاری سبزواری بانی هذه البقعه توفی چهارم شهر جمادی الثانی
سال هزار و سیصد و نه امامزاده دیگر تازه مرقد آن پیدا شده مشهور است یحیی پسر سید سجاد
حال اهالی مشغول بنای بقعه او هستند هر دو امامزاده در بازار واقع بازار رحب حکم الله
خان والی رعایا ساخته از هر حیثیت ممتاز است فراز دکان آن کتیبه مرقوم است

ندهم رمز و معما بشمار　　تا که هر کس نشود بر جز دار
سال پایان بنای بازار ⁂ سیصد و چارده از بعد هزار

حکومت سبزوار حال موقتاً با میرزا محمد خان هراتی است حاجی ملا حسن نامی وکیل الملک
شاهنشاهی است حجره او در سرای با منار است

شرح شنبه هفتم

شرح شنبه هفتم منزل امروز زعفرانیه و مسافت شش فرسنگ سه از شب رفته
حرکت نموده مقارن دو ساعت وارد در مهمانخانه فرود آمده دو قهوه خانه در عرض
راه بوده مهمانخانه عبارت از سه حجره و مالیزم منزل و حوض و باغچه است
مرحوم سلطان مراد میرزا حسام السلطنه بنا نموده سپرده محمد حسن نامی است

چاپارخانه واقع است جعفر میرزا فرخ تخلص پسر سیاوش میرزا نوه علی نقی میرزا رکن
الدوله نبیره خاقان مبرور فتحعلی شاه از افکار خود بیت آینه در ستون حجره نوشته

کاروانسرای نیم جهان کاروان سرا   در کاروان سرا نکند کاروان کرا

مهمانخانه و چاپارخانه میان قلعه و کاروان سرا واقع

شرح یکشنبه هشتم

شرح یکشنبه هشتم منزل امروز شوراب و مسافت چهار فرسنگ سه از شب گذشته
حرکت نموده پس از دو فرسنگ بکاروانسرای سرپوشیده و سنگ شوراب رسیده راه سنگ
و زیاد بد و خطرناک بوده قبل از طلوع آفتاب بمنزل رسیده در کاروانسرا فرود آمده
رباط میان باغ و قلعه واقع و از ابنیه مرحوم میرزا محمد رضا مشار الملک که بعد
مؤتمن السلطنه لقب یافت ابیات چند فراز دروازه مرقوم مطلع و مقطع آن نوشته میشود

در زمان دولت اسکندر دارا غلام   ناصرالدین شاه غازی خسرو خسرو نشان
از پی تاریخ سال آن صبوری زد رقم   این بنا از مشار الملک باید با جهان

سال هزار و دویست و نود و دو میشود دو بیت مرقوم مسافر در حجره نوشته بود

هذا المنازل والآثار والطلل   مخبرات بان القوم قد رحلوا
ساروا وقد بعدت عنا منازلهم   فالان لا عوض منهم ولا بدل

شرح دوشنبه نهم

شرح دوشنبه نهم امروز وارد نیشابور میشویم و مسافت شش فرسنگ پس از انتصاف شب
حرکت نموده فرسنگی تمام راه فراز و نشیب داشته پس از دو فرسنگ بقریه حسین آباد



حسین آباد پس از طلوع آفتاب وارد و از دروازه درون شهر و در کاروان سرای غلامرضا
حرم فروش فرود آمدیم شیخ حسین شمه از خدام حضرت رضا علیه السلام بآنجا باستقبال ما آمد مسجد
جامع نیشابور از ابنیه قدیم محسوب شود اگرچه رو بانهدام نهاده ولی هنوز محکم است بیرون مسجد
سقاخانه با قرفان ساخته ابیات چند از شاعری مجنون تخلص روی سر در آن نوشته شده

بعهد دولت جمجاه ناصرالدین شاه   پناه ملت ایران شهنشه والاه

مطلع آن ابیات است   بیت آینه در میان ستون سقاخانه نوشته شده

ای صبا از من بگو استاد حبیبی را ثنا   خاک بر سر کن که اسمعیل حبیبی سار شد

اتمام آن در سال هزار و دویست و هشتاد و پنج بوده چون بمسجد در آیند فراز کاشی سر دروازه
مرقوم است در زمان دولت پادشاه جمجاه ملایک سپاه السلطان بن السلطان شاه صفی الحسینی
الصفوی بهادرخان تعمیر این مسجد شریف یافت باهتمام محمد علی بنای اصفهانی در هزار و چهل
دو فراز مصراع دروازه نوشته شد التعمیر باب الله فی هزار و دویست و هفت در صحن
مسجد در ستون روی کاشی مرقوم است عجلوا بالصلوة قبل الفوت عجلوا بالتوبة
قبل الموت صدق رسول الله کتبه احمد در مواضع دیگر کاشی دیده نشد روی محراب
ابیات چند در سنگ مرقوم و آن ابیات در کتاب مطلع الشمس مسطور است بنام المعین نگاشته اید

نه آمین تعمیر مسجد کرد و معمور شد   بعد افغانی رو بویرانی نشد و رای حنیفی

کلمه دوم مصرع ثانی که افغانی است مؤلف مطلع الشمس ننوشته   خانه شیخ الاسلام

الاسلام برابر مسجد جامع واقع است

شرح سه‌شنبه دهم

شرح سه‌شنبه دهم امروز اطراق نموده ملاعلی تاجر یزدی از ما دیدن کرده بحمام و تلگرافخانه
رفتیم محمد علی میرزا رئیس تلگرافخانه است کاروان سرای سکونت، از ابنیه و موقوفات حاجی علاءالدین
چرم فروش است سالیانه اجاره آن دولت تومان میشود

شرح چهارشنبه یازدهم

شرح چهارشنبه یازدهم منزل امروز قدمگاه و مسافت چهار فرسنگ پس از نماز حرکت
نموده سحرگاه منزل رسیده در صفه از بقعه فرود آمده قدمگاه عبارت از بقعه ایست
که در ستون اندرون آن بقعه سنگ سیاهی منصوب و در آن سنگ آثار کف پای پیدا است
میگویند آثار قدمین حضرت رضا علیه السلام است بیرون بقعه در صفه از جانبین دروازه
نوشته شده بمعماری لطف یزدان کریم
بنا کرد این روضه مستقیم للّه الحمد که این بنای خجسته فرجام به تحویلداری و اشراف
فقیر الحقیر حسن علی جگنی اتمام پذیرفت بیرون صفه مزبور در کاشی ستون آن صفه مرقوم است
این خوشترین بنا که بهشتی است جاودان از مقدم شریف شهنشاه انس و جان
تاریخ بنای بقعه مزبوره در هزار و نود و یک و جب از شاه سلیمان صفوی بوده قدمگاه
باغات بسیار و در باغات اقسام فواکه فراوان مشروب مردم ذخیره از قنوات
متعدده است زراعت آنجا پنبه و جو و گندم است تقریباً دویست خانوار جمعیت میشوند
غالب آنها سادات حسینی هستند در فضای بقعه درخت توت و درخت چند کهن زیاد است



زیاد است جوانب اربعه بقعه چهار حوض ساخته شده و چشمه قریب بقعه جوشیده روی آن
وثاقی بنا نموده اند در هزار و سیصد و هفت زوجه میرزا رضا اقبال السلطنه مرمت آن کرده شبها
حضرت رضا ع در آن وضو گرفته

شرح پنجشنبه دوازدهم

شرح پنجشنبه دوازدهم منزل امروز شریف آباد و مسافت هفت فرسنگ و باقی از شب
گذشته حرکت نموده پس از فرسنگی بقریه باغشن پس از سه فرسنگ بقریه دیزآباد رسیده
از آنجا تا مسافت ممتدی به راه را فراز و نشیب بوده و از میان جبال می گذشتیم پس
از چهار فرسنگ بقریه فخرداود رسیده رباط سرپوشیده محروبه ای است پس از پنج فرسنگ
بقریه سعیدار و از آنجا تا زمان دراز کاروان از وسط تل و ماهور و بلند و پستی جبال
و دره‌ها میگذشت ساعتی از دسته گذشته وارد منزل گردید در خانه نایب مهدی مستحفظ رباط
حسینی خان نظام الدوله فرود آمده امشب سرما فزون از طاقت ما و شدت باد و عواصف
و عواصف زیاد بوده میرزا ابراهیم سرتعمیدار سبزواری در باغشن تازه احداث باغی نموده
امشب بتوفیق الهی وارد مقصد اعظم یعنی مشهد معظم میشویم محض تعیین منزل
قبل از حرکت کاروان روز پنجشنبه ساعت شش از شریف آباد حرکت نموده پس از فرسنگی برباط
گلنبه رسیده رباط سرپوشیده آنجا است پس از دو فرسنگ بحوض حاجی مهدی و قلعه رمضان
یک در دیگر و تپه مرتفعی رسیده فراز آن تپه گنبد مطهر پیدا بوده پس از دو فرسنگ
و نیم بقلعه کیاست رسیدیم قهوه خانه آنجا است میدان و پستی از آنجا گذشته بتپه مشهور

مشهور بتپه سلام سربند گنبد مطهر در آنجا نیکو نمایان میشود سنگی در آنجا منصوب است هفت

سلام با حضرت در آن سنگ منصوب است پس از نه فرسنگ بطرق رسیده دو کاروانسرا آنجا هست

قلعه طرق از دست راست دو کار جاده بمسافت بعید پیدا بوده از شریف آباد تا بطرق راه

زیاد صعب و دشوار بلند و پستی زیاد داشت تمام از میان جبال شامخه و قرار تلّ و ماهور

می آمدیم از نه گردنه سخت گذشتیم شبا هیچ تمام براه میانی و شهر و سر از داشته از طرق تا مشهد

دیگر راه صاف و هموار و جاده وسیع و نیکو است فرسنگی بین از طرق بقلعه عسکریه پس از آن

فرسنگی دیگر بحوض عسکریه رسیده از زیارتگاه بابا قدرت و قهوه خانه قرب شهر و قبرستان

برابر بیا گذشته از دروازه سفلی وارد شهر و در خانه شیخ قاسم مرزا فرود آمده از شریف

آباد بطرق در عرض دو ساعت و نیم و از طرق بشهر در عرض نیم ساعت طی مسافت شد

الحمد لله الذی نلت بمنّه واحسانه الی تقبیل روضة من ریاض الجنة هذه جنات

عدن فادخلوها آمنین

۱۳۱۵

تمت دقیقة الثالثة ویلیه ان شاء الله تعالی دقیقة الثانیة حرر فی ۱۵ شهر ج ۲ سنه

حرره بامر مؤلفه محمد علی خلف صدق الأمیر المعظم الحاجی احمد خان سرطوفال الی و انا اضعف

العباد ولی الله ابن محمد المشکینی الاردبیلی المتخلص بمقصر

۱

۹۵۸۲

دقیقهٔ پنجم از کتاب التدقیق فی سیر الطریق مشتمل
وقایع یومیه واقعه شهر محرم الحرام
سنه ۱۳۱۵

بسم الله الرحمن الرحیم

حض علامت کتاب توضیح المقاصد ش نشانه کتاب مسار الشیعه ق علامت تقویم فارسی
ن علامت تقویم مطبوعه هندوستان

شرح چهارشنبه غره محرم

شرح چهارشنبه غره شهر محرم الحرام از شهور اربعه حرام محسوب میشود تقویم فارسی رؤیت هلال
امشب و تقویم هندوستان شب آتیه نوشته
حض رفع حضرت ادریس سوی جنان و استجابت مسئول زکریا و غزوه ذات الرقاع
از غزوات حضرت ختمی مآب در سنه چهارم
ن وفات خلیفه ثانی در یکشنبه از لیالی شهور سنه بیست و دو از وقایع امروز نوشته
امروز و امشب در فصل سی و هفتم مصباح کفعمی مسطور است
امروز روضه رفتم در تکیه کتابفروشها واقعه در بازار حلبی سازان هر سال در عشر نخست هر بامداد
در آنجا روضه شروع میشود

شرح پنجشنبه دوم

شرح پنجشنبه دوم امروز پس از نهار روضه صدیق الملک رفتم از چاکران قدیم دولت است سالها
در وزارت خارجه مشغول خدمت بوده حال از کبر سن در گوشه خلوت اقامت نموده پسران او
محتشم السلطنه و منتظم السلطنه و جعفرخان امین الملک مشغول خدمات عمده دولتی هستند



شرح جمعه سیم

قاعده دخول در طریقه نعمت اللهیه

هستند شرح جمعه سیم حض و ش امروز حضرت یوسف از چاه نجات یافت
و جانب مصر شتافت امشب بمنزل جناب حاجی میرزا حسن پیر طریقه شاه نعمت اللهی رفتم
قاعده دخول در آن طریقه باید شخص در شب جمعه یا دوشنبه خانه پیر رفته دستمال نو و مقدار
ده سیر نبات و انگشتری که اسامی میمونه آل عباء در او منقوش باشد و سکه از نکوک قدیم و دانه
جوز با خود برده سینه خود باز نموده اشیاء مزبوره در دست راست و دامن مرید خاص در دست
چپ گرفته حضور پیر روند تخت زمین بوسند پس زانوی پیر را ببوسند و هر دو در حضور او
بزانوی ادب نشینند پیر دست راست آن نورسیده در دست گرفته عهد و میثاق از او
گیرد مواعظ چند باو یاد دهد پس از آن قلب را در زیر پستان چپ او نشان دهد و ذکر خفی باو
آموزد آن را ذکر قلبی نیز گویند اعمال یومیه حضرات مرقوم میشود هر بامداد پس از خواب
قبل از تکلم چهارده بار صلواة چهارده بار ذکر خفی بزبان خوانند پس از اداء فریضه صبح آیة
الکرسی و تسبیحات صدیقه و یکبار صلوات فرستند و یکبار لافتی و یکبار یا علی یا ایلیا یا ابا حسن
یا ابا تراب و یکبار ناد علی خوانند بنام علی چون رسند دست چپ فراز قلب گذاشته
صد و ده بار نام مبارک را تکرار کنند سپس یکبار صلوات کبیر و استغفار و بار لافتی و صد و ده بار
لا اله الا انت سبحانک انی کنت من الظالمین خوانند سپس فاتحه فرستند پس یکبار
سورهٔ حمد و سه بار سوره اخلاص خوانند و بسجده روند سه بار یا پنج بار یا هفت بار یا
مسبب الاسباب یا مفتح القلوب والابصار در سجده گویند پس از آن زیارت کنند

کنند خامس آل عبا و حضرت رضا علیه السلام زیارت مجلی پس از اداء فریضه ظهر آیة الکرسی و تسبیحات

صدیقه علیها السلام پس از اداء فریضه عصر آیة الکرسی و تسبیحات و هفتاد بار لا فتی خوانند و به سجده

روند و زیارتین خوانند پس از اداء فریضه مغرب آیة الکرسی و تسبیحات پس از اداء فریضه

عشا آیة الکرسی و تسبیحات و هفتاد بار لا فتی و دو رکعت نماز وتیره خوانند بسجده روند

و زیارتین و فاتحه خوانند هنگام خواب وضو گیرند رو بقبله بخوابند و اعمال مذکوره در بدل

از صلوات صغیر الی صلوات کبیر تمام تجدید کرده سپس نقش یا علی با دو انگشت در سینه کشند و شهادتین

گویند و نقش مزبور در جبهه کشند و صلوات کبیر خوانند و مشغول ذکر خفی شوند تا بخواب روند

هنگام دیدار چراغ الله جل جلاله الهنا و محمد صلی الله علیه و آله نبینا و علی علیه السلام امامنا و الاسلام دیننا و الکعبة

قبلتنا و القرآن کتابنا و المؤمنون اخوتنا خوانند در پوشش لباس و لا تلبسوا الحق بالباطل

و تکتموا الحق و انتم تعلمون خوانند چون کمر بندند لا فتی گویند پس از عطسه انی آمنت بربکم فاسمعون

خوانند صلوات کبیر اللهم صل علی المصطفی محمد و المرتضی علی و البتول فاطمة و السبطین الحسن و الحسین

و صل علی زین العباد علی و الباقر محمد و الصادق جعفر و الکاظم موسی و الرضا علی و التقی محمد

و النقی علی و الزکی العسکری الحسن و صل علی الامام المهدی الهادی صاحب الامر و العصر و الزمان

و خلیفة الرحمن و قاطع البرهان علیه و علیهم السلام

طریقه فاتحه از جهت ترویح ارواح پر فتوح مطهر منور مقدس انبیا و اولیا و اصفیا و فقرا

مخصوصا خاتم انبیا و علی مرتضی و فاطمه زهرا و سایر ائمه هدی صلوات الله علیهم اجمعین و جمیع مشایخ

مشایخ ائمه اثنی عشریه بخصوص شیخ راه ما و از جهت ازدیاد قوه ظاهر و باطن جمیع راه نمایان

و از جهت ذکر دوام و فکر مدام اهل سلوک سیما نعمت الهی الفاتحه در طریقت صفی علی

لقب جناب حاجی است در دار السلطنه اصفهان در سیم شعبان از شهور سنه هزار و دویست

پنجاه دیگر بعرصه وجود آمده والد ماجدش از بازرگانان آن دیار بوده در حدود سالی بیزد رفتند

بیست سال تمام در آنجا رحل اقامت افکندند بجانب هندوستان شتافتند کتاب زبدة الاسرار

در آن خطه تألیف نموده بایران مراجعت فرموده در طهران مقیم شده کتاب عرفان الحق و

بحر الحقایق و میزان المعرفه نگاشتند در هزار و سیصد و شش بنظم تفسیر موسوم بتفسیر صفی پرداخته

و در عرض دو سال آن تفسیر را تمام ساخته بطبع رسانیدند زوجه مرحوم طهماسب میرزا مؤید الدوله

در خانه اوست خانه جناب معظم را خانقاه نامند در شب جمعه و دوشنبه پیروان در خانقاه

جمع آیند و دیگ جوش خورند آن دو شب را شب نیاز گویند

شرح شنبه چهارم

ق جلوس پادشاه حالیه یونان در سال هزار و هشتصد و شصت و سه پس از میلاد در هزار و سنه

مطابق امروز نوشته

پادشاه مزبور پسر پادشاه دانیمارک و برادر زن ولیعهد دولت انگلند و خال امپراطور روس است

زوجه آن پادشاه عمه امپراطور روس و زوجه ولیعهد او همشیره زوجه امپراطور آلمان است

مملکت یونان در سلف دولت مقتدر مستقل بوده در سال هزار و دویست و پنجاه پیش از میلاد

احوال طریقه صفی علیه

شرح شنبه چهارم

احوال سلطان حالیه یونان

احوال مملکت یونان

خبر منصرفات دولت آل عثمان شده در اواسط سال هزار و ششصد و شصت بلوا نموده آرام شدند
و در سنین هزار و ششصد و نود و هزار و هفتصد و بیست و یک تجدید عصیان کرده در هزار و هشتصد
و بیست و نه بحمایت دول انگلیس و روس و فرانسه از انقیاد دولت عثمانی بیرون و باز
مستقل شده

سطح حالیهٔ آن مملکت شصت و چهار هزار و هشتصد و شصت و نه کیلومتر و نفوسش دو ملیون
و یکصد و هشتاد و هفت هزار و دویست و هشت نفر و محصول سالیانه چهار ملیون و هفتصد
و پنجاه فرانک و استعداد حربیه در وقت محاربه پنجاه هزار قشون صالحیت و چهار هزار نفرات

پست خطهٔ فارس وارد شده جهت خدایگانی چهار خط از حاجی شیخ حسن و سه خط از حاجی
عبدالرسول عینابی و خط میرزا علی اکبر خان و رکن التجار و ناظر رجب و داود بانی
و حاجی عبدالرسول بوشهری جهت نگارنده چهار خط از حاجی شیخ حسن و دو خط از حاجی علی اکبر
عینابی و خط شیخ عبدالحسین و عیشی و ناظر رجب و میرزا عبدالوهاب خان بوده
خطوط هر جا نوشته خدایگانی برکن التجار و آقا سید حسین و ناظر رجب و میرزا علی اکبر
خان نوشتند نگارنده برکن التجار و میرزا علی اکبر خان و آقا سید حسین و ناظر رجب
و عیشی و شیخ عبدالحسین نوشتم

حاجی علی اکبر تاجر شیرازی و پسرش حاجی میرزا علی اصغر افتخار التجار و میرزا کاظم ملکرانجی و میرزا
حبیب الله خان منزل ما آمده



شرح یکشنبه پنجم
شرح یکشنبه پنجم   ض س عبور حضرت موسی از رود نیل و هلاک فرعون و جنودش با معدودی
امروز مینویسند

شرح دوشنبه ششم
شرح دوشنبه ششم   با همراه روضه میرزا مهدی خان ممتحن الدوله رفتم خانهٔ معزی الیه در خیابان سیف
الملک واقع سالها میرزا بود در وزارت خارجه مستخدم و از مهندسین دولت علیه محسوب
میشود حالت خوشی در او دیدم در عشر اول هر ماه همراه و اقامه عزا میکند پس از نهار روضه
میرزا علی محمد خان مستوفی رفتم از اعاظم ثلث الملک مرحوم میرزا شفیع مستوفی هر سال در خانه خود اقامه میکنند

شرح سه‌شنبه هفتم
شرح سه‌شنبه هفتم   ض س مقتل طور امروز بخلعت تکلم تشرف جسته ن عالمگیر
از پادشاهان مقتدر هندوستان در سال هزار و صد امروز در گذشت پس از نهار روضه پسر
مرحوم میرزا شفیع مستوفی رفتم

شرح چهارشنبه هشتم
شرح چهارشنبه هشتم   میرزا و سیف نزد شاهزاده میر الدوله شکایت از ما نموده موجب
من حضرات سید هند بدیوانخانه حکومتی رفتم خلاف عرض او را ثابت نموده با همراه
روضه تاجرباشی روس رفتم در سبزه میدان چای در زده میخوانند

شرح پنجشنبه نهم
شرح پنجشنبه نهم   ض س نجات حضرت یونس از بطن حوت ض س ولادت حضرت
موسی و یحیی و مریم امروز مینویسند پس از نهار روضه امین همایون علاء معین خان رفتم از
بستگان امین السلطان صدر اعظم بوده حال مصدر خدمتی نیست در خانه خود اقامه
عزا میکند امروز موسوم بتاسوعاست

شرح جمعه دهم

شرح جمعه دهم امروز را عاشورا گویند و شهادت حضرت سیدالشهداء ع در سال شصت
و یکم امروز بوده با همراه روضهٔ امیر بهادر جنگ رفتم از شب سیم شبی در میان خانه جناب
حاجی میرزا حسن صفی میرفتم در عشر عاشورا هر شب پیروان جناب معظم در خانقاه اجتماع
نموده پس از آن قبل از نماز در تکیهٔ جزو خانقاه دور فضا مرید و مراد تمام ایستاده
ساعتی تمام سینه میزنند و مراثی منظومه جناب صفی قرائت میکنند

شرح شنبه یازدهم

شرح شنبه یازدهم ق امروز اول مرداد ماه قدیم نوشته لیست خطهٔ فارس وارده جهة
هذا ایکانی خط رکن التجار و آقا سید حسین و میرزا علی آقا بجانی و نافذ از جهت جهة نگارنده
خط رکن التجار و حاجی محمد تقی و معتقد و آقا سید حسین و آقا علی رضا و شیخ علی الحسینی
و جعفر آفندی و میرزا علی آقا بجانی بوده خطوط هر جا نوشته شد هذا ایکانی [illegible] رکن
التجار و آقا سید حسین و نافذ از جهت نوشتند از نوشهر نوشته بودند که عدلی نورمحمد در نهم
ذیحجه در نوشهر و حاجی محمد پسر حاجی غلامحسین در غرهٔ محرم الحرام در نجف اشرف بجوار رحمت
حق پیوسته شرح حال هر دو در دقیقه اول مرقوم شده حاجی محمد علیه الرحمه و السعه
پس از مسافرت ما قصد مجاورت نموده و جانب عتبات شتافت امروز منزل
جناب حسینقلی خان صدر السلطنه وزیر فواید عامه پسر مرحوم میرزا آقاخان صدراعظم
رفتم سابق معتمد الوزاره لقب داشت در وزارت خارجه بود بسمت مأموریت هندوستان و بغداد
و سفارت امریکا پیدا نموده در سال هزار و دویست و پنجاه و هفت به عرصه وجود آمده



آمده خانه روبروی مدرسه میرزا حسینخان سپهسالار پرداخته در او اقامت ساخته

شرح یکشنبه دوازدهم

شرح یکشنبه دوازدهم ق امروز حزیران ماه رومی و یون ماه روسی نوشته خ ق وفات
سید سجاد در مدینه امروز مینویسند خ در سال نود و پنج و در عمر پنجاه و هفت ق در سال صد و
ده نوشته شب آقا میرزا محمدعلی خان پسر مرحوم مؤتمن لشکر و آقا میرزا محمود و آقا میرزا کاظم منزل ما
آمده امروز منزل شاهزاده ناصرالدوله رفتم نهار آنجا بودم خ وفات شیخ صفی الدین اسحق
اردبیلی مؤلف کتاب صفوة الانبیا و صاحب مقامات عالیه فقر و فنا در سال هفتصد و سی و پنج
امروز نوشته

شرح دوشنبه سیزدهم

شرح دوشنبه سیزدهم امروز منزل آقا میرزا علی بابا رفتم نهار آنجا بودم

شرح سه‌شنبه چهاردهم

شرح سه شنبه چهاردهم ق جلوس امپراطور عالیه آلمان در ... السنه مطابق امروز میشود با همراه دیدن
میرزا علی خان کاشی منشی جناب سعدالملک رفتم نهار منزل میرزا جهانگیرخان بودم

شرح چهارشنبه پانزدهم

شرح چهارشنبه پانزدهم خ وقعه خیبر از غزوات معتبره حضرت رسالت پناهی در سال هفتم
و بدر و محاربه سعد طین اوزبک و شاه طهماسب از سلاطین صفویه امروز نوشته منزل جناب نظام السلطنه

شرح پنجشنبه شانزدهم

رفتیم شرح پنجشنبه شانزدهم امروز منزل حاجی میرزا حسن و میرزا حبیب الله و حجره آقا میرزا
محمود رفتیم خ تحویل قبله از بیت مقدس جانب کعبه امروز نوشته

شرح جمعه هفدهم

شرح جمعه هفدهم ن وفات سید سجاد امروز نوشته ق اول تیر ماه جلالی امروز
دانسته خ ش وقعه اصحاب فیل را امروز دانند با همراه کشمیران رفتم ملاقات

جناب نظام السلطنه کردم نهار آنجا بوده در باغچه سردار افخم عقب عمارت کامرانیه نایب
السلطنه منزل گرفته سه ماه در صد و هشتاد تومان اجاره نموده در مراجعت عشرت آباد
و قصر قاجار و جز آنجا به سلطنت آباد و صاحبقرانیه اجمالی تماشا نمودم

شرح شنبه هیجدهم

شرح شنبه هیجدهم ق وفات سید سجاد بروایتی امروز نوشته میرزا حبیب الله خان
منزل ما آمده پس از نهار حجره آقا میرزا محمود رفتم بیست خط فارس وارد شده جهت
حدایکانی خط آقا سید حسین و میرزا علی اوهانجانی و نا خدا رجب و جناب امام جمعه
واحد خواجه جهت نگارش خط آقا سید حسین و کربلائی محمد رفیع و محمد حسن خان و میرزا عبد
الوهاب خان بوده خطوط مرجا نوشته شد خدایگانی سرکن التجار و نا خدا رجب
و آقا سید حسین و آقا میرزا علی اوهانجانی نوشتند نگارش جواب خطوط هفته ما ضمیمه
و حال هر دو نوشتم

شرح یکشنبه نوزدهم

شرح یکشنبه نوزدهم امروز منزل زنبورکچی باشی و میرزا حبیب اصفهانی رفتم آقا میرزا اکبر منزل ما آمده

شرح دوشنبه بیستم

شرح دوشنبه بیستم شب میرزا عباس خان داماد میرزا علی محمد خان تحویلدار تلگرافخانه اصفهان
منزل ما آمده چهار روز میشود وارد شده اجازه زیارت مشهد گرفته امروز باتفاق زنبور
کچی باشی شمیران رفتم منزل جناب نصر السلطنه در قریه زرگنده اقامت میکنند ق
اول برج سرطان دانسته

شرح سه شنبه بیست و یکم

شرح سه شنبه بیست و یکم س امروز زفاف حضرت بتول در سال دوم در شانزده یا نه سالگی امشب نوشته



نوشته ضن وفات جمال الدین حسن پسر مطهر حلی مشهور بعلامه در سنه هفتصد و بیست
و شش امروز نوشته ولادت علامه در بیست و نهم رمضان سال ششصد و چهل و هشت امشب نوشته

شرح چهارشنبه بیست و دوم

شرح چهارشنبه بیست و دوم پس از نهار بشمیران منزل جناب نصر السلطنه رفتم

شرح پنجشنبه بیست و سیم

شرح پنجشنبه بیست و سیم شب در شمیران منزل جناب نصر السلطنه بوده با مراد بصاحبقرانیه
رفته در دربار از جناب امین الدوله رئیس الوزراء دیدن نموده و مراجعت بخانه
جناب نصر السلطنه کردم

شرح جمعه بیست و چهارم

شرح جمعه بیست و چهارم پس از نهار از منزل جناب نصر السلطنه معاودت بشهر
نموده بیست خط فارس وارد جهت نگارش و خدایگانی خط آقا سید حسین بوده

شرح شنبه بیست و پنجم

شرح شنبه بیست و پنجم ق و س هر دو بروایت وفات سید سجاد امروز نوشته

شرح یکشنبه بیست و ششم

شرح یکشنبه بیست و ششم امروز و امشب میرزا جهانگیر خان منزل ما بوده

شرح دوشنبه بیست و هفتم

شرح دوشنبه بیست و هفتم امروز نهار منزل شاهزاده ناصر الدوله بودم

شرح سه شنبه بیست و هشتم

شرح سه شنبه بیست و هشتم امروز منزل جناب ذکاء الملک رفتم

شرح چهارشنبه بیست و نهم

شرح چهارشنبه بیست و نهم امروز منزل جناب مجیر الدوله رفتم

شرح پنجشنبه سلخ محرم

شرح پنجشنبه سلخ محرم ق اول جوزا ماه فرانسه امروز نوشته

شرح جمعه غره صفر

شرح جمعه غره شهر صفر الخیر ق و ض ابتداء وقعه صفین ض حمل سر مطهر
سید الشهدا جانب دمشق س مقتل زید پسر سید سجاد در سال صد و بیست و یک

امروز نوشته باتفاق آقا محمود به بهجت آباد رفتم

شرح شنبه دوم — شرح شنبه دوم ق میلاد حضرت یحیی خ ولادت ابی جعفر محمد باقر ع در مدینه
در سنه پنجاه و هفت ن وفات میرزا رفیع سودا تخلص در سال هزار و دویست و شصت و
پنج امروز نوشته خانه آقا میرزا احمد امین الصنایع رفتم

شرح یکشنبه سیم — شرح یکشنبه سیم ق ولادت حضرت باقر ع س محاربه مسلم پسر عقبه از جانب
یزید علیه اللعنه با عبدالله پسر زبیر در سال شصت و چهار و سوزانیدن ثیاب کعبه در

۱۴ مهر ۲ — امروز نوشته ده قاطر از مشهدی علی محمد مکاری از مردم شیراز کرایه نموده سرنشین و
شانزده من بار هفت تومان و پنجهزار کجاوه پانزده پالکی یازده تومان و پنجهزار دادم اهالی

شرح دوشنبه چهارم — شرح دوشنبه چهارم جناب مشاور السلطنه و میرزا حبیب الله خان و پسر میرزا شفیع و میرزا
علی محمد خان و میرزا کاظم خان و شیخ مطلق منزل ما آمد

شرح سه شنبه پنجم — شرح سه شنبه پنجم شب نه جناب ایزدی و آقا محمود آمده سر شب آقا متولی و آقا میرزا
جهانگیر منزل ما است ساعت یازده با امید خداوند عزیمت زیارت حضرت رضا ع
کرده حرکت نموده اسامی ملتزمین هلال و محمد کابلی و رجب آتش باز
و حاجی کجاوه کش و خضر مهتر و جعفر کجاوه کش و پنج نفر جاریه و دو نفر کلفت
واقبال تمه دفتر خجسته اثر کتاب التدقیق از تالیفات سرکار معتمد السلطان محمد علی خان
فرزند حاجت جلالت نصاب حاجی احمد خان مرتب

جزو دوم از کتاب التدقیق فی سیر الطریق از تالیفات
سرکار معتمد السلطان محمد علی خان خلف
مبرکان جناب جلالتمآب حاجی
احمد خان دام
اقبالهما

ص ۱

بسم الله الرحمن الرحیم

دقیقه چهارم از روز نوروز سنه هزار و سیصد

جابعه شروع می‌شود

شرح شنبه شانزدهم

شوال
شانزدهم

پنج ساعت و بیست و شش دقیقه از روز گذشته آفتاب
جهانتاب به برج حمل انتقال نمود قبل از تحویل منزل
شاهزاده ناصرالدوله رفتیم امروز میرزا حسن قائنی و
حسینعلی خان منزل آمد خطوط هرجا نوشته شد خزانه‌گانی
بمیرزا نقی خان مستوفی و حاجی عبدالرسول بوشهری و معین التجار
و میرزا عبدالوهاب خان و نصیر الوزاره و آقا میرحسن
و ناصر ارجب و ملک التجار و حاجی عبدالرسول مهزی و
شاه محمد و شیخ عبدالحی آل عصفور و رئیس التجار
نوشته شد هزه برکن التجار و ملک التجار و معتمد
و حاجی محمد تقی و آقا میرحسین و آقا عندلیب و میرزا عبدالوهاب [illegible]

ص ۲

و حاجی عبدالرسول مهزی نوشتم

شرح یکشنبه هفدهم

هفدهم

امروز جناب مشار السلطنه و میرزا رضا خان کارگزار بوشهر
و محمد ابراهیم خان صاحب‌قبایی و میرزا محمد خان مستوفی
شاهزاده احتشام الملک و میرزا رحیم خان منشی شاهزاده منزل
به تبریک عید آمدند

شرح دوشنبه هجدهم

هجدهم

امروز منزل جناب نصرالسلطنه و جناب سعدالملک رفته
نهار منزل شاهزاده ناصرالدوله بودیم

شرح سه‌شنبه نوزدهم

نوزدهم

امروز منزل جناب نصرالسلطنه و مشاورالسلطنه و میرزا
جهانگیرخان رفتم جناب مشارالدوله و لطفعلی خان امیر تومان
زنبورکچی باشی و حاجی میرزا رضا خان [illegible] آمده
فارس امروز وارد شد جناب خزانگانی محمد ابراهیم خان و
رکن التجار و آقا [illegible] و میرزا عبدالوهاب خان و آقا میرحسین

ص ۳

و احمد خواجه و عبدالوهاب بشارتی و یوسف ابراهیم
و حاجی شیخ حسن و احمد خلیفه و ناصر ارجب و میرزا
محمود خان جهت هزه خط رکن التجار و آقا سیدحسین و آقا عبدالله
و میرزا عبدالوهاب خان بجهت توبلطت کرمان خزانه‌گانی
خط بحاجی شیخ حسین و حاجی شیخ محمد و حاجی عبدالرسول مهزی
و حاجی عبدالرسول مینایی و مشهدی رحمت الله و میرزا
نصرالله خان نوشته شد

شرح چهارشنبه بیستم

بیستم

امروز معتمد خان و میرزا جهانگیرخان منزل آمده جابگفتار
بکرمانشاه نیرالملک و بیازدید مشارالدوله در دهنه حاجی ملک
رضا خان رفتیم

شرح پنجشنبه بیست یکم

بیست یکم

منزل حاجی میرزا حبیب الله و جناب مجیرالدوله رفته
میرزا جهانگیرخان منزل ما آمد از روز عید اسباب ابر
و بارانی بجهت امروز موقوف شد

ص ۴

شرح جمعه بیست دوم

بیست دوم

امروز نهار را منزل شاهزاده ناصرالدوله بودیم

شرح شنبه بیست سیم

بیست سیم

خطوط هرجا نوشته شد خزانه‌گانی محمد ابراهیم خان و
رکن التجار و آقا نصر و احمد خواجه و احمد خلیفه و میرزا
عبدالوهاب خان و آقا سیدحسین و ناصر ارجب و
حاجی عبدالرسول مینایی و حاجی عبدالرسول مهزی و حاجی
شیخ حسن و میرزا محمود خان نوشتم نگارنده رکن التجار
و میرزا عبدالوهاب خان و حاجی شیخ حسن و آقا سید
حسین و آقا عندلیب و معتمد و محمد خان و شیخ عبدالحسین
و جعفر افندی نوشتم امروز میرزا محمد خان مستوفی منزل
آمد

شرح یکشنبه بیست چهارم

بیست چهارم

امروز منزل میرزا محمد خان مستوفی رفتم پست فارس
وارد شد جهت خزانه‌گانی خط آقا سیدحسین و آقا سید [illegible] و

## ۵

وحاجی شیخ حسن و احمد خواجه و صبیه شیخ حسین
خان و حاجی عبدالرسول هنری و احمد شاه و حاجی
غندچین خان و شاه محمد جبه سبزه خط و شیخ عبدالحسین
درگاه التجار و ملا غندرضا و معتقد و ملا سید حسین و حاجی
محمد تقی و تبلیغ لقه و میرزا عبدالوهاب خان و تندهبر
باشی و حاجی عبدالرسول هنری بهبه

بیست پنجم

شرح دوشنبه بیست پنجم
امروز نزد جناب اقبال الملک رفتم

بیست ششم

شرح سه شنبه بیست ششم
امروز جناب مجیر الدوله و ملا میرزا غیاث و حاجی
میرزا حبیب لقه منزل آمد

بیست هفتم

شرح چهارشنبه بیست هفتم
امروز روضه حاجی میرزا رضا خان رفتم

بیست هشتم

شرح پنج شنبه بیست هشتم
امروز [۱۳] عید نوروز است تمام مهم بباغات میرفتند

## ۶

هنگامه غریبی از عبور و مرور مهم شده میشود وفات
مقتدر خلیفه عباسی درسنه [۳۲۰] سیصد و بیست پس از [۳۸] سی و
هشت سال زندگانی و بیست و چهار سال و یازده ماه
خلافت درامروز بهبه مقتدر دار زمنره مسعود صلح
امروز اول ابریل ماه رومی است

بیست نهم

شرح جمعه بیست نهم
سیت فارس امروز وارد شده جبه حنزالکانی خط میرزا
کاظم نقاش و ملا سید حسین و میرزا عبدالوهاب خان
وجمال خان و میرزا [۲] جبه سبزه خط درگاه التجار و ملا
شیخ عبدالحسین و ملا محمد کاظم نقاش و ملا سید حسین و حمید
عبدالوهاب خان و مشهدی محمد رحیم بهبه

سی

شرح شنبه سی [۳۰]
خطوط رجب نوشته حنزالکانی بحاجی محمد و ملا سید
وحاجی شیخ حسن و ملا سید حسین و احمد خواجه و صبیه
شیخ و حاجی عبدالرسول هنری و شاه محمد و حاجی عبدالرسول

۲ وحاجی محمد پیر حاجی غندچین و ملا سید رزولد



## ۷

میناء درگاه التجار نوشتند نقاره با شیخ عبدالحسین
درگاه التجار و ملا غندرضا و معتقد و ملا سید حسین
وحاجی محمد تقی و ملا ملا عبدالله و میرزا عبدالوهاب خان
وتندهبر باشی وحاجی عبدالرسول هنری نوشتم

غره ذیقعده

شرح یکشنبه غره ذیقعده
امروز بامراد حاجی میرزا رضا خان و ملا سید عبدالحسین
منزل آمده چاشتگاه منزل حاجی میرزا رضا خان و
جهانگیر خان رفتم امروز روز نخست میقات [۳۰] سی روز
حضرت کلیم است در طور سینا

دوم

شرح دوشنبه دوم
امروز میرزا لباب جبه نجومی رفتم

سوم

شرح سه شنبه سیم
امروز ملا سید عبدالحسین وحاجی میرزا حسن خان و حمید
کاظم خان میرزا آمده
شرح چهارشنبه چهارم

## ۸

نوروز خوارزم شاهی امروز است لطف الله خان زنبورک
چی باشی منزل ما آمد روضه حاجی میرزا رضا خان
رفتم

پنجم

شرح پنج شنبه پنجم
امروز حضرت ابراهیم بمعاضدت فرزند خود اسمعیل
قواعد بیت را بنا نهاده ملا سید عبدالحسین و ملا شیخ
منزل آمده پس از نهار دیدن امیر بهادر جنگ رفتیم

ششم

شرح جمعه ششم
جهانشاه حالیه بزرگ در سنه هزار و یکصد و سی و شش [۱۱۳۶]
درامروز ولادت یافته لطف الله خان امیر توپخانه
زنبورکچی باشی وحاجی میرزا حسن خان منزل آمده و
بدیدن جناب ذکاء الملک رفته نهار را منزل
جهانگیر خان بودیم

هفتم

شرح شنبه هفتم
بامداد ببازدید لطف الله خان زنبورکچی باشی رفتیم خطوط

هرجا نوشته شد حضرات کفنی برکی التجار و آقا سید حسین و جمال خان و میرزا آقا و میرزا عبد الوهاب خان نوشتند کفارنده برکی التجار و آقا سید حسین و آقا عبد الرضا و مشهدی محمد رحیم و آقا شیخ عبد الحسین و میرزا عبد الوکیل نوشتم لیست فارس وارد شد جنبه حضرات کفنی خط آقا سید حسین و صبیه آقا سید عظیم و جنبه کفارنده خط آقا سید حسین و معتقد آقا عبد الرضا فوت شده حاجی بشیر خان دهم شهر شوال و آقا عبد الصمد خواجه سیم شهر شعبان و آقا محمد ابراهیم پنجم شهر رمضان از دار فانی بجهان باقی انتقال نمودند حالت حاجی بشیر خان در دفیقه اخر مرقوم شد اما آقا عبد الصمد خواجه از تجار زادگان بوشهر ولی دیوانه شده و فربه و تنومند و مادر او حبشیه در عمرش ۳۵ بود و طایفه ایشان در بوشهر بخواجه مشهور و در اصل از اهالی بهبهان و حال از مسکونان بوشهر هستند آقا عبد الصمد سالهای کلانتر بوشهر بوده در هزار



سیصد و ده الفیه تقریبا غیر لذت آن سالی تمام در حبس حکومت جناب قوام الملک افتاد پس از انفصال جناب قوام از حکومت بنادر استخلاص یافته آقا محمد ابراهیم پسر مرحوم حاجی محمد صفر واز اعیان بوشهر و عمرش در حدود شصت بوده

هشتم

شرح یکشنبه هشتم

شبانه میرزا آقا از معلمین مدرسه سعادت دیدن ما آمده با مرحوم منزل شاهزاده ناصر الدوله و جناب الکفیل رفته

نهم

شرح دوشنبه نهم

نهار منزل میرزا جهانگیر خان بودیم

دهم

شرح سه‌شنبه دهم

اول آذر ماه قدیم و اول نیسان ماه رومی و اپریل ماه رومی است

یازدهم

شرح چهارشنبه یازدهم





یازدهم

شرح چهارشنبه یازدهم

آقا رضا خواجه باشی بازدید آمده ولادت حضرت رضا در سال ۱۵۳ صد و پنجاه و سه در امروز بوده

دوازدهم

شرح پنجشنبه دوازدهم

امروز اسب دوانی است رفتیم در چادر لطف الله خان زنبورکچی باشی نهار صرف نموده حقیقت موقع تماشا دیدنی لطف نموده تفصیل پس از استحضار کاملی از تمام اوضاع و شرایط وغیره مرقوم میشود

سیزدهم

شرح جمعه سیزدهم

لیست فارس وارد شد جنبه حضرات کفنی خط نصرت الوزاره و برکی التجار و آقا سید حسین و میرزا عبد الوهاب خان و ناخدا احمد و محمد ابراهیم خان و شیخ محمد و والده محمد و شیخ حسن و بن عبد الله و حاجی عبد الرسول مینابی و یوسف بن ابراهیم و میرزا محمود خان و آقا محمد عبد الرحیم و آقا محمد محمود و آقا حسین آقا محمد جنبه کفارنده خط آقا عبد الرضا و آقا سید حسین و شیخ حسن و میرزا عبد الوکیل



و جعفر افندی و شاه فتاح و ملا عبد الله و حاجی عبد الرسول مینابی و برکی التجار و آقا محمد عبد الرحیم و آقا حسین پسر آقا محمد بوده امروز بازدید حاجی علی اکبر مشهور بکوسه رفتیم از تجار معتبر و متمول محبوب محقق آقا علی بابا دائی میرزا عباس خان میرزا آمده از اهالی کازرون و سالها کلانتر معتبر بوشهر بوده دختر بلند اختر او اسد الله میرزا نایب الایاله پسر سیف الملوک میرزا نوه ظل السلطان ثانی فتحعلی شاه مرحوم و در ایام حکومت بوشهر گرفت بمناسبت آن مواصلت در هزار و دویست و نود واند باتفاق شاهزاده بطهران آمده چون شاهزاده درگذشت آن دختر به حرم میرزا شفیع مستوفی فارس مواصلت کرده میرزا شفیع در حدود هزار و سیصد و در عرض الله ارض اقدس وفات نموده فرزند ذکوری از آن دختر داشته آقا علی بابا تربیت دختر زاده بر داشت از میراث هم داماد روزگارش فراغ البال و شاد با حسن عمرش از پنجاه گذشته

نمره ۱۳

چهاردهم — شرح شنبه چهاردهم

بیست فارسی سر ده خطوط هر جا نوشته شد هزاریکانی بزرگی الیاژ
ولا سید حسین و میرزا عبدالوهاب خان و شیخ حسن و حاجی عبد
الرسول مینایی و حاجی غلامحسین رهوانی و احمد شاه و زوجه کربلائی
عباس و سید طه نوشتند میزه بزرگی الیاژ و معتقد و
میرزا عبدالوهاب خان و ولا سید حسین و ولا غلامرضا و ولا عبدالرضا
پیر حاجی تبریز خان و مشهدی محمد رحیم نوشتم میرزا حبیب الله خان
سرتیپ دیدن آمد رئیس تلگرافخانه همدان که بعد از ولایت
انی انفصال یافته روز گذشته وارد شده قتل حسین منصور
حلاج در ایام ... ۳۰۹ در امروز بعهده با مر مقتدر عباسی پس از
مثله تمام اعضا دارش نفهمه و جسد او را سوختند نعم ما قیل
منصور کز او گشت سردار بلند جرمش این بود اسرار هویدا میکرد
روا باشد انا الحق از درختی چرا نبود روا از نیکبختی
تا قسم درست منزاری نبود لد جرم منصور بر داری نبود
امروز باران و تگرگ درشت زیاد آمد

نمره ۱۴

پانزدهم — شرح یکشنبه پانزدهم

امروز میرزا حبیب الله خان سرتیپ باز منزل ما تشریف آورد

شانزدهم — شرح دوشنبه شانزدهم

امروز اول اردیبهشت ماه جلالی است و عید حسن فرزند
میرزا جهانگیرخان منزل آمد

هفدهم — شرح سه شنبه هفدهم

امروز باران زیاد آمد امشب برج ثور امروز است باز خدمت
میرزا حبیب الله خان سرتیپ رفتم

هجدهم — شرح چهارشنبه هجدهم

منزل جناب مشاور السلطنه رفتم

نوزدهم — شرح پنجشنبه نوزدهم

سنه ماضیه در هفدهم ذی القعده چاشتگاه روز مزبور
در جوار حضرت عبدالعظیم پنج روز قبل از جشن پنجاهم
جلوس ذوالقرنین اعظم سلطان شهید مبرور ناصرالدین شاه بدست
میرزا رضا باغوای جمهوری طلبان مقتول گشت ازآنکه



نمره ۱۵

ازآنکه جنازه را در تکیه دولت گذاشته بردند امروز
با احترام و احتشام و دبدبه تمام جنب حضرت عبدالعظیم
بمحضه در مقبره و بقعه مخصوص مدفون ساختند
جلوس با سزاوار و نابکش است جهانی در شهنا جرمش ... است
سنین زندگانی و سلطنت سلطان شهید از بیت آتیه
معلم میشود
عمر او بد شصت و هفت و سلطنت حالی بود و نه
کر دست عمر خضر آفت بود ناکامیا

بیستم — شرح جمعه بیستم

منزل میرزا محمود خان مشاور الملک رفتم معزی الیه از
اعاظم اهالی تبریز قم و از خدام اجلاء وزارت خارجه و
سالها ماموریت عراق عرب داشته و کارگزار مستقل
انجا بعهده میرزا سعید خان مشیرالوزاره و یحیی خان نایب
حالیه کارگزار نیرلک و احمد خان هر سه فرزندان او هستند
خانه او در خیابان سیف الملک واقع عتصام الملک

نمره ۱۶

برادر اکبر است

بیست یکم — شرح شنبه بیست یکم

بیست خطه فارسی دارد شد جهت هزاریکانی خط میرزا فضل
و عباس پیر حاجی قنبر و میرزا عبدالوهاب خان و میرزا
تقی خان و حاجی عبدالرسول تبریزی و قراء مقبره و ولا سید
حسین و ملا جعفر قمی و شیخ حسن قمی و سید علوی جهت
نقاره زنه خط ولا سید حسین و ولا غلامرضا و کربلائی محمد رفیع
و عباس پیر حاجی قنبر و میرزا عبدالوهاب خان و
مهدی ... و حاجی عبدالرسول تبریزی بعهده خطوط هر جا نوشته
شد هزاریکانی بحضرت الوزراء و بزرگی التجار و ولا سید حسین
و میرزا عبدالوهاب خان و ناصر ارجب و محمد ابراهیم
خان و حاجی شیخ محمد و عطیه کربلائی عنبر و حاجی شیخ
حسن و بن عیسیان و حاجی عبدالرسول مینایی و میرزا محمود
خان و ولا محمد و ولا عبدالرحیم و ولا محمد و ولا محمود و ولا حسین نوشتند
نقاره زنه آخوند مرتضی و ولا سید حسین و حاجی شیخ حسن و

۱۷

و میرزا عبدالوهاب خان و جعفر قلی و شاه فتح
و ملا عبدالرحیم و حاجی عبدالرسول نیشابوری و رکن التجار و ملا حسین
و محمد و ملا محمد ابراهیم نوشتم

بیست دوم — شرح یکشنبه بیست دوم

امروز رضاخان منزل ما آمد اکبر فرزند محمد ابراهیم
خان مامور اسلحه بنادر و جوان معقول آراسته‌ایست

بیست سیم — شرح دوشنبه بیست سیم

امروز وفات امام محمد تقی [illegible] الرضا است در قریه
[illegible] در سنه [illegible] وقوع یافته

بیست چهارم — شرح سه شنبه بیست چهارم

امروز منزل [illegible] دیوان رفتم [illegible] میرزا حسین خان
از [illegible] فارس و از [illegible] قوام الملک بعد
سالی نیابت حکومت کرمان [illegible] وقت [illegible]
طهران اختیار فرموده پارک یعنی باغ مرحوم محمد حسن خان
اعتماد السلطنه [illegible] خان [illegible] در آنجا

۱۸

و در آنجا اقامت گزیده سالی پانصد تومان از دولت وظیفه
و مواجب است

بیست پنجم — شرح چهارشنبه بیست پنجم

امروز روضه حاجی میرزا رضاخان رفتم

بیست ششم — شرح پنجشنبه بیست ششم

امروز بزیارت جمال قطب الاقطاب میرزا حسن ملقب
بصفی علیشاه تشرف جستم خانقاه معظم له در برابر
پارک ظل السلطان واقع

بیست هفتم — شرح جمعه بیست هفتم

میرزا علی محمد خان کارگزار در منزل ما آمد

بیست هشتم — شرح شنبه بیست هشتم

پست خطه فارس وارد شد جهت خبر الکافی خط حاجی
عبدالرسول بهبهانی و ملا عبدالنبی و سلیمان و ملا سید حسین
و شیخ حسن قشمی و [illegible] شیخ حسین خان و فرنگیس
و احمد عیسی و یوسف ابراهیم و سید طه و سید علوی



۱۹

و نافرا رجب و حاجی محمود و احمد عونی و شاه محمد
و میرزا عبدالوهاب خان و رکن التجار و میرزا اسدالله
خان جهت [illegible] خط ملا عبدالرضا و میرزا عبدالوهاب کل
و ملا سید حسین و حاجی محمدتقی و سلیمان و علی تقی و شیخ
عبدالحسین و ملا علی اکبر و ملا میرزا حسین و حاجی عبد
الرسول بهبهانی جواب خطوط هفته قبل تماما نوشته
و بعد [illegible] خبر الکافی خط حاجی عبدالرسول بوشهری
و ملا احمد [illegible] با محمد جعفر نوشتیم

بیست نهم — شرح یکشنبه بیست نهم

امروز مهمان میرزا علی محمد خان پسر مرحوم میرزا شفیع
در خانه مشهدی رمضان [illegible]
هست در محله عباس آباد توقف [illegible]

سلخ — شرح دوشنبه سلخ

امروز وفات امام نهم ابی جعفر محمد تقی است در
بغداد [illegible] دولت [illegible]

۲۰

پست دیگر [illegible] سال [illegible] یافت

غره ذیحجه — شرح غره ذی الحجه الحرام

از شهور حرام و ماه مبارک است [illegible] محبوب [illegible]
حضرت ابراهیم علی نبینا و علیه السلام امروز است
و آن حضرت در امروز خلعت خلت پوشید و ازدواج
حضرت بتول و امیرالمومنین علی ابن ابیطالب
در [illegible] ابی بکر [illegible] سوره برائت امروز [illegible]
و بعضی روز [illegible] نوشته [illegible] مزبور [illegible]
[illegible] تابع الحجات [illegible]

دوم — شرح چهارشنبه دوم

امروز روضه حاجی میرزا رضاخان رفتیم

سیم — شرح پنجشنبه سیم

توبه حضرت آدم امروز حضرت باری تعالی قبول
فرمود

چهارم — شرح جمعه چهارم

امروز ناشم خان و حاجی میرزا محمد سمیعی متخلص
منزل ما آمده بسیاری از اشعار داودان از قراء
رفسنجان در این هفته موقتاً بطهران آمده

پنجم
شرح شنبه پنجم
پست خط فارسی واردش جهت خبرالکانی خط
لام جمعه و میرزا عبدالوهاب خان و شیخ حسن
قشمی و آقا سید حسین و حاجی عبدالرسول تبریزی و
خواجه کلدب جهت نگارنده خط آقا سید حسین
و میرزا عبدالوهاب خان هم جواب خطوط سابقه
قبلی تماماً نوشته [illegible]

ششم
شرح یکشنبه ششم
امروز منزل شاه‌الله ناصرالدوله موعظه [illegible]
بسیار خوش گذشت

هفتم
شرح دوشنبه هفتم
امروز روز وفات ابی جعفر محمد باقر است



در مدینه در سنه صد و چهارده وفات یافته

هشتم
شرح سه‌شنبه هشتم
امروز موسوم است بیوم الترویه میرزا عبدالله
خان و میرزا محمد نقشینه و حاجی میرزا حسن
منزل ما آمده

نهم
شرح چهارشنبه نهم
امروز موسوم است بیوم العرفه اشخاص مسطور فوق
باز منزل ما آمده بودند قبول توبه آدم و ولادت
حضرت خلیل و عیسی توبه داود پیغمبر و ولادت
حضرت علی را امروز می‌نویسند شهادت مسلم
بن عقیل و [illegible] سید الشهدا در کوفه امروز
بوده

دهم
شرح پنجشنبه دهم
امروز عید اضحی است عید قربان و عید قربانی نیز
گویند از اعیاد معظم ملت اسلام است امروز [illegible]

شرح جمعه یازدهم
شرح جمعه یازدهم   میرزا علی محمد خان کارپرداز منزل ما آمده

شرح شنبه دوازدهم
شرح شنبه دوازدهم   پست خطه ؟ بس وارد شده جناب صدرالکتابی خط میرزا علی اکبر خان و آقا سید حسین
و سید مرتضی جهت نگارش خط میرزا عبدالوهاب خان و کربلائی غلامرضا و معتقد و آقا سید حسین بوده
خطوط هر جا نوشته شد صد ایکانی برکن التجار و میرزا عبدالوهاب خان و آقا سید حسین و حاجی
عبدالرسول مینابی و امام جمعه و شیخ حسن فشنی نوشته شد نگارنده برکن التجار و آقا سید حسین و کربلائی
غلامرضا و میرزا عبدالوهاب خان نوشت امشب جهانگیر خان منزل ما بیتوته نمود امروز ملاقات
حاجی محمد رفتم از مردم یزد و بعد قبه بند فهرست کتب چاپ مطبعه ناصری نزد او موجود است

شرح یکشنبه سیزدهم
شرح یکشنبه سیزدهم   تقویم فارسی وفات عثمان امروز نوشته نهار منزل میرزا علینقی ترقی رفتم

شرح دوشنبه چهاردهم
شرح دوشنبه چهاردهم   میرزا یوسف پسر لرنیشتاه استخدام امروز جواب گفتم میرزا محمود
تاجر کتاب جزو ش و میرزا حبیب الله خان منزل ما آمده پس از نهار حجره میرزا محمود و منزل جناب آقا سید
عبدالله مجتهد و روضه جناب شعاع السلطنه رفتم

شرح سه شنبه پانزدهم
شرح سه شنبه پانزدهم   ولادت امام عاشر ابوالحسن علی النقی در مدینه در سنه دویست و دوازده
بروایت اشهر امروز است وفات عثمان شیخ مفید علیه الرحمه در سال الشیعه امروز نوشته آقا
ابوالقاسم جهت وداع منزل ما آمده ساکن حسن آباد از قراء رفسنجان است امروز بوطن مألوف
مراجعت میکند روز گذشته دیدنی بشارت خان خواجه شاهزاده احتشام الملک رفتم ولادت



ولادت پادشاه اسپانیا در سنه هزار و هشتصد و هشتاد و شش مقارن روز گذشته و تولد امپراطور
روس در سنه هزار و هشتصد و شصت و هشت در همه سنه مقارن امروز میشود

شرح چهارشنبه شانزدهم
شرح چهارشنبه شانزدهم   خرداد ماه جلالی است وفات سلطان حسین میرزا بایقرا در سال
نهصد و یازده امروز بوده صاحب توضیح المقاصد شیخ بهائی نوشته روضه حاجی میرزا رضا خان رفتم

شرح پنجشنبه هفدهم
شرح پنجشنبه هفدهم   امروز منزل میرزا علی محمد خان مستوفی رفتم

شرح جمعه هیجدهم
شرح جمعه هیجدهم   در سال دهم هجرت حضرت ختمی مرتبت حین امروز حضرت ولایت مآب را بولایت
عهد نصب فرمودند آن سال حجة الوداع و امروز بعید غدیر خم موسوم شده وفات عثمان بعضی امروز میگویند
عثمان هشتاد و دو سال زندگانی یافت سلامت حضرت ابراهیم از نار نمرود و تعیین وصایت شیخ
مرموسی و آصف برخیا مر سلیمان و شمعون صفا مر عیسی را امروز بوده وفات زین الدین علی
پسر عبدالعالی کرکی از اکابر علماء در سال نهصد و چهل امروز بوده مقتدای شیعه تاریخ وفات اوست
امروز اقتربت … جو ناهست دیدنی جناب حاجی میرزا ابوالفضل رفتم از اکابر علماء و در دولت
و ملت مسموع الکلمه و از فقهاء متبحرین و کتاب شفاء الصدور در شرح زیارت عاشورا
از تألیفات اوست سال عمرش از پنجاه گذشته در مدرسه میرزا حسین خان سپهسالار هر عصر مشغول
تدریس میشود اصل جناب معظم از نور مازندران است و لیکن حال از اهالی اینجا بشمار میرود پدرش
میرزا ابوالقاسم از فحول علماء بوده

شرح شنبه نوزدهم
شرح شنبه نوزدهم   مسیو البرت ارمنی منزل ما آمده در بوشهر نزد او در سنوات قبل

قبل زبان انگلیسی بیا آموختم حال در اینجا دفتردار بانک است لیپ فارس وارد شده جهة اخذ
خط شیخ حسن و حاجی عبدالرسول مینابی و رکن التجار و محمد ابراهیم خان و مشهدی رحمت الله
و شاه محمد و ناخدا رجب و آقا سید حسین و میرزا عبدالوهاب خان و سیف و آقا محمد
پسر آقا محمود و شیخ محمد و مادر محمد و مادر هلال جهت نگارنده خط رکن التجار و میرزا عبدالوهاب
خان و ملا عبدالله و ملا غلامرضا و شیخ عباس و حاجی عبدالرسول مینابی و شیخ محمد و آقا سید
حسین و شیخ عبدالحسین و معتقد و مشهدی محمد رحیم بوده خطوط هر جا نوشته شد

شرح یکشنبه بیستم امروز منزل جناب آقا سید عبدالله بهبهانی رفتم — شرح یکشنبه بیستم

شرح دوشنبه بیست و یکم تقویم فارسی تولد ویکتوریا ملکه مقتدره عالیه انگلند در ۱۸۱۹ النصرانیه — شرح دوشنبه بیست و یکم
مطابق امروز نوشته

شرح سه شنبه بیست و دوم امروز منزل میرزا آقا خان بشیر السلطان رئیس بلدیه بیت — شرح سه شنبه بیست و دوم
بنادر رفتم

شرح چهارشنبه بیست و سیم تقویم فارسی روز جلوس سلطان عبدالحمید خان سلطان عالیه آل عثمان امروز نوشته — شرح چهارشنبه بیست و سیم

شرح پنجشنبه بیست و چهارم امروز روز مباهله حضرت رسول و نصاری و روز اعطاء حضرت — شرح پنجشنبه بیست و چهارم
ولایت پناهی است خاتم بمرد سائل در حالت رکوع اعمال وارده امروز در مصباح
کفعمی مرقوم است

شرح جمعه بیست و پنجم امروز روز نزول سوره هل اتی است در شان حضرت بتول و زوج — شرح جمعه بیست و پنجم

و زوج و سبطین آن بضعه رسول صلعم

شرح شنبه بیست و ششم تقویم فارسی رحلت خلیفه ثانی امروز نوشته در منار الشیعه و توضیح المقاصد — شرح شنبه بیست و ششم
نوشته در سال بیست و سیم مقابل امروز خلیفه ثانی را ابو لؤلؤ مجروح نموده

شرح یکشنبه بیست و هفتم میرزا علی خان نراقی منزل ما آمده منزل بشیر السلطان رفتم — شرح یکشنبه بیست و هفتم

شرح دوشنبه بیست و هشتم تقویم هندوستان وفات حسین منصور حلاج در سال سیصد و نه — شرح دوشنبه بیست و هشتم
امروز نوشته بامدادان روضه حاجی میرزا حبیب الله کاشی رفتم خواهرزاده جناب
مجیر الدوله و از تجار معتبر است هر سال در عشر آخر ذی حجة الحرام اقامه عزا در منزل خود کند
و مستمعین را نهار دهد و نهار آنجا بودم در نتیجه حاجب الدوله حجره او واقع است

شرح سه شنبه بیست و نهم صاحب توضیح وفات عمر در سنه بیست و سه و وفات — شرح سه شنبه بیست و نهم
مقتفی بالله از ملوک بنی عباس در سنه دولیت و دو در عمر سی و یک امروز در اول — نوشته
ماه جولنت روضه حاجی میرزا حبیب الله رفتم نهار آنجا بودم